

دین و بین الملل

شماره چهل و یکم | بهمن ماه ۱۴۰۳

۴۰

دین و بین الملل | بهمن ۱۴۰۳



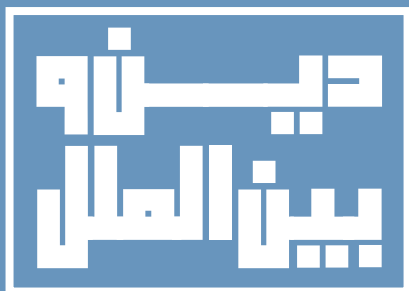
معاونت بین الملل حوزه های علمیه
للمعارة الدولية للدراسات العلمية
International Deputy of the Islamic Seminaries

دولت-ملت‌ها، همیشه‌گرفتار مرزهای خاکی بوده‌اند. اینکه «ملت»‌ها مجبور باشند تا «خود» را در جغرافیایی دوبعدی از «دیگری» جدا کنند می‌تواند از پیامدهای عرفی شدن مفرد حیات بشر در عصر جدید تلقی گردد.

به عکس، «دین» در گستره تاریخی آن مستحکم‌ترین عامل «تعریف» آدمیان از «خود جمعی»‌شان بوده است. اگر هویت‌های لخت جغرافیایی می‌توانند در دولت-ملت‌های مدرن متمثل شوند عجیب نیست هویت‌های سخت‌ایمانی را نیز در کالبد امامت-امت باز شناسیم.

در گذر تاریخ تا به امروز، امامت امت‌های دینی به دست شخصیت‌هایی بوده است که از طریق حکم و حکمت توده پیروان را سیاست کرده و بازیگرانی مهم در تعیین بخشی به حوزه عمومی بوده‌اند. این شخصیت‌ها را صرف نظر از آنکه گاه حقیقی‌اند (چون علما) و گاه حقوقی (چون سازمان‌های دینی)، «نهاد دین» تعبیر کرده‌ایم تا اشارتی باشد بر نقاط تکیه تأثیرگذاری بر جریان امر قدسی در میان توده‌ها.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شماره چهل و سه

بهمن ۱۴۰۳



ماهنامه دين و بين الملل

تهيه و تدوين: معاونت بين الملل حوزه های علميه

با همكاري انديشگده راهبردی مرصاد

ناظر علمي: سيد مفيد حسيني كوهساري

سردبير: علي اميرخاني

آدرس: قم - ابتدای بلوار محمدامين (ص) - مدرسه علميه

معصوميه - معاونت بين الملل حوزه های علميه

تلفن: ۰۲۵۳۳۱۳۵۲۱۵

آدرس پايگاه اطلاع رسانی: www.cica.ismc.ir



فهرست

۸

پیش‌گفتار

۱۱

رخداد

۱۵

نهاد

محکومیت جهانی طرح ترامپ برای کوچ اجباری فلسطینی‌ها؛ از الازهر تا

۱۶

واتیکان

۲۰

حوزه علمیه نجف

دیدار سید جواد شهرستانی با دبیرکل رابطه العالم الاسلامی بدون پوشش

۲۰

رسمی رسانه‌ای

مقتدی صدر از ایران خواست عناصر فراری گروه «القربان» را تحویل

۲۱

دهد

۲۵

الأزهر مصر

مصر در آستانه تصویب لایحه جرم انگاری صدور فتوا توسط سلفی‌ها و

۲۵

اخوان المسلمین

الازهر: «تحریم دیوان کیفری بین‌المللی و حمله به آن، جهان را به جنگ تبدیل می‌کند»
۲۹

۳۲ *رابطه العالم عربستان*

محمد العیسی در ایتالیا؛ حمایت از صلح و تأکید بر همزیستی ادیان ۳۲
«بر مسیر او»... تجربه‌ای شبیه‌سازی‌شده از مسیر هجرت نبوی ۳۵

۳۹ *سازمان دیانت ترکیه*

«مداخله آشکار»؛ جنجال بر سر آموزش دینی در مدارس ترک‌قبرسی ۳۹
ترکیه آدیداس را به دلیل کفش‌های ساخته‌شده از پوست خوک ۱۵ هزار دلار جریمه کرد ۴۳

۴۵ *کلیسای کاتولیک*

برای نخستین بار؛ انتصاب یک زن به‌عنوان بالاترین مقام «اجرایی» واتیکان ۴۵
برای نخستین بار؛ ریاست یک زن بر یکی از نهادهای اصلی «مذهبی» در واتیکان ۴۷
پاپ فرانسیس که احساس می‌کند به مرگ نزدیک شده است، در تلاش برای حفظ میراث خود است ۵۰

۵۴ *کلیسای ارتدکس*

هشدار کریل نسبت به ظهور باگانسم در روسیه ۵۴

درگذشت آقاخان ۵۸

۵۸ درگذشت امام شیعیان اسماعیلی نزاری
طریقت به جز خدمت خلق نیست: نیم‌نگاهی به خدمات آقاخان‌ها به
خلق‌الله
۶۰
اسماعیلیه نزاری مناسک عبادی مسلمانان را تا چه اندازه و چگونه به جا
می‌آورند؟
۸۵

ملی‌گرایی مذهبی ۸۹

۸۹ ملی‌گرایی مذهبی در سراسر جهان
کمپین سیاسی اجتماعی ترامپ علیه تراجنسیتی‌ها و همجنسگرایان ۱۰۳
تنش میان دولت ترامپ و اسقف‌های کاتولیک؛ مهاجران در کانون
اختلافات
۱۱۳
جدال بر سر تبعیض علیه مسیحیان در آمریکا
۱۱۷

دادگاه/امت ۱۲۳

۱۲۳ سالروز فتوای قتل سلمان رشدی
۱۲۹ قرآن‌سوز مشهور کشته شد
۱۳۳ اولین امام جماعت «علنا» همجنسگرا کشته شد

کلیسا و اتهامات ناتمام جنسی ۱۳۷

رئیس موقت کلیسای انگلستان برای جلوگیری از آزارهای جنسی وعده

۱۳۷

اصلاحات داد

اتهامات جنسی باعث استعفای یک اسقف دیگر در انگلیس شد ۱۳۹

دردسر جدید برای نخست وزیر فرانسه؛ نادیده گرفتن گزارش آزارهای

۱۴۱

جنسی در یک مدرسه کاتولیک

۱۴۳

دیدگاه

«توافق دراملانریگ»؛ عادی سازی با رژیم در پوشش صلح و آشتی ۱۴۴

جنگال ها بر سر اصلاحیه قانون «احوال شخصیه» در عراق ۱۴۵

روزهای سخت مفتی اعظم سابق سوریه ۱۵۶

۱۵۸

گزارش

غزه کولا؛ هر جرعه یک کنش مقاومت ۱۵۹

نگاه مرحوم نجم الدین اربکان به انقلاب اسلامی ایران ۱۶۳

«زرتشت یک کرد بود!»: نوزرتشت گرایی در میان کردهای عراق ۱۷۳



پیش‌گفتار

در جهانی که تقابل دین و سیاست بیش از پیش آشکار شده، نهادهای مذهبی و رهبران دینی نقشی انکارناپذیر در تحولات بین‌المللی ایفا می‌کنند. از تلاش‌ها برای حفظ هویت دینی در جوامع در حال تغییر گرفته تا چالش‌های پیش‌روی ادیان در برابر سیاست‌های جهانی، تحولات اخیر حاکی از دگرگونی‌هایی عمیق است که نمی‌توان از کنار آن‌ها به‌سادگی گذشت. حتی در جوامعی که به سکولاریسم شهرت دارند، مانند ایالات متحده، شاهد افزایش توجه به دین در سیاست و فرهنگ عمومی هستیم. از بحث‌های پیرامون هویت مذهبی در انتخابات گرفته تا تأثیر گروه‌های مذهبی بر سیاست‌گذاری‌های کلان، نشانه‌هایی از بازگشت دین به کانون توجه دیده می‌شود. این روند نشان می‌دهد که دین نه تنها از سپهر عمومی حذف نشده، بلکه در بسیاری از نقاط جهان به عاملی تعیین‌کننده در مسیر آینده جوامع تبدیل شده است.

در بسیاری از جوامع، نفوذ آموزه‌های دینی در سیاست‌گذاری‌های کلان، موضوعی پیچیده و چندلایه است. گاهی این تعاملات به همزیستی مسالمت‌آمیز و گاهی به تنش و درگیری می‌انجامد. در برخی موارد، مذهب ابزار قدرت و کنترل اجتماعی شده و در برخی دیگر، به عاملی برای مقاومت و احیای هویت فرهنگی تبدیل شده است. از سوی دیگر، جریان‌های ملی‌گرای مذهبی به‌عنوان نیرویی پرقدرت در جوامع مختلف در حال شکل‌گیری‌اند که بر تعاملات اجتماعی، سیاست داخلی و حتی روابط بین‌الملل تأثیرگذار بوده‌اند. این جریان‌ها می‌توانند باعث انسجام اجتماعی شوند یا شکاف‌های عمیق‌تری در جوامع ایجاد کنند.

چالش‌های اخلاقی و قضایی در نهادهای مذهبی نیز مسئله‌ای است که روزبه‌روز ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد. پرونده‌های مرتبط با سوءاستفاده‌های مذهبی، چالش‌های مربوط به شفافیت در مدیریت منابع دینی و فشارهای سیاسی بر نهادهای مذهبی ازجمله مباحثی هستند که مسیر آینده این نهادها را مشخص خواهند کرد. موضوعاتی مانند اصلاحات در قوانین مذهبی، تغییرات در ساختارهای دینی و تعامل سنت با مدرنیته نیز ازجمله مسائلی هستند که نهادهای دینی ناگزیر به مواجهه با آن‌ها هستند.

همچنین، تحولات فکری و بازاندیشی در آموزه‌های دینی، به‌ویژه در جوامع در حال گذار، زمینه‌ساز مباحث گسترده‌ای شده است. مواجهه با تفاسیر نوین، واکنش به جریان‌های نوظهور و تأثیر تحولات فرهنگی بر باورهای دینی، ازجمله موضوعاتی هستند که بر آینده نگرش‌های دینی

تأثیر خواهند گذاشت. ورود فناوری‌های نوین و رسانه‌های اجتماعی به حوزه دین نیز چالش‌های جدیدی را ایجاد کرده است که هم می‌تواند به تقویت دیالوگ میان ادیان کمک کند و هم موجب گسترش قرائت‌های افراطی یا تحریف‌شده از آموزه‌های دینی شود.

در این میان، مسائلی همچون نقش دین در بحران‌های جهانی، نحوه مواجهه نهادهای مذهبی با تحولات اجتماعی و سیاسی، و تأثیر این نهادها بر زندگی روزمره انسان‌ها بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. این مجموعه کوششی است برای بررسی این روندها، ارائه تحلیل‌هایی از زوایای مختلف و بازتاب تحولات اخیر در حوزه‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، به امید آنکه درک بهتری از آنچه در حال وقوع است فراهم شود.

سید مفید حسینی کوهساری

معاون بین‌الملل حوزه‌های علمیه



رخ داد

بررسی ممنوعیت حجاب در مسابقات ورزشی فرانسه

در ۱۸ فوریه ۲۰۲۵، سنای فرانسه بررسی طرحی را آغاز کرد که استفاده از حجاب و دیگر نمادهای مذهبی را در مسابقات ورزشی تحت نظارت فدراسیون‌های ورزشی این کشور ممنوع می‌کند. این طرح که از سوی حزب محافظه‌کار جمهوری خواهان پیشنهاد شده، همچنین اختصاص فضاهای ورزشی برای اقامه نماز را ممنوع اعلام کرده است. اگرچه برخی فدراسیون‌ها مانند فوتبال و راگبی قبلاً محدودیت‌هایی اعمال کرده‌اند، برخی دیگر همچنان اجازه استفاده از این پوشش‌ها را می‌دهند. این پیشنهاد با استقبال محافظه‌کاران روبه‌رو شده، اما گروه‌های حقوق بشری و چهره‌های چپ‌گرا آن را اقدامی اسلام‌هراسانه و تلاشی برای کنترل پوشش زنان مسلمان دانسته‌اند. فرانسه پیش‌تر نیز ورزشکاران را از استفاده از نمادهای دینی در المپیک ۲۰۲۴ منع کرده بود.^۱

شکایت گروه‌های مذهبی آمریکای علیه سیاست‌های مهاجرتی ترامپ

بیش از ۲۵ گروه مسیحی و یهودی در دادگاه فدرال علیه تصمیم دولت ترامپ شکایت کرده‌اند که به مقامات مهاجرت اجازه بازداشت در مکان‌های عبادی را می‌دهد. این اقدام باعث کاهش حضور مهاجران غیرقانونی در مراسم مذهبی شده است. شاکیان این سیاست را نقض حقوق دینی می‌دانند، اما وزارت دادگستری آن را قانونی اعلام کرده است. ترامپ در آغاز ریاست‌جمهوری خود وعده توقف ورود مهاجران

1 parisi.euronews.com/2025/02/18/french-lawmakers-debate-ban-on-ostensibly-religious-clothing-in-sports-competitions



غیرقانونی و اخراج میلیون‌ها نفر را داد و در هفته اول، ۴ هزار مهاجر اخراج شدند.^۱

بازگشت یهودیان روسیه از اسرائیل پس از مهاجرت اولیه

حاکم الکساندر بورودا، رئیس اتحاد جوامع یهودی روسیه، اعلام کرد که یهودیانی که در آغاز عملیات نظامی ویژه روسیه به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند، همگی به روسیه بازگشته‌اند. وی در یک کنفرانس مطبوعاتی توضیح داد که بسیاری از یهودیان برای دریافت تابعیت اسرائیلی به این کشور می‌روند، اما پس از مدتی به روسیه بازمی‌گردند. بورودا افزود که پس از حوادث ۷ اکتبر و جنگ با حماس، شاهد افزایش تعداد یهودیانی بوده‌اند که به روسیه بازگشته‌اند.^۲

بغداد به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۲۶ انتخاب شد

بغداد به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۲۶ انتخاب شد. این تصمیم در نشست وزرای فرهنگ کشورهای اسلامی در جده، عربستان سعودی، که در ۱۲ و ۱۳ فوریه ۲۰۲۵ برگزار شد، به اتفاق آرا گرفته شد. وزارت فرهنگ عراق اعلام کرد که این انتخاب نتیجه تلاش‌های مشترک این وزارتخانه با سازمان همکاری اسلامی (آی‌سی‌اس‌کو) در زمینه‌های آموزش، فرهنگ و علوم بوده است. احمد کریم العلیاوی، رئیس هیئت عراقی و مدیرکل مرکز نسخ خطی عراق، بر نقش تاریخی و تمدنی بغداد به عنوان شهری پیشرو در علم و فرهنگ تأکید کرد و

1 arabic.rt.com/world/1645527-

2 arabic.rt.com/russia/1639689-

تلاش‌های وزارت فرهنگ عراق برای حفظ هویت فرهنگی و آثار تاریخی کشور را ستود.^۱

تبرئه مارین لوپن از اتهام تحریک به نفرت

مارین لوپن، رهبر حزب جبهه ملی را از اتهام تحریک به نفرت تبرئه شد. این اتهام به دلیل اظهارات وی در سال ۲۰۱۰ مطرح شده بود، جایی که او نماز خواندن مسلمانان در خیابان‌ها را به «اشغال» تشبیه کرده بود. دادگاه با استناد به درخواست دادستانی که خواستار تبرئه لوپن بود، این حکم را صادر کرد. لوپن که به دلیل مواضع ضد اسلام و مهاجرت شناخته می‌شود، با وجود شکست حزبش در انتخابات اخیر، همچنان به عنوان یک چهره تأثیرگذار در سیاست فرانسه مطرح است.^۲

1 mdeast.news/?p=335184

2 elaph.com/Web/News/2015/12/1062002.html



محکومیت جهانی طرح ترامپ برای کوچ اجباری فلسطینی‌ها؛ از الازهر تا واتیکان



طرح دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، برای مهاجرت اجباری مردم غزه و انتقال آن‌ها به کشورهای همسایه مانند مصر و اردن، با واکنش‌های گسترده و محکومیت‌های شدید از سوی نهادها و شخصیت‌های دینی، سیاسی و بین‌المللی مواجه شده است. این طرح که با هدف کاهش تنش‌ها در منطقه و حل بحران غزه ارائه شد، به‌عنوان اقدامی غیراخلاقی، غیرقانونی و ناقض حقوق بشر مورد انتقاد قرار گرفته است. در زیر به برخی از مهم‌ترین واکنش‌ها اشاره می‌شود:

دانشگاه الازهر مصر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای دینی و علمی جهان اسلام، در بیانیه‌ای رسمی به شدت با طرح ترامپ برای کوچ اجباری فلسطینی‌ها مخالفت کرد. الازهر تأکید کرد که هیچ‌کس حق ندارد فلسطینی‌ها را مجبور به ترک سرزمین خود کند و این اقدام را نقض

آشکار حقوق بشر و حقوق بین‌الملل دانست. الازهر از رهبران عرب و مسلمان خواست تا با قاطعیت در برابر این طرح بایستند و از حقوق فلسطینی‌ها برای زندگی در سرزمین خود دفاع کنند. این نهاد همچنین هشدار داد که سکوت در برابر چنین اقداماتی، جهان را به سمت بی‌ثباتی و بی‌عدالتی بیشتر سوق خواهد داد.

واتیکان نیز با صدور بیانیه‌ای از سوی کاردینال پیترو پارولین، نخست‌وزیر واتیکان، مخالفت خود را با طرح ترامپ اعلام کرد. پارولین تأکید کرد که فلسطینی‌ها باید در سرزمین خود باقی بمانند و هرگونه اقدام برای آواره‌سازی آن‌ها غیرقابل قبول است. وی همچنین خاطرنشان کرد که این طرح نه تنها غیرمنطقی است، بلکه باعث تشدید تنش‌ها در منطقه خواهد شد. واتیکان از راه‌حل دو کشوری به عنوان بهترین گزینه برای حل بحران فلسطین حمایت کرده است.

حجت الاسلام و المسلمین سید صدرالدین قبانچی امام جمعه نجف اشرف، در خطبه‌های نماز جمعه که در حسینیه اعظم فاطمیه نجف اشرف ایراد کرد، گفت: «درخواست ایالات متحده آمریکا برای تبعید مردم غزه، و درخواست از اردن و مصر برای مهار آنها، غیرقابل قبول است و بی‌عدالتی و ظلم در حق مردمی تلقی می‌شود که خسارت دیده است و آمریکا به جای جبران خسارت، آن‌ها را تبعید می‌کند.»

ایلهان عمر، نماینده مسلمان کنگره آمریکا، طرح ترامپ را به شدت محکوم کرد و آن را ایده‌ای مضحک و غیرانسانی توصیف کرد. وی این طرح را نوعی پاکسازی قومی و نسل‌کشی خواند و تأکید کرد که مردم

فلسطین حق دارند در سرزمین خود باقی بمانند. عمر همچنین اظهار داشت که هیچ حمایت بین‌المللی برای این طرح وجود ندارد و مردم غزه ترجیح می‌دهند در سرزمین مادری خود زندگی کنند.

بیش از ۳۵۰ خاخم یهودی نیز با امضای نامه‌ای خطاب به دونالد ترامپ، با طرح وی برای اخراج فلسطینیان از نوار غزه مخالفت کردند. این خاخم‌ها این طرح را نوعی پاکسازی نژادی توصیف کرده و آن را نقض آشکار حقوق بشر دانستند. آن‌ها تأکید کردند که چنین اقداماتی نه تنها غیراخلاقی است، بلکه باعث تشدید بحران در منطقه خواهد شد.

رابطة العالم الإسلامی نیز در بیانیه‌ای رسمی، طرح ترامپ را به شدت محکوم کرد و آن را نقض آشکار حقوق فلسطینی‌ها و قوانین بین‌المللی دانست. این نهاد از جامعه جهانی خواست تا در برابر این طرح ایستادگی کند و از حقوق فلسطینی‌ها برای زندگی در سرزمین خود دفاع نماید. رابطة العالم الإسلامی همچنین از موضع کشورهای عربی، به ویژه عربستان سعودی، در حمایت از حقوق فلسطینی‌ها تقدیر کرد.

وزرای خارجه پنج کشور عربی شامل عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، مصر و اردن، به همراه حسین الشیخ، مشاور رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، در نامه‌ای مشترک به دولت آمریکا، مخالفت خود را با طرح ترامپ اعلام کردند. آن‌ها تأکید کردند که بازسازی غزه باید با مشارکت مستقیم مردم غزه انجام شود و فلسطینی‌ها باید در سرزمین خود باقی بمانند. این کشورها هرگونه اقدام برای آواره‌سازی فلسطینی‌ها را محکوم کردند.

طرح ترامپ همچنین با واکنش‌های گسترده از سوی نهادهای حقوق بشری و سازمان‌های بین‌المللی نیز مواجه شده است. بسیاری از این نهادها این طرح را نقض آشکار حقوق بشر و قوانین بین‌المللی دانسته و خواستار توقف آن شده‌اند. آن‌ها تأکید کرده‌اند که هرگونه اقدام برای آواره‌سازی فلسطینی‌ها غیرقابل قبول است و باید به حقوق آن‌ها برای زندگی در سرزمین خود احترام گذاشته شود.^۱

1 mdeast.news/?p=335039

irna.ir/xjSSw8

hawzahnews.com/xds87

shabestan.news/xkmfg

irna.ir/xjSSst

themwl.org/ar/node/40688

حوزه علمیه نجف



دیدار سید جواد شهرستانی با دبیرکل رابطة العالم الاسلامی بدون پوشش رسمی رسانه‌ای



سید جواد شهرستانی، نماینده تام‌الاختیار آیت‌الله سیستانی، با محمد العیسی، دبیرکل رابطة العالم الاسلامی، دیدار و گفت‌وگو کرد. این دیدار که جزئیات محتوای آن به طور رسمی منتشر نشده، از سوی رسانه‌های رسمی هیچ‌یک از دو طرف بازتاب نیافته است. تنها برخی رسانه‌های غیررسمی نزدیک به بیت مرجعیت نجف با انتشار تصاویری از این دیدار، آن را پوشش داده‌اند. اهداف و محورهای این گفت‌وگو

همچنان نامشخص است و تاکنون هیچ بیانیه‌ای رسمی درباره آن صادر نشده است.^۱

مقتدی صدر از ایران خواست عناصر فراری گروه «القربان» را تحويل دهد



با گسترش فرقه دینی «القربان» در شهرهای جنوب و مرکز عراق و پیگیری نیروهای امنیتی برای دستگیری اعضای آن که به بازداشت‌دها تن در ماه‌های اخیر منجر شده، مقتدی صدر، رهبر جریان صدر، از مقامات ایرانی خواست تا افراد فراری این گروه را به دولت عراق تحويل دهند. وی این گروه افراطی را وابسته به حمایت‌های خارجی دانست.

گروه «القربان» یا «العلاهیة» یک جنبش فکری است که در شهرهای جنوبی عراق گسترش یافته و آیین‌های افراطی مانند آسیب رساندن به

¹ t.me/Meshkat_alhawza/27024

خود و خودکشی را به عنوان راهی برای نزدیکی به امام علی (ع) و تعجیل در ظهور امام مهدی (عج) انجام می‌دهد.

در شهرهای ذی‌قار، المثنی، نجف، بابل و بصره طی ماه‌های اخیر، خودکشی‌های گروهی اعضای این فرقه در قالب آیین‌های خاصی ثبت شده است. اعضای این گروه، مخالفان خود را تکفیر می‌کنند که این امر باعث ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی و امنیتی در استان‌های جنوبی عراق شده است. مواردی خودکشی در استان‌های ذی‌قار، میسان، بصره و قادسیه (دیوانیه) ثبت شده که برخی از آن‌ها در منازل و برخی دیگر در مساجد تحت اختیار این گروه انجام شده است. تاکنون بیش از ۲۰۰ نفر از اعضای این گروه بازداشت شده‌اند، اما برخی از آن‌ها پس از برگزاری تجمعات عمومی در بازارها و اماکن عمومی ناپدید شده‌اند.

در این زمینه، مقتدی صدر از مقامات ایرانی خواست تا افراد فراری این گروه را به دولت عراق تحویل دهند. او در بیانیه‌ای که رسانه‌های محلی عراق منتشر کردند، این جنبش را «منحرف» توصیف کرد و آن را ناشی از «انحطاط فرهنگی و اعتقادی» دانست که به دنبال «کسب مال و طرفداران برای منافع دنیوی» است. وی افزود: «فاجعه اصلی این است که آن‌ها جوانان را فریب داده و به خودکشی وادار می‌کنند... به جهنم خواهند رفت و سرنوشت شومی در انتظارشان است... خودکشی آن‌ها هیچ حقی را به اثبات نمی‌رساند و تنها نشانه‌ای از نادانی و معصیت خدا، پیامبر و وصی او است.»

صدر تأکید کرد که «همه باید این گروه را افشا کرده، از آن‌ها فاصله بگیرند و حتی در غذا و نوشیدنی نیز با آن‌ها مراوده نکنند.» او همچنین اظهار داشت که «طبق درک من، این‌گونه جنبش‌ها از خارج حمایت می‌شوند» و از ایران خواست تا اعضای فراری را برای مجازات به دولت عراق تحویل دهد.

گزارش‌های قبلی حاکی از آن بود که برخی از رهبران این گروه پس از تعقیب نیروهای امنیتی عراق، به ایران گریخته‌اند. یک مقام وزارت کشور عراق که نخواست نامش فاش شود، گفت که این گروه بیشتر در مناطق فقیرنشین و کم‌سواد رشد کرده است. او فاش کرد که در تحقیقات از بازداشت‌شدگان مشخص شده که آن‌ها به «الوهیت امام علی (ع)» باور دارند و خودکشی را راهی برای نزدیکی به او و تعجیل در ظهور امام مهدی (عج) می‌دانند. همچنین، مواردی از خودکشی دختران نیز گزارش شده است، درحالی‌که پیش‌تر این پدیده در میان پسران ۱۷ تا ۳۰ ساله رایج بود.

بیشتر اعضای این گروه که خودکشی کرده‌اند، یادداشت‌هایی بر جای گذاشته‌اند که در آن‌ها خود را «قربانی برای امام علی (ع)» معرفی کرده‌اند. به نظر می‌رسد که «جماعة القربان» سازمان‌دهی مشخصی دارد و در فضای مجازی فعال است. مقامات امنیتی شمار اعضای آن را هزاران نفر تخمین می‌زنند که در مناطق جنوبی عراق پراکنده‌اند.

ماه گذشته، دادگاه کیفری استان واسط عراق چندین عضو این گروه را به اتهام «تحریک مردم به خودکشی» طبق ماده ۴۰۸ قانون مجازات

عراق، به زندان محکوم کرد. همچنین، مقامات این استان اعلام کردند که ده‌ها تن از بازداشت‌شدگان در زندان‌های آن‌ها عضو این گروه هستند.

علی‌الکنانی، کارشناس امنیتی عراق، گفت که مقامات این کشور، این گروه را تهدیدی امنیتی می‌دانند. او تصریح کرد که «این جنبش بر پایه مفاهیمی افراطی شکل گرفته که مخالفان خود را حذف کرده و به خودآزاری و خودکشی ترغیب می‌کند. خطر اصلی این گروه در این است که تفکرات آن‌ها می‌تواند به سوی مسلح شدن و تشکیل یک گروه نظامی پیش برود، به‌ویژه با توجه به دسترسی گسترده به سلاح در عراق. بنابراین، دولت رویکرد امنیتی را در پیش گرفته و تصمیم درستی اتخاذ کرده است.»^۱

الأزهر مصر



مصر در آستانه تصویب لایحه جرم انگاری صدور فتوا توسط سلفی ها و اخوان المسلمین



مقامات دینی مصر، از جمله نظیر عیاد مفتی این کشور با اشاره به هماهنگی با الازهر و دیگر نهادهای دولتی، از تدوین این قانون خبر داده اند و جلسات متعددی در این خصوص برگزار شده است. هدف این قانون، مسدود کردن آخرین راه نفوذ افراد افراطی از طریق فتاوی غیرکارشناسی است.

این رویکرد، نقطه‌ی عطفی در روابط ال‌زهر با گروه‌های سلفی به شمار می‌رود. پیش از این، ال‌زهر با تصویب قانونی که پیش از مشخص شدن هویت افراد مشمول، به این موضوع می‌پرداخت، مخالفت می‌کرد. برای اولین بار، دولت و نهادهای دینی مختلف، بر ضرورت جرم‌انگاری فتاوای غیرکارشناسی توافق دارند. پیش از این، اختلاف نظر بین ال‌زهر و دارالافتاء از یک سو، و ال‌زهر و پارلمان از سوی دیگر، بر سر تعریف «متخصص» مانع از تصویب این قانون می‌شد.

این قانون سختگیرانه که صدور فتوا توسط غیرمتخصصین را جرم دانسته و مجازات حبس را برای افرادی که خود را عالم دینی معرفی می‌کنند در نظر گرفته، پیامی قوی برای جریان سلفی است. این جریان، پس از انقلاب ۳۰ ژوئن ۲۰۱۳، خود را تنها گروه اسلامی شرکت‌کننده در مشروعیت بخشی به نظام جدید مصر معرفی می‌کرد.

دولت مصر، با توجه به وضعیت فعلی جریان‌های سلفی و اخوانی و افزایش نفرت از آنها در منطقه، این فرصت را مناسب می‌داند تا با تصویب این قانون، بال‌های افراط‌گرایان را کوتاه کند. صعود اسلام‌گرایان به قدرت در سوریه، باعث شده تا حمایت از این قانون در میان مردم بیشتر شود؛ چراکه پیش از این، فتاوای برخی از شیوخ از تقدس خاصی برخوردار بود.

دولت مصر، با پشتوانه وحدت ملی در برابر چالش‌های خارجی، ال‌زهر را متقاعد کرده است که از حمایت ضمنی از سلفی‌ها دست بردارد و در تدوین این قانون مشارکت کند. این مشارکت، از هرگونه انعطاف و

یا درگیری پنهانی احتمالی الزهر با جریان سلفی جلوگیری می‌کند. پیش از این، الزهر خواهان انحصار صدور فتوا توسط علمای خود بود، اما این پیشنهاد از سوی دارالافتاء و دولت رد شد. دولت و دارالافتاء معتقدند که حذف برخی از علمای غیر معتدل الزهر ضروری است تا از سوءاستفاده‌ی افراط‌گرایان جلوگیری شود.

دولت مصر همچنین، با ردّ انحصار صدور فتوا در الزهر، بر انتخاب شخصیت‌های میانه‌رو برای پاسخگویی به سوالات دینی تاکید دارد تا از ظهور افراد خطرناک‌تر از سلفی‌ها در میان فارغ‌التحصیلان الزهر جلوگیری شود. به همین دلیل، نهادهای مدنی نیز در تدوین این قانون مشارکت دارند.



اگرچه حزب النور (حزبی با گرایش سلفی) و برخی از اعضای آن در پارلمان حضور دارند، اما دولت مصر از دخالت سلفی‌ها در صدور فتوا به شدت خشمگین است. سلفی‌ها از فتوا به عنوان ابزاری برای رسیدن به

افکار عمومی، پس از محدودیت‌های اعمال شده بر فعالیت‌های آن‌ها در مساجد و اماکن مذهبی، استفاده می‌کنند.

تصویب این طرح‌های قانونی در مصر، با حمایت دولت و اکثریت پارلمان که متشکل از اعضای حزب «مستقبل وطن» است، همراه است. این قانون که پیشتر به دلیل جلوگیری از بروز اختلاف با الازهر به تعویق افتاده بود، هم‌اکنون با حمایت گسترده پارلمان روبروست.

دولت مصر درک می‌کند که منع صدور فتوا از سوی افراط‌گرایان، با در نظر گرفتن مجازات‌های سنگین از جمله حبس، آخرین ارتباطات اخوانی‌ها و سلفی‌ها را با جامعه قطع خواهد کرد. این دو گروه، با استفاده از دین و فتوا، اهداف سیاسی خود را دنبال می‌کنند.

آشفته‌گی‌های ایجاد شده توسط فتاوای سلفی‌ها، به نفع اخوانی‌ها بوده است؛ زیرا این فتواها، باعث افزایش فشار بر دولت برای اجرای شریعت و شورش علیه قوانین مدنی شده‌اند. هیچ نهاد دینی در مصر نمی‌تواند بدون حمایت قانونی و امنیتی با این چالش مقابله کند.

خالد منتصر، نویسنده مصری، معتقد است که جرم‌انگاری فتاوای غیر متخصص، بخشی از تحکیم مدنیت دولت است. او هشدار می‌دهد که سلفی شدن فضای عمومی خطرناک است و نباید از این قانون برای ساده‌سازی و سهل‌انگاری در صدور فتوا از سوی نهادهای دینی استفاده شود. او همچنین معتقد است که وجود یک جریان اسلامی در صحنه‌ی سیاسی مصر، یک اختراع مصنوعی است و در راستای تثبیت مدنیت، باید هرگونه حزب یا تشکل سیاسی مبتنی بر مذهب منع شود.

سرعت تصویب این قانون، به حمایت شخصی عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، از نوسازی گفتمان دینی بستگی دارد. سلفی‌ها با این اصلاحات مخالفند، زیرا از وضعیت موجود سود می‌برند. اما دولت مصر تصمیم گرفته است که با آن‌ها مقابله کند و صدور فتوا را از آن‌ها بگیرد. مبارزه علنی با اخوان المسلمین، تنها نقابی برای فعالیت‌های سیاسی افراط‌گرایان بوده است.^۱

الزهر: «تحریم دیوان کیفری بین‌المللی و حمله به آن، جهان را به جنگل تبدیل می‌کند»



الزهر مصر نسبت به پیامدهای حمله به نهادهای بین‌المللی از جمله دیوان کیفری بین‌المللی که نقشی مهم در حفظ امنیت و صلح جهانی و رسوا کردن تجاوزات اسرائیل بر غزه داشت، هشدار داد و تاکید

¹ fa.shafaqna.com/?p=1975508

کرد: تهدید به تحریم این دادگاه بین‌المللی و تلاش برای مانع‌تراشی در انجام وظیفه آن، امری خطرناک است.

الزهر همچنین نسبت به تبعات این تصمیم خطرناک در نابود کردن اعتماد به نهادهای بین‌المللی و جامعه جهانی و تضعیف نظم بین‌المللی و حاکمیت نظام جدید مبتنی بر زور و سلاح و تبدیل جهان به جنگلی هشدار داد که در آن افراد قوی حق ضعیفان و مستضعفان را می‌خورند.

الزهر همچنین خواهان توقف مطرح کردن چنین سخنان و تصمیمات سراسیمه و پایان دادن به تهدید توقف تامین مالی نهادهای بین‌المللی برای اعمال فشار بر آنها به منظور تغییر مواضع یا در پیش گرفتن موضعی ناعادلانه شد و بر لزوم پایبندی همه کشورها به تصمیمات و احکام صادره از سوی این نهادها و تلاش برای صیانت از پاکدستی و عدم مداخله در امور داخلی آن تاکید کرد.

ترامپ چندی پیش تحریم‌هایی علیه دیوان کیفری بین‌المللی اعمال کرد که بر اساس آن، تحریم‌های مالی و محدودیت‌هایی علیه مقامات دیوان بین‌المللی کیفری و اعضای خانواده‌شان است که در تحقیقات این دیوان از شهروندان یا متحدان آمریک کمک کرده‌اند، اعمال می‌شود.

دیوان کیفری بین‌المللی ۲۱ نوامبر گذشته قرار بازداشت بین‌المللی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر، یوآو گالانت، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی را به اتهام جنایت علیه بشریت صادر کرد.

قضات دیوان تاکید کرده‌اند که نخست وزیر و وزیر جنگ اسرائیل غیرنظامیان ساکن غزه را «مشخصاً از مایحتاج اولیه زندگی همچون غذا، آب، دارو، ملزومات پزشکی و نیز سوخت و برق محروم کرده‌اند».

بنیامین نتانیا‌هو در واکنش تصمیم دادستان دیوان بین‌المللی دادگستری را «پوچ» خواند و گفت هدف از این اقدام «هدف قرار دادن تمام اسرائیل» است.^۱

رابطه العالم عربستان



**محمد العیسی در ایتالیا؛ حمایت از صلح جهانی و تأکید بر
همزیستی ادیان**



میلان، ایتالیا - دبیرکل رابطه العالم اسلامی و رئیس هیئت علمای مسلمان، شیخ دکتر محمد بن عبدالکریم العیسی، در سفر خود به ایتالیا، با افتتاح یک جایزه علمی در دانشگاه کاتولیک میلان و دیدار با رئیس‌جمهور این کشور، بر اهمیت گفت‌وگوهای بین‌الادیانی و همکاری‌های فرهنگی تأکید کرد.



در دانشگاه کاتولیک میلان، یکی از برجسته‌ترین مراکز علمی این کشور، جایزه‌ای برای حمایت از مطالعات اسلامی و آموزش زبان عربی در اروپا به طور رسمی توسط دکتر العیسی راه‌اندازی شد. این جایزه که برای اولین بار در نوع خود در اروپا معرفی شده است، به عنوان بستری نوآورانه و مؤثر برای توضیح آموزه‌های اسلامی به جوامع غربی مطرح می‌شود. این ابتکار که با حضور کاردینال پیترو پارولین، دبیر دولت واتیکان، انجام شد، قصد دارد درک درستی از مفاهیم اسلامی را در حوزه‌های علمی و کاربردی ارائه دهد و همزمان نقش کلیدی زبان عربی را در فهم تعالیم اسلامی برجسته کند.^۱

دیدار رئیس‌جمهور ایتالیا

در ادامه این سفر، دکتر العیسی در کاخ ریاست جمهوری در رم با رئیس‌جمهور ایتالیا، سرژیو ماتارلا، دیدار کرد. در این نشست، موضوعات مهمی از جمله نقش ادیان در حمایت از صلح جهانی و تقویت دوستی میان ملت‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت. دکتر العیسی ضمن اشاره به اهمیت شناخت متقابل بین ملت‌ها و احترام به کرامت انسانی، اصول کلیدی «وثیقه مدینه» و «وثیقه مکه مکرمه» را تشریح کرد.

دبیرکل رابطه العالم الاسلامی همچنین از موضع منصفانه رئیس‌جمهور ایتالیا در حمایت از حقوق فلسطینیان و تأیید راه حل دو

¹ themwl.org/ar/node/40674

دولتی قدردانی کرد. وی به درک عمیق و آگاهی دینی و فکری مسلمانان ایتالیا اشاره کرد و از تعهد آنان به هویت ملی، احترام به قانون اساسی کشور و همزیستی مسالمت‌آمیز در چارچوب وحدت جامعه ایتالیایی تمجید نمود.

رئیس‌جمهور ایتالیا نیز ضمن تقدیر از تلاش‌های رابطه العالم اسلامی در جهت تقویت صلح دینی و تمدنی، تأکید کرد که افراط‌گرایی از هر منبعی که باشد، نماینده ارزش‌های اصیل ادیان نیست. وی ارزش‌های اسلامی در زمینه صلح و همزیستی را ستود و بر اهمیت گسترش همکاری‌های بین‌المللی در راستای همبستگی بین‌الادیانی تأکید کرد.^۱

1 themwl.org/ar/node/40672

«برمسیر او»... تجربه‌ای شبیه‌سازی شده از مسیر هجرت نبوی



سلمان بن سلطان، امیر منطقه مدینه منوره، شامگاه دوشنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۲۵ پروژه «درب الهجرة النبوية» و تجربه «برمسیر او (علی خطاه)» را که بازسازی مسیر تاریخی هجرت پیامبر اکرم (ص) است، در مراسمی در کنار کوه احد و با حضور سعود بن مشعل، معاون امیر منطقه مکه مکرمه، شماری از علما و مسئولان رونمایی کرد.

سلمان بن سلطان تأکید کرد که عربستان توجه ویژه‌ای به دو شهر مقدس دارد و در راستای حمایت از حرمین شریفین و زائران، پروژه‌های توسعه‌ای بسیاری را در این مناطق و اماکن تاریخی پیرامون آنها اجرا می‌کند. این اقدامات با هدف تقویت ارتباط زائران با سیره نبوی، غنای

سفر آنان و ایجاد تجربه‌ای عمیق‌تر در بازدید از این سرزمین انجام می‌شود.

وی این پروژه را شاهی زنده بر اهتمام رهبری سعودی به اماکن تاریخی دانست و آن را گامی در جهت تحقق اهداف «چشم‌انداز ۲۰۳۰» برای حفاظت از این اماکن و معرفی ارزش‌های پیامبر (ص) و شیوه هجرت ایشان به نسل‌های آینده برشمرد. او افزود که این پروژه فرصتی را برای زائران فراهم می‌کند تا مسیر هجرت را دنبال کرده و اماکن مرتبط با این سفر تاریخی را از نزدیک مشاهده کنند.

امیر مدینه تأکید کرد که «درب الهجرة» بخشی از برنامه‌های احیای اماکن تاریخی اسلامی است که با مشارکت نهادهای مختلف دولتی اجرا می‌شود و بازتابی از پیام انسانی عربستان مبتنی بر آموزه‌های دینی، فرهنگ اصیل عربی و ارزش‌های انسانی است. وی افزود که این پروژه تجربه‌ای منحصربه‌فرد را برای زائران فراهم می‌آورد که تلفیقی از تأثیر معنوی هجرت و فرهنگ اصیل مردم عربستان است.

حاضران در این مراسم نمایش ویدئویی از پروژه را مشاهده کردند که شامل توسعه ۴۱ اثر تاریخی در طول ۴۷۰ کیلومتر مسیر میان مکه و مدینه است. همچنین، ۵ ایستگاه تعاملی در نظر گرفته شده که بخش‌هایی از داستان هجرت را بازگو می‌کند، به‌علاوه منطقه‌ای با عنوان «آموزه هجرت».

ترکی آل شیخ، رئیس هیئت‌مدیره اداره کل سرگرمی، تأکید کرد که این پروژه، که از مدت‌ها پیش برای آن برنامه‌ریزی شده، با هدف معرفی

تاریخ و تمدن کهن عربستان اجرا می‌شود. وی افزود که این پروژه تحت هدایت ملک سلمان و ولیعهد محمد بن سلمان، با استانداردهای بین‌المللی توسعه یافته و اماکن تاریخی و فرهنگی در آن احیا شده‌اند. آل شیخ این پروژه را بخشی از افتخارات تمدنی کشور دانست و اعلام کرد که «بر مسیر او» در نوامبر آینده آغاز و به مدت ۶ ماه ادامه خواهد داشت. انتخاب اماکن کلیدی آن نیز بر اساس منابع تاریخی معتبر و با همکاری نهادهای رسمی انجام شده است.

در ادامه این مراسم، سلمان بن سلطان شاهد امضای توافقنامه اجرای پروژه میان سازمان‌های «سرگرمی»، «توسعه منطقه مدینه منوره»، «گردشگری»، برنامه‌های «خدمت به زائران» و «کیفیت زندگی» و شرکت «صله» بود.

جزئیات پروژه «برمسیر او»

این پروژه، که با حمایت امیر مدینه منوره راه‌اندازی شده، مسیری ۴۷۰ کیلومتری میان مکه و مدینه را در بر می‌گیرد که ۳۰۵ کیلومتر از آن به‌طور ویژه برای پیاده‌روی طراحی شده است. هدف آن بازسازی مسیر تاریخی هجرت و ارائه تجربه‌ای واقعی از این سفر معنوی به زائران است. این پروژه شامل بازسازی ۴۱ مکان تاریخی و ایجاد ۵ ایستگاه تعاملی است که وقایع کلیدی هجرت را به تصویر می‌کشند. همچنین، «موزه هجرت» به‌عنوان یکی از بخش‌های اصلی این طرح، اطلاعات جامع تاریخی و فرهنگی را در اختیار بازدیدکنندگان قرار خواهد داد.

علاوه بر این، ۶۲ ایستگاه خدماتی، شامل ۵۲ استراحتگاه، ۸ کمپ مجلل، مراکز درمانی و بیش از ۸۰ رستوران و فروشگاه در نظر گرفته شده است. همچنین، منطقه «جحفه» میزبان بزرگ‌ترین موزه هجرت خواهد بود.

پیش‌بینی می‌شود که این پروژه روزانه تا ۱۲ هزار بازدیدکننده را جذب کند و فرصتی منحصر به فرد برای آشنایی با تاریخ اسلام فراهم آورد. مسیر بازدید از غار ثور در مکه آغاز شده و در مسجد النبی در مدینه خاتمه می‌یابد.

اهداف پروژه «بر مسیر او» چنین ذکر شده است:

- احیای میراث اسلامی با بازسازی مسیر هجرت و ایجاد امکان تجربه آن برای زائران
- تقویت گردشگری فرهنگی و دینی و جذب گردشگران داخلی و خارجی
- ارائه تجربه‌ای آموزشی از طریق ایستگاه‌های تعاملی و موزه تخصصی هجرت

این پروژه به‌طور رسمی در نوامبر آینده افتتاح خواهد شد و به مدت ۶ ماه ادامه خواهد داشت. هدف آن ارائه تجربه‌ای فرهنگی و معنوی است که فهم بهتری از اهمیت هجرت نبوی ایجاد کند.^۱

سازمان دیانت ترکیه



**«مداخله آشکار ترکیه»؛ جنجال بر سر آموزش دینی در مدارس
ترک قبرسی**



حزب آکل قبرس روز سه شنبه ۱۱ فوریه ۲۰۲۵ آنچه را که «دستور کار اسلامی» توصیف کرد، محکوم کرد. این واکنش پس از آن بود که گزارشی به جودت بیلماز، معاون رئیس جمهور ترکیه، ارسال شد که در آن

درخواست شده بود کلاس‌های آموزش دینی بیشتری در مدارس بخش شمالی قبرس ارائه شود.

این حزب اعلام کرد: «این اقدام بخشی از مداخله ترکیه در نظام آموزشی ترک‌های قبرسی است تا آن را با دستور کار اسلامی که در ترکیه اعمال شده، هماهنگ سازد.»

همچنین افزود: «در نتیجه این مداخله، از جمله اقداماتی که در حال اجرا هستند، می‌توان به انتقال معلمان از ترکیه، تقویت مدارس خصوصی مذهبی و اعمال فشار برای ایجاد آموزش اجباری دینی در مناطق اشغالی، برخلاف خواست و هویت جامعه ترک قبرسی اشاره کرد.»

حزب آکل حمایت خود را از «حق جامعه ترک قبرسی برای داشتن یک نظام آموزشی مستقل» اعلام کرد و بیان داشت که «این هدف مورد حمایت اکثریت اتحادیه‌های معلمان ترک قبرسی و احزاب سیاسی مترقی است.»

در همین راستا، این حزب اعلام کرد که نماینده آن در پارلمان اروپا، یورگوس یورگیو، سؤالی را به کمیسیون اروپا ارائه کرده و از این کمیسیون پرسیده است که آیا از این موضوع آگاه است و «چه اقداماتی را برای حمایت از حق ترک‌های قبرسی در داشتن یک نظام آموزشی مستقل انجام خواهد داد؟»

این مسئله پس از آن مطرح شد که هیمنت تورگوت، رئیس اتحادیه معلمان ترک قبرسی (Kibtes)، گزارشی شش صفحه‌ای را به

جودت ییلماز ارسال کرده و در آن خواستار افزایش نقش دین در مدارس ترک‌های قبرسی شده بود.

تورگوت که در کالج الهیات حلا سلطان در منطقه میا میلیا تدریس می‌کند، پیشنهاد داده است که کودکان از سن چهار سالگی «دوره‌های آموزشی دینی» را تحت نظر اداره امور دینی قبرس شمالی یا هیئت مشورتی امور دینی سفارت ترکیه در نیکوزیا بگذرانند.

این گزارش همچنین از نبود کافی دوره‌های «فرهنگ دینی و اخلاق» در مدارس دولتی شمال قبرس انتقاد کرده است.

سپس در بخش دیگری از گزارش، توجه به نظام آموزشی جمهوری قبرس معطوف شده و در آن آمده است که آموزش‌های دینی «جایگاه مهمی» در مدارس یونانی قبرسی دارد و «دولت شرکت در مراسم مذهبی پیش از تعطیلات بزرگ ارتدکس یونانی را در اماکن عمومی اجباری کرده و همچنین آموزش دینی ارتدکس یونانی را الزامی ساخته است».

هیمنت تورگوت، از درخواست خود برای افزایش آموزش دینی در مدارس شمال قبرس دفاع کرد و رسانه‌ها را به تخریب جمهوری ترک قبرس شمالی (TRNC) متهم کرد. او گزارش ارسال شده به معاون رئیس‌جمهور ترکیه، جودت ییلماز، را تلاشی برای شناسایی مشکلات آموزشی و یافتن راه‌حل دانست و رسانه‌ها را به رعایت اصول روزنامه‌نگاری دقیق و بی‌طرف دعوت کرد. ۲۷ انجمن فرهنگی ترک قبرسی نیز از این گزارش حمایت کردند و مدعی شدند که رسانه‌ها موضوع را تحریف کرده‌اند.

رهبر اتحادیه صنفی معلمان (Ktoeos)، سلما ایلیم، واکنش سریعی به این گزارش نشان داد و اتحادیه Kibtes را «یک اتحادیه تحت حمایت سفارت ترکیه» توصیف کرد. او همچنین گفت که این گزارش بخشی از «تلاش‌ها برای اعمال فشار ایدئولوژیک بر معلمان» است.

حزب CTP قبرس نیز گزارش Kibtes را تلاشی برای دامن زدن به اختلافات اجتماعی و اعمال فشار ایدئولوژیک بر معلمان دانست.

دوره‌های «فرهنگ دینی و اخلاق» برای اولین بار در سال ۲۰۰۹ در بخش شمالی قبرس معرفی شدند و کالج الهیات حلا سلطان نیز سه سال بعد در سال ۲۰۱۲ افتتاح شد.

در سال‌های اخیر، برخی نگرانی‌ها درباره آنچه مداخله ترکیه در امور دینی قبرس شمالی خوانده می‌شود، افزایش یافته است. این نگرانی‌ها به‌ویژه به دلیل آنکه دولت ترکیه در دهه‌های اخیر مذهبی‌تر شده، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.^۱

1 cyprus-mail.com/2025/02/11/akel-decries-islamic-agenda-over-more-religion-in-north-schools-report

ترکیه آدیداس را به دلیل کفش‌های ساخته شده از پوست خوک ۱۵ هزار دلار جریمه کرد



ترکیه شرکت آلمانی آدیداس را بیش از ۱۵ هزار دلار جریمه کرد زیرا این شرکت مشتریان را از وجود پوست خوک در یکی از مدل‌های اصلی کفش‌هایش مطلع نکرده بود.

نهاد نظارت بر تبلیغات در ترکیه آدیداس را به دلیل معرفی مدل «Samba OG» به عنوان «چرم طبیعی» بدون ذکر اینکه از پوست خوک ساخته شده، مورد انتقاد قرار داد.

این نهاد تأکید کرد که استفاده از موادی که «مغایر با حساسیت‌های دینی اکثریت جامعه» است، باید به‌طور شفاف در تبلیغات و توضیحات محصول ذکر شود.

براین اساس، آدیداس به پرداخت ۵۵۰,۰۵۹ لیر ترکیه (حدود ۱۵,۲۰۰ دلار) جریمه شد.

آدیداس در واکنش به این موضوع اعلام کرد که مشخصات محصول را در وبسایت ترکیه‌ای خود به‌روزرسانی کرده اما درباره جریمه اظهار نظری نکرده است.

در سال ۲۰۲۰، سازمان دیانت ترکیه اعلام کرده بود که «تولید کفش یا لباس از پوست یا موی خوک مجاز نیست» و تأکید کرد که تقریباً همه علمای مسلمان معتقدند که پوست خوک حتی با دباغی یا فرآیندهای مشابه نیز پاک نمی‌شود.^۱

کلیسای کاتولیک



**برای نخستین بار؛ انتصاب یک زن به عنوان بالاترین مقام
«اجرایی» واتیکان**



رافائلا پترینی، عضو انجمن خواهران فرانسیسکانی قربانیه، به عنوان رئیس جدید کمیسیون پاپی دولت شهر واتیکان و رئیس دولت شهر واتیکان منصوب شد.

طبق بیانیه‌ای که دفتر مطبوعاتی واتیکان روز شنبه ۱۶ فوریه ۲۰۲۵ منتشر کرد، این انتصاب از اول مارس ۲۰۲۵ اجرایی خواهد شد.

پترینی که از سال ۲۰۲۱ دبیرکل دولت شهر واتیکان بوده است، با این انتصاب به نخستین زنی تبدیل می‌شود که بالاترین مقام اجرایی در ساختار اداری واتیکان را بر عهده می‌گیرد.

پترینی در سمت جدید خود مسئولیت اداره دولت شهر واتیکان را بر عهده خواهد داشت و امور روزمره و سیاست‌های آن را طبق دستورالعمل‌های مقرر مقدس مدیریت خواهد کرد. دولت شهر واتیکان مسئولیت بخش‌های مختلفی از جمله امنیت، زیرساخت‌ها و میراث فرهنگی را بر عهده دارد.

پیش از او، کاردینال فرناندو ورگز آلاگا از سال ۲۰۲۱ این سمت را بر عهده داشت.^۱

1 vaticannews.va/en/pope/news/2025-02/pope-francis-appointment-sr-raffaella-petrini-vatican-governorat.html

برای نخستین بار؛ ریاست یک زن بر یکی از نهادهای اصلی «مذهبی» در واتیکان



زن راهبه‌ی ۵۹ ساله‌ای به نام سیمونا برامبیللا به تازگی از سوی پاپ فرانسیس به ریاست «مجمع موسسات زندگی وقف شده و انجمن‌های زندگی تبلیغی» منصوب شده که یکی از نهادهای مهم در ساختار واتیکان است.

این انتصاب به این معناست که برامبیللا به عنوان عالی‌ترین مقام این نهاد مذهبی، وظیفه نظارت بر جوامع دینی مردانه و زنانه و مدیریت ارتباطات آنها با پیروانشان را بر عهده خواهد داشت.

این انتصاب، تاییدی بر تمایل پاپ فرانسیس برای افزایش نقش زنان در مناصب رهبری کلیسای کاتولیک است.

با وجود این، پاپ هم‌زمان با این انتصاب، کاردینال آنخل فرناندز آرتیمه را نیز به عنوان دستیار برامبیللا منصوب کرد تا در انجام وظایف او

را همراهی کند. این اقدام باعث شد بعضی ناظران درباره تقسیم مسئولیت‌ها و نقش واقعی برامبیلای ابراز تردید کنند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارش خود گفته است که به نظر می‌رسد از دیدگاه الهیات پاپ معتقد بوده که انتصاب فرناندز ضروری است، چون رئیس این دفتر باید توانایی برگزاری مراسم عشای ربانی و دیگر مناسک مقدس را داشته باشد؛ اموری که در حال حاضر تنها مردها اجازه انجام آن را دارند.

به گزارش سالنامه آماری واتیکان در سال ۲۰۲۲ تعداد زنان راهبه بیش از کشیش‌ها و شماسان است. نزدیک به ۶۰۰ هزار زن راهبه در سراسر جهان مشغول فعالیت هستند که تعداد آنها ۴۷ درصد بیشتر از تعداد کشیش‌ها است.

انتصاب سیمونا برامبیلای غیر منتظره نبود، چون این تصمیم در چارچوب فرایندی تدریجی برای ادغام زنان مذهبی در نهادهای تصمیم‌گیری واتیکان انجام شده است.

تا پیش از سال ۲۰۱۹ تمام اعضای مجمع موسسات زندگی وقف‌شده، مرد بودند. این وضعیت باعث بروز انتقاداتی داخلی شده بود، چرا که زنان از موقعیت‌های تصمیم‌گیری محروم بودند.

اما در همان سال پاپ فرانسیس برای نخستین بار هفت زن را به عنوان اعضای این مجمع منصوب کرد و پس از آن سیمونا برامبیلای ابتدا به سمت دبیر و اکنون به عنوان ریاست این نهاد انتخاب شد.

از آغاز دوران رهبری پاپ فرانسیس، حضور زنان در واتیکان به تدریج افزایش یافته است.

در سال ۲۰۱۶ باربارا جاتا به عنوان مدیر موزه‌های واتیکان منصوب شد و در سال ۲۰۲۲ رافائلا پترینی به سمت دبیرکل فرمانداری واتیکان انتخاب شد، مقامی که به صورت معمول به اسقف‌ها اختصاص داشت. به گزارش خبرگزاری واتیکان، درصد زنان در ساختارهای این نهاد از ۲/۱۹ درصد در سال ۲۰۱۳ به ۴/۲۳ درصد در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است.

این پیشرفت‌ها مستلزم اصلاح قانون اساسی واتیکان بود که در سال ۲۰۲۲ انجام شد و به افراد غیر روحانی، از جمله زنان، اجازه داد مدیریت یک نهاد را بر عهده بگیرند و به مقام ریاست منصوب شوند. اگرچه این تغییرات به تدریج انجام می‌شود، اما انتصاب این زن ایتالیایی نشان‌دهنده عزم پاپ فرانسیس برای گسترش نقش زنان مذهبی در کلیسا است، تصمیمی که همچنان با مقاومت برخی از بخش‌های محافظه‌کار کلیسای کاتولیک روبه‌رو است.^۱

1 [bbc.com/persian/articles/c2l0141qr9no](https://www.bbc.com/persian/articles/c2l0141qr9no)

پاپ فرانسیس که احساس می‌کند به مرگ نزدیک شده است، در تلاش برای حفظ میراث خود است



پاپ پس از بستری شدن به دلیل برونشیت شدید، به شدت نگران وضعیت سلامتی خود است و تلاش دارد پیش از رقابت جانشینی، امور ناتمام خود را تکمیل کند. از اوایل ماه جاری میلادی، او به دلیل عفونت تنفسی در بیمارستان جملی رم بستری شده و از آن زمان مجبور به لغو چندین حضور عمومی شده است.

این آخرین بحران سلامتی برای این پاپ ۸۸ ساله است که در جوانی بخشی از یکی از ریه‌هایش را از دست داده و در سال‌های اخیر ضعیف‌تر شده است. دفتر مطبوعاتی واتیکان به طور مداوم به روزرسانی‌هایی ارائه داده و روز دوشنبه ۱۷ فوریه اعلام کرد که برونشیت او به یک «عفونت چندمیکروبی» با «وضعیت بالینی پیچیده» تبدیل شده است.

به گفته دو منبع مطلع، پاپ از درد شدید رنج می‌برد و به صورت خصوصی ابراز اطمینان کرده که این بار نجات نخواهد یافت. روز یکشنبه، پزشکان در جملی او را از ایراد خطبه فرشته خداوند صبحگاهی منع کردند، اتفاقی که به ندرت رخ داده است، حتی در زمان بستری بودنش. یکی از منابع گفت که او اکنون کاملاً بر اساس «دستورات پزشکان» عمل می‌کند.

او در ابتدا از بستری شدن امتناع کرد، اما پزشکان به او هشدار دادند که در صورت ماندن در واتیکان، خطر مرگ او را تهدید می‌کند.

همزمان با وخامت وضعیت سلامتی‌اش، پاپ تلاش کرده است طرح‌های کلیدی خود را نهایی کند و افراد هم‌سو با دیدگاهش را در مناصب مهم منصوب کند. دوران پاپی او که با اختلافات ایدئولوژیک شدیدی همراه بوده، بر محور اصلاحات پیشرفته‌ای مانند اعطای نقش‌های مهم به زنان و افراد همجنس‌گرا متمرکز بوده است. این تغییرات خشم محافظه‌کاران را برانگیخته، در حالی که لیبرال‌ها آن را ناکافی می‌دانند. اقدامات او برای مقابله با سوءاستفاده جنسی در کلیسا نیز نتایج متفاوتی به همراه داشته است.

جان‌شینی پاپ جنبه‌ای سیاسی خواهد داشت

پاپ در ۶ فوریه، پیش از بستری شدن، دوره کاردینال ایتالیایی جوانی باتیستا را به عنوان رئیس کالج کاردینال‌ها تمدید کرد، سمتی که بر مقدمات گردهمایی محرمانه برای انتخاب پاپ جدید نظارت دارد.

این تصمیم، که به طور بحث برانگیزی رأی‌گیری برنامه‌ریزی شده میان کاردینال‌های عالی‌رتبه را دور زد، به گفته منابع، برای اطمینان از اجرای روند جانشینی مطابق با خواسته‌های پاپ بود.

اگرچه باتیستا به دلیل سن بالا نمی‌تواند در نشست انتخاباتی شرکت کند، اما در مذاکرات پشت پرده پیش از این رویداد نقش کلیدی خواهد داشت. انتخاب او به جای یک نامزد جوان‌تر نشان‌دهنده تمایل پاپ به حفظ فردی همسو با سیاست‌هایش در این موقعیت حساس است.

پاپ فرانسیس خود نیز در آستانه انتخابش در سال ۲۰۱۳ از حمایت گروهی از کاردینال‌های مسن که اگرچه حق رأی نداشتند اما نفوذ زیادی داشتند، بهره برد.

تمدید دوره باتیستا همچنین به این معناست که او مسئول انجام آیین خاکسپاری پاپ در صورت درگذشت او خواهد بود. یکی از منابع گفت که پاپ در این مورد شوخی کرده و گفته است که باتیستا نسبت به سایر گزینه‌ها با او «مهربان‌تر» خواهد بود.

دفتر مطبوعاتی واتیکان از اظهار نظر در این باره خودداری کرده است.

پیش از تشدید بیماری، پاپ درگیر یک چالش سیاسی بود. اوایل ماه جاری، او به شدت از برداشت جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، از مفهوم الهیاتی «آردو آموریس» که برای توجیه سیاست مهاجرتی دونالد ترامپ استفاده شده بود، انتقاد کرد. این واکنش پاپ،



خشم کاخ سفید را برانگیخت و احتمالاً رقابت جانشینی را پیچیده‌تر خواهد کرد.

روز شنبه، پاپ همچنین روند انتصاب خواهر رافائلا پت‌رینی را به عنوان نخستین فرماندار زن واتیکان تسریع کرد و اعلام کرد که او از اول مارس کار خود را آغاز خواهد کرد. این تصمیم زودتر از حد انتظار بود و در میان متحدان پاپ نگرانی‌هایی درباره وضعیت سلامتی او ایجاد کرد. البته، این تغییر ممکن است به دلیل رسیدن کاردینال فرناندو ورگز آلزاگا به سن ۸۰ سالگی، که او را از این سمت کنار می‌گذارد، برنامه‌ریزی شده باشد.

حتی اگر پاپ از این بیماری جان سالم به در ببرد، بسیاری این مقطع را نقطه عطفی می‌دانند که در آن تمرکز پاپ از اصلاحات به تثبیت میراثش تغییر کرده است.

یکی از مقامات واتیکان گفت: «او شاید اکنون نمیرد، اما در نهایت این اتفاق خواهد افتاد. همه می‌میرند — و او یک پیرمرد ۸۸ ساله با مشکلات ریوی است.»^۱

¹ politico.eu/article/pope-francis-legacy-death-complex-italy-rome-health

کلیسای ارتدکس



هشدار کریل نسبت به ظهور پاگانیزم در روسیه



رهبر کلیسای ارتدکس روسیه، در اظهاراتی که او آخر روز سه شنبه ۱۱ فوریه منتشر شد، گفت که «افراد عجیب و غریب» در تلاش‌اند بت‌پرستی (پاگانیزم) را در مناطق جنگی اوکراین گسترش دهند. او خواستار اقداماتی برای مقابله با تلاش‌هایی شد که به گفته او، هدفشان تضعیف نفوذ کلیسا در این مناطق است.

پاتریارک کریل، در سخنانی که در وب‌سایت رسمی پاتریارک مسکو منتشر شد، خطاب به روحانیون گفت: «می‌خواهم توجه کشیش‌هایی

را که از منطقه جنگی بازدید می‌کنند، به ظهور احساسات نئوپگانیسم (بت‌پرستی نوین) در میان برخی از پرسنل نظامی جلب کنم.»

او افزود: «چه کسی تصور می‌کرد که در قرن بیست و یکم، در قلمرو روسیه مقدس، افرادی ظاهر شوند که به احیای بت‌پرستی بپردازند؟»
کریل تأکید کرد که روحانیونی که شاهد تلاش‌هایی برای احیای بت‌پرستی در منطقه جنگی هستند، «باید ابتکار عمل ویژه‌ای از خود نشان دهند تا از تأثیر نئوپگانیسم بر آگاهی پرسنل نظامی جلوگیری کنند.»

ملاحظه: گسترش پاگانیزم در میان نیروهای نظامی روسیه، به‌ویژه در گروه‌های نظامی خصوصی و واحدهای ویژه، پدیده‌ای قابل توجه است که ریشه در ایدئولوژی‌های ملی‌گرایانه و بازگشت به آیین‌های پیشامسیحی اسلاوها دارد. این گرایش، که به عنوان نئوپاگانیزم اسلاوی یا رادنووری شناخته می‌شود، با نمادها و باورهای باستانی اسلاوها پیوند خورده و در میان نیروهای نظامی و امنیتی روسیه رواج یافته است.

نئوپاگانیزم در روسیه به دو جناح اصلی تقسیم می‌شود: جناح راست (دموکراتیک ملی) که طرفدار سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی است، و جناح چپ (سوسیالیست ملی) که کمونیسم را هدف قرار می‌دهد. هر دو جناح به نوعی با ایده‌های ملی‌گرایانه و ضد مسیحیت ارتدکس مرتبط هستند و از نمادهای پاگانی و نئونازی

مانند kolovrat (صلیب شکسته هشت پرتو) و Tiwaz (نماد خدای جنگ) استفاده می‌کنند.

این ایدئولوژی در میان نیروهای نظامی، به‌ویژه در گروه‌های نظامی خصوصی مانند گروه واگنر، گسترش یافته است. این گروه‌ها نه تنها در جنگ‌های خارجی مانند اوکراین و سوریه مشارکت دارند، بلکه به عنوان بخشی از جنبش ناسیونالیستی روسیه عمل می‌کنند. نئوپاگانیسم در این گروه‌ها با ایده‌هایی مانند «ماموریت ویژه» روسیه و «برگزیدگی» اسلاوها همراه است و اغلب با نمادگرایی نظامی و مذهبی تقویت می‌شود.

تقابل بین نئوپاگانیسم و کلیسای ارتدکس روسیه نیز قابل توجه است. کلیسای ارتدکس نئوپاگانیسم را تهدیدی برای خود می‌داند، زیرا این جنبش در میان نیروهای نظامی و ورزشکاران هنرهای رزمی گسترش یافته و با ایده‌های ضد مسیحی و ملی‌گرایانه همراه است. این تقابل نشان‌دهنده تنش‌های ایدئولوژیک درون جامعه روسیه است.

در کل، گسترش پاگانیسم در میان نیروهای نظامی روسیه نشان‌دهنده پیوند عمیق بین ملی‌گرایی، نظامی‌گری و بازگشت به آیین‌های باستانی است. این پدیده نه تنها بر هویت نظامی‌ان روسیه تأثیر گذاشته، بلکه چالش‌هایی را برای نهادهای مذهبی سنتی مانند کلیسای ارتدکس ایجاد کرده است.



د
د
د
د
د

درگذشت آقاخان



درگذشت امام شیعیان اسماعیلی نزاری



MAWLANA
SHAH KARIM AL HUSSAINI AGA KHAN IV
1936 • 2025

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

inna lillahi wa inna ilayhi raji'un

Verily we belong to Allah and verily to Him do we return

کریم الحسینی معروف به آقاخان چهارم؛ چهل و نهمین امام شیعیان اسماعیلی نزاری در ۸۸ سالگی در پایتخت پرتغال درگذشت. او که حدود ۶۸ سال امامت این گروه را برعهده داشت، دانش‌آموخته تاریخ در دانشگاه هاروارد بود و توانست با تاسیس

شبکه توسعه آقاخان، دانشگاه آقاخان و موسسه مطالعات اسماعیلی، فعالیت‌های گسترده‌ای در کشورهای مختلف انجام دهد و از جمله جایزه موسیقی، معماری و محیط زیستی به نام خود پایه‌گذاری کند.

در پی درگذشت وی، پیام‌های تسلیت متعددی از سوی شخصیت‌ها و نهادهای مختلف منتشر شد. مجمع جهانی اهل بیت (ع) با صدور پیامی، این ضایعه را به پیروان و دوستان او تسلیت گفت و برای جانشین وی، رحیم حسینی آقاخان پنجم، توفیق در خدمت‌رسانی آرزو کرد.

اسماعیلیان نزاری با جمعیت حدوداً پانزده میلیونی‌شان معتقد به امامت اسماعیل فرزند امام جعفر صادق (ع) و نسل او هستند و آقاخان چهارم را نیز از نسل اسماعیل می‌دانند.

با وجود فعالیت گسترده آقاخان در کشورهای همسایه ایران و حتی رابطه حسنه با نجف، به دلیل سابقه همکاری آنان با انگلیس در قرن ۱۹ در هند، آقاخان نتوانست در دوران طولانی امامت خود در ایران بعد انقلاب نیز فعالیت کند.

پس از درگذشت وی، فرزند ارشدش، رحیم حسینی، به عنوان آقاخان پنجم و پنجاهمین امام موروثی اسماعیلیان معرفی شد. این انتصاب بر اساس وصیت‌نامه آقاخان چهارم و سنت اسماعیلیه صورت گرفت. اسماعیلیان نزاری اختیارات ویژه برای امام حاضرشان در تغییر احکام و باورهای شرعی قائلند.

طریقت به جز خدمت خلق نیست: نیم‌نگاهی به خدمات آقاخان‌ها به خلق الله

به قلم: امین محمدی



خانواده آقاخان به‌عنوان بخشی از الیگارشی جهانی توانست در سده بیستم هویتی فراملی برای نزاریه و به‌تبع آن، یک شبکه فراگیر اقتصادی پدید آورد. شبکه توسعه آقاخان همان گونه که در پیدایش مدیون استعمار انگلیس است، هنوز در راستای منافع استعماری فعالیت می‌کند.

ظاهری آراسته، کت و شلواری مرتب، لبخندی بر لب، ریش‌هایی تراشیده، پوستی سفید و موبور، رفتاری متین و بانوانی زیباروی -البته بی‌حجاب- در کنار دارد. لابد گمان می‌کنید درباره یک فرد سکولار و ترجیحاً اروپایی سخن می‌گوییم؟ خیر. شگفت‌زده خواهید شد اگر بشنوید این فرد «امام‌زمان» مذهب اسماعیلیه نزاریه قاسم‌شاهی

است؛ یعنی شاه کریم حسینی، امام چهل و نهم اسماعیلیه و چهارمین آقاخان.

اعضای این فرقه به پیروی از امامشان زیست دینی متفاوتی را در پیش گرفته‌اند؛ پیش‌تر آقاخان اول و دوم خود را والاترین تجسد آواتاره (Avatāra) می‌دانستند و برای امام جایگاهی هستی‌شناختی و چه بسا ربوبی قائل بودند و تکالیف شرعی از قبیل صوم، صلات و حجاب را به بهانه وصول به باطن دین از دوش خود برداشتند [۱] و پس از ایشان آقاخان سوم و چهارم معتقد شدند که یک اسماعیلی مدرن، باید سرسپرده ارزش‌های لیبرال دموکراسی باشد، زیرا این ارزش‌ها کاملاً همسو با آموزه‌های قرآنی و تعالیم امامان اسماعیلی - که برخی از ائمه شیعه دوازده امامی در زمره آنان‌اند - است [۲] و از این رهگذر بین سنت / مدرنیته و عقل / ایمان آشتی برقرار کرده‌اند.

ممکن است برخی بگویند این خوانش از اسلام حتی اگر دچار اشکالات نظری باشد، باز بهتر از طیف اسلام سیاسی است که در آسیا به منصفه ظهور رسیده و کشورهای اسلامی را به خاک و خون کشانده است، مانند القاعده، طالبان، اخوان المسلمین و داعش. دستکم این فرقه توانسته‌اند همگام با کشورهای مدرن پیشرفت کند و حتی آقاخان چهارم باهدف «بهبود کیفیت زندگی» برای توازن دین و دنیا یک سازمان به نام «شبکه توسعه آقاخان» (AKDN) «تأسیس کرده و این شبکه به ارتقای کشورهای اسلامی در سه زمینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یاری رسانده است.

در پاسخ باید گفت که همان گونه اسماعیلیه همواره دیگر فرقه‌ها را متهم به قشری‌نگری و ظاهرگرایی می‌کردند، در این زمینه هم نباید به ظاهر اقدامات آقاخان‌ها به‌ویژه شبکه توسعه آقاخان بسنده کرد. آنان، برای هر ظاهری، باطنی قائل هستند و خود را ملزم به یادگیری و پایبندی به آن می‌دانند، بنابراین برای فهم حقیقت آقاخانیه باید ظاهر اعمال این فرقه را تأویل کرد.

آقاخان به انگلیسی‌ها پیشنهاد فتح هرات را داد و با وجود مشارکت در این اقدام، ناکام ماند. او در نامه‌های خود از انگلیسی‌ها به «خلق الله» یاد می‌کند

بنابراین، این گزارش سر آن دارد تا با روش کشف‌المحجوب نشان دهد که آیا این فرقه، شیفته خدمت است و اگر هست، این خدمت به چه کسانی ارائه می‌شود؟

پیوند با استعمار انگلیس

هم‌سویی

شورش ضد حکومت ایران: آنگاه که شاه خلیل‌الله، پدر آقاخان، در سال ۱۱۹۴ق بر مسند امامت جلوس نمود، مقرر خود را در سال ۱۲۳۰ق از محلات به یزد آورد تا پایگاه پیروان خود در کرمان، شهر بابک و هند نزدیک‌تر باشد اما پس از دو سال در نزاعی که بین پیروان وی و تنی چند از بازاریان رخ می‌دهد، او کشته می‌شود. فتح‌علی‌شاه برای جلوگیری از فتنه‌های بعدی عاملین این حادثه را کیفر داده، از خانواده شاه خلیل‌الله

دلجویی کرده، یکی از دخترانش را به عقد حسنعلی شاه درآورده، به وی لقب «آقاخان» را داده و او را به حکومت قم می‌گمارد. او پس از مرگ فتحعلی شاه و با جلوس محمدشاه به حکومت کرمان گماشته می‌شود اما حاج میرزا آقاسی بر پایه ادعای آقاخان، محمدشاه را نسبت به او بدبین می‌سازد. در اینجا لازم است علت دسیسه‌چینی میرزا آقاسی ضد آقاخان یاد شود.

اسماعیلیه پس از مستنصر دوم، به‌مرور از تبلیغ برای امامت اسماعیلی دست کشیدند و از آنجایی که امام در چشم اسماعیلیه کمابیش همان جایگاه قطب نزد صوفیه را دارد، نزاریه بسیار به طریقت نعمت‌اللهی نزدیک شد تا جایی که محمدحسن حسینی (حسن علیشاه محلاتی یا آقاخان اول) نام طریقتی عطاءالله شاه بر خود داشت و حتی صادق علیشاه (نیای مادری آقاخان)، عزت علیشاه (دائی او) و آقا علیشاه (پسر و جانشین آقاخان) در طریقت نعمت‌اللهی دارای جایگاه مهمی بودند. رویه درویش‌نوازی و ترویج تصوف از سوی محمدشاه قاجار سبب رقابت در طریقت نعمت‌اللهی شد. دو جریان صوفیه در آن روزگار وجود داشت که برای رقابت می‌کردند: نخست، مست علیشاه (زین العابدین شیروانی) که با آقاخان پیوندی دوستانه داشت تاحدی که آقاخان را مرید وی خوانده‌اند و در مقابل، حاجی میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه، قرار داشت. متعاقباً آقاخان از دعوی مست علیشاه پشتیبانی می‌کرد اما پس از پیروزی آقاسی و راندن مست علیشاه، آقاسی به دسیسه‌چینی ضد آقاخان پرداخت.

باری، آقاخان برای رفع بدگمانی در ارگ بم در ۱۲۵۵ق متحصن می‌شود اما عاقبت سرکنگبین صفرا فزود و محمدشاه این اقدام را شورش تلقی کرده و قلعه به مدت ۱۴ ماه محاصره می‌شود تا اینکه به میانجی‌گری محمدصادق‌خان، برادرزاده فتحعلی شاه، نزد محمدشاه تسلیم شده و با تحصن در حرم شاه عبدالعظیم مورد عفو ملوکانه قرار می‌گیرد. آقاخان به املاک خانوادگیش در محلات بازگشت و ۲ سال در آن حوالی ماند. در ۱۲۵۶ق به بهانه سفر حج خود و خانواده‌اش از محلات خارج شدند اما پس از گردآوری عده و عده به کرمان رفته و سرآن داشت تا با یک فرمان جعلی از سوی محمدشاه کرمان را در دست گیرد اما پس از افشای جعلی بودن آن جنگی بین نیروهای او و حکومت درگرفت. آقاخان در این جنگ شکست خورد و وادار به عقب نشینی در فارس شد. او در سال بعد با دریافت توپخانه و مهمات جنگی از طرف انگلیسی نخست توانست سپاه قاجاریه را شکست بدهد اما باز شکست خورد و از راه کویر لوت به افغانستان رفت.

این شورش هم‌زمان با رقابت ایران و انگلستان بر هرات بود. از این رو، پژوهشگران احتمال داده‌اند که این شورش صرفاً دارای علل درونی نباشد، چراکه انگلستان، ایران را دستکم رقیبی خطرناک برای مستعمرات بریتانیا می‌دید. به همین دلیل کوشش قاجاریه برای تسلط بر هرات را نقشه‌ای ضد منافع خود تفسیر می‌کرد. شورش آقاخان در واقع فرصتی برای انگلیس بود تا سپاه ایران را برای مدتی از هرات دور نگه دارد. البته، در نامه گلایه‌آمیز آغاسی به انگلیسی‌ها آمده است که

نیروهای آقاخان از توپ‌های بریتانیایی استفاده می‌کنند. آقاخان پس از شکست در سال ۱۸۴۲ به قندهار رفت که در تصرف انگلیسی‌ها بود. وی آنجا سرگرد رالینسن را ملاقات کرد که پیش‌تر یکدیگر را در مراسم تاج‌گذاری محمدشاه در سال ۱۸۳۵ دیده بودند [۴][۳].

همکاری

تجزیه افغانستان از ایران: رالینسن برای آقاخان در قندهار مقرری معین کرد و او هم پیشنهاد فتح هرات را داد و با وجود مشارکت در این اقدام، ناکام ماند. او در نامه‌های خود از انگلیسی‌ها به «خلق‌الله» یاد می‌کند. هنگامی که انگلیس قندهار را ترک کرد، او هم برای خدمت بیشتر به خلق‌الله به هند مهاجرت کرد [۵][۶].

کمک به انگلیسی‌ها در گسترش مستعمرات: او با بزرگان کراچی که بعضاً شیعه بودند، مذاکره کرد تا به مستعمرات انگلیس در هند ملحق شوند و هنگامی که با پاسخ منفی بزرگان کراچی روبرو شد، با لودادان نقشه جنگ آنان سبب پیروزی انگلستان شد. او با فرستادن نمایندگان به سوی بلوچ‌ها آنها را به انقیاد در برابر انگلیسی‌ها دعوت کرد اما طبیعتاً مورد پذیرش قرار نگرفت. پس او بخشی از نیروهای خود را با فرماندهی برادرانش برای سرکوب بلوچ‌ها فرستاد. انگلستان هرگز حاضر به استرداد آقاخان بنا بر پیمان‌نامه ده‌ماده‌ای بین ایران و انگلیس در ۱۸۱۴ نشد.

میرزا آغاسی در سال ۱۸۴۷ با میانجی‌گری «خلق‌الله» پذیرفت تا آقاخان به کشور بازگردد؛ منتها مشروط به اینکه از راه بوشهر بیاید نه کرمان یا بلوچستان چراکه بیم سرکشی دوباره او وجود داشت اما آقاخان چنین شرطی را نپذیرفت. آقاخان با مرگ محمدشاه امید داشت باز بتواند به ایران بازگردد. بنابراین درخواست بازگشت به ایران را مطرح کرد اما امیر کبیر شرط تسلیم شدن او در مرز کشور را مطرح کرد و باز آقاخان از انجام این شرط سرباز زد. او پس از قتل امیر کبیر با فرستادن فیل، کرگدن و زرافه -در چند دوره زمانی- برای ناصرالدین شاه و مذاکره با میرزا آقاخان نوری می‌کوشید برای بار آخر بتواند به ایران بازگردد اما موافقتی نه از سوی شاه، نه از سوی نوری آنکلو فیل و نه حتی صدراعظم‌های پس از او صورت نگرفت و او هیچ‌گاه موفق به بازگشت به ایران نشد و برای همیشه از استقرار یک حکومت در یک ایران ناامید گشت و در هند ماندگار شد [۷][۸].

آقاخان سوم زین‌پس موقعیت خود را به عنوان عضوی از طبقه حاکم بریتانیا و الیگارشی بین‌المللی دارای عنوان و ثروت تثبیت کرد.

اثبات وفاداری

دریافت تابعیت انگلستان: آقاخان اندکی پیش از مرگش، درخواست پناهندگی به بریتانیا داد و این کشور ضمن موافقت با آن، لقب والا حضرت را به وی اعطا کرد [۹] که بعداً آقاخان چهارم نیز به چنین لقبی دست پیدا کرد.



روابط دوستانه با خانواده سلطنتی: آقاخان دوم، عیشاه پسر
 آقاخان اول، رابطه دوستانه‌ای با انگلستان داشت و از ملکه ویکتوریا، لقب شوالیه دریافت کرد و جانشین ویکتوریا، ادوارد هفتم نیز از دوستان صمیمی آقاخان دوم بود. ثروت و سپرده‌های مالی خانواده در بانک‌های انگلیس افزایش چشمگیری پیدا کرد [۱۰]. افزون بر این، لرد کرزن، نائب السلطنه هند، وی را پس از بازگشت از انگلستان به عنوان یکی از اعضای شورای قانون‌گذاری خود گماشت و از سال ۱۹۰۷ هر سال به اروپا رفته و پیوند خود با خاندان‌های سلطنتی را مستحکم می‌ساخت. آقاخان سوم در سال ۱۸۹۷ با حضور در دربار سلطنتی مورد استقبال ملکه قرار گرفت تا جایی که ملکه وی را بر روی تخت پایی نشانند [۱۱]. او زین پس موقعیت خود را به عنوان عضوی از طبقه حاکم بریتانیا و الیگارشی بین‌المللی دارای عنوان و ثروت تثبیت کرد [۱۲].

حبیب بانک از بزرگ‌ترین بانک‌های پاکستان است که صندوق توسعه اقتصادی آقاخان سهام کنترل (۵۱٪ سهام) آن را در دست دارد، در سال ۲۰۱۷ به پول‌شویی و تأمین مالی گروه‌های تروریستی در افغانستان در متهم و محکوم شد

پشتیبانی

تملک دارایی‌های خوجه‌ها (پرونده خوجه): آقاخان پس از رویارویی با جامعه خوجه‌های اسماعیلی در هند، خواهان مالکیت بر دارایی آنها شد. در مقابل، شمار قابل توجهی از خوجه‌ها ادعای او مبنی بر امامت اسماعیلی را موجه ندانستند و شکایت خود را به دادگاه عرضه کردند اما خلق‌الله با توجه به خدمات آقاخان - به‌ویژه در تخصص آنها در فصل و وصل جهان اسلام - در این پرونده جانب آقاخان را گرفتند و همین موضوع افزون بر تصاحب اموال، مشروعیت امامت او بر نزاریه را تقویت کرد [۱۳].

کمک به انگلستان در جنگ جهانی اول: سرسلطان محمدشاه، آقاخان سوم، در جنگ جهانی اول جانب‌داری انگلستان را کرد و از پیروان خود خواست تا به ارتش انگلستان کمک کنند [۱۴]. این در حالی صورت گرفت که انگلستان در جنگ جهانی اول با ایجاد یک قحطی عامدانه سبب قتل عام نیمی از جمعیت ایران یعنی حدوداً ۹ میلیون نفر شد [نک. کتاب قحطی بزرگ از محمدقلی مجد].

تجزیه پاکستان از هندوستان: آقاخان سوم نقش بسزایی در ایجاد تشکیلات و احزاب مسلمان هند داشت و می‌کوشید مانند دیگر حکمرانان دارای قلمرویی مستقل باشد اما با درخواست وی موافقتی نشد باوجوداینکه وی تمایلی به استقلال هند از انگلستان نداشت اما بستر را برای تجزیه پاکستان از هند فراهم کرد [۱۵]. [۱۶]

از نظر پژوهشگران، امپراتوری بریتانیا بستری برای جهانی‌شدن نزاریه بود و دیوان امامت اسماعیلی موفقیت خود را وامدار دفتر استعماری انگلستان است

کارگزاری

شاه کریم حسینی، آقاخان چهارم، با استفاده از بستری که پدربزرگش پیش‌تر فراهم کرده بود، دست به ایجاد یک سازمان غیرانتفاعی جهانی نامور به «شبکه توسعه آقاخان» زد. پیروانش مدعی هستند که آقاخان به علت اینکه دیگر امکان احیای حکومت اسماعیلی مانند حکومت فاطمیان و الموت دیگر امکان‌پذیر نیست، این سازمان را بن افکنده است تا امام اسماعیلی با این ابتکار بتواند به وظیفه‌اش یعنی خدمت‌رسانی به اسماعیلیه پراکنده در جهان را انجام دهد. شبکه توسعه آقاخان همانند یک «دولت رفاه لیبرال» برای اسماعیلیان و حتی غیرمسلمانان عمل می‌کند بدون آنکه سرزمین یا نظام سیاسی داشته باشد [۱۷]. آنچه مدیریت این شبکه را در دست دارد، دیوان یا مسند امام اسماعیلی است که امام در رأس آن قرار دارد و مرکز آن در شهر

لیسبون است. دیوان امام اسماعیلی مانند واتیکان دارای جایگاهی حقوقی است و حتی نمایندگی دیپلماتیک در ۳۰ کشور از جمله در کانادا دارد. اسماعیلیه در دبی، لندن و ونکوور، هیوستون، دوشنبه و تورنتو مرکز دارند. بنابراین، امامت اسماعیلی چونان ولایت بدون سرزمینی است که بر ۱۲-۱۵ میلیون پیرو نزاری پراکنده در ۱۵ کشور فرمانروایی می‌کند.

شوربختانه، نظر پژوهشگران چنین نیست؛ از نظر آنان، آقاخان سوم و چهارم و خوجه‌های او در سال ۱۹۷۲ به‌سوی یک شبکه فراگیر اقتصادی میان پیروان و تشکیل یک نهاد دیوانی برای اداره این شبکه حرکت کردند. هرچند این طرح موفقیت‌آمیز بود ولی یک شبکه هرمی غیردموکراتیک پدید آورد که برخلاف ادعای چرخش از امامت فردی به امامت نهادمند، در رأس شبکه، آقاخان و مناصب مهم در ذیل او عمدتاً در دست خوجه‌ها قرار دارد. باری، آقاخان توانست یک هویت مدنی و فراملی برای جماعت خود ایجاد کند به‌گونه‌ای که وفاداری آنان به شبکه توسعه آقاخان بیش از دولت متبوع آن شخص است. اما پرسش اینجاست که آیا آقاخان صرفاً باهمت خوجه‌هایش توانست این شبکه جهانی را برپا کند؟ از نظر پژوهشگران، امپراتوری بریتانیا بستری برای جهانی‌شدن نزاریه بود و دیوان امامت اسماعیلی موفقیت خود را وامدار دفتر استعماری انگلستان است [۱۸][۱۹]. بنابراین، سازماندهی پیروان از طریق شبکه توسعه آقاخان، کاملاً هویتی استعماری و برای مقاصد خلق‌الله طرح‌ریزی شده است.

مواد مخدر و جدایی طلبی

صدرالدین آقاخان با همکاری جمعه خان نامنگانی، نقش فعالی در ترانزیت مواد مخدر از طریق درهٔ اوش، قطب مواد مخدر جمهوری قرقیزستان، داشته است. افزون بر این، وی یکی از بنیان‌گذاران بنیاد جهانی با پشتیبانی شاهزاده فیلیپ بریتانیا بود که از مهم‌ترین اهداف آن پول‌شویی برای خانوادهٔ سلطنتی است. صدرالدین به‌عنوان یک مسئول در فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (WFTU) توانست از دولت پاکستان در سال ۱۹۸۳ مجوز ایجاد دو پارک ملی در بخش شمالی استان چیتراک کمابیش هم‌مرز با افغانستان دریافت کند. انتخاب این منطقه فاقد جاذبه گردشگری یا پوشش جانوران و گیاهان غنی، برای کشت گستردهٔ خشخاش از سوی مجاهدین افغانستان بوده است. او با همکاری آمریکا کمک‌های تسلیحاتی به مجاهدین می‌فرستاد و حتی از برخی از گروه‌های جنبش استقلال کشمیر که طرفدار بریتانیا بودند، پشتیبانی کرد [۲۰].

ولایت خودمختار بدخشان کوهستانی کمابیش نیمی از خاک تاجیکستان را دربردارد اما تنها ۴٪ از جمعیت این کشور در خود جای‌داده است و به دلیل کوه‌های مرتفع، تنها ۶٪ از آن برای زندگی مناسب است. آمار فقر و بیکاری در این منطقه بالاست و صنعت و زیرساخت‌ها توسعه‌یافته نیستند. بدخشان از طریق کریدور واخان با افغانستان، سین‌کیانگ چین و منطقهٔ اوش قرقیزستان متصل است. کریدور واخان تنها مسیری است که چین را مستقیماً به افغانستان

متصل می‌کند و چین می‌تواند از طریق آن به منابع زیرزمینی افغانستان دست یابد. اوش قرقیزستان بخشی از درهٔ فرغانه است که درگیری‌های گستردهٔ قومیتی در آن رخ داده است. افزون بر این، اوش یکی از مسیرهای مهم قاچاق مواد مخدر به قزاقستان و روسیه است.

بنیاد آقاخان که از کشورها و سازمان‌های غربی از جمله USAID کمک‌های مالی دریافت کرده یا در تاجیکستان با آنها همکاری می‌کند، یک کارویژه در این منطقه دارد: تحکیم حضور غربی‌ها به‌ویژه انگلیسی‌ها در آسیای و فعالیت در راستای منافع آنها خواه ترانزیت مواد مخدر خواه آشوب سیاسی. باوجود اینکه آقاخان پیروانش را به خویشن‌داری و رعایت قوانین کشورهای متبوع سفارش می‌کند اما رهبران نزاری این منطقه همواره ساز تجزیه‌طلبی را کوک کرده‌اند. باتوجه به اینکه این منطقه برای چین از حیث «ابتکار کمربند و جاده» بسیار حیاتی است، هر گونه درگیری مسلحانه در این منطقه تنها می‌تواند از سوی دولت‌های غربی صورت بگیرد، چراکه هیچ یک از کشورهای همسایه از چنین کاری پشتیبانی نمی‌کنند [۲۱][۲۲].

به گزارش بی‌بی‌سی، پل‌هایی که بنیاد آقاخان که برای سهولت تجارت با افغانستان ساخته است، بیشتر برای ترانزیت مواد مخدر استفاده می‌شود. یک محمولهٔ ۷۳۶ کیلوگرمی هروئین در متعلق به رئیس وقت منطقه بدخشان علیماد نیازوف توقیف شد و سپس وی از این سمت برکنار شد [۲۳] شایعاتی وجود دارد که یکی از عوامل برکناری نیازوف، فروش زیر قیمت اموال دولتی به بنیاد آقاخان است [۲۴]. دیگر

فیضوف، رئیس بنیاد آقاخان در تاجیکستان، در ۱ اکتبر ۲۰۱۸ رئیس منطقه بدخشان شد. به گفته فیضوف، این بنیاد تاکنون ۷۰ میلیون دلار در تاجیکستان سرمایه‌گذاری کرده که عمدتاً از سازمان‌های بین‌المللی و شماری از کشورهای اروپایی آن را گرفته است [۲۵]. فیضوف دست رهبران اسماعیلی بدخشان را در اداره منطقه باز نهاد و بسیاری از این مقامات محلی منطقه به قاچاق متهم شده‌اند [۲۶].

متعاقباً، او نیز در ۲۰۲۱ برکنار شد.

همه این عوامل سبب شده است که دولت تاجیکستان سخت‌گیری بیشتری را اعمال کند و حتی دست به مصادره اموال و اماکن متعلق به این شبکه بزند؛ برای نمونه اعمال محدودیت بر پروژه‌های آقاخان در منطقه خودمختار بدخشان، مصادره پارک [۲۷]، مصادره هتل سرینا [۲۸]، بستن جماعت‌خانه‌ها و گردآوری کتب آنها.



طرفه آنکه این بنیاد تنها در قرقیزستان تنها در مناطقی سرمایه‌گذاری می‌کند که هم‌مرز با بدخشان تاجیکستان هستند؛ یعنی اوش، جلال‌آباد و توکن. این مناطق که در هلال طلایی واقع‌اند، راه ترانزیت مواد مخدر از قندوز افغانستان به آسیای مرکزی هستند. بنابراین، نباید از روی شگفتی پرسید که چرا گروه تروریستی و ضدشیعه طالبان از آقاخان، امام زمان شیعیان نزاری، برای سفر به افغانستان دعوت می‌کند [۲۹]. افزون بر این، بنیاد آقاخان از نظر مالی و بسیج اجتماعی-فرهنگی، بانی انقلاب گل‌های رزد در قرقیزستان بوده است [۳۰]. البته این نکته را باید گفت که جامعه اسماعیلیه بدخشان کاملاً یکدست نیست، چراکه اسماعیلیان در پامیر و هندوکش (تاجیکستان و تاحدی پاکستان) نسبت به نهادها، سبک زندگی، هنجارهایی که شبکه توسعه آقاخان بر جوامع آنان تحمیل می‌کند، معترض هستند. افزون بر این، نزاری‌های غیر خوجه این مناطق گاهی از تبعیض نهادی در قدرت و ثروت بین خود و خوجه‌ها انتقاد می‌کنند [۳۱].

مینوج حسام، یک خوجه تاجر و مسئول سابق بنیاد آقاخان، در سال ۲۰۲۱ در شهر پمبا موزامبیک، با ۱۸۰ کیلو افدرین، ماده‌ای که برای تولید مواد مخدر استفاده می‌شود، دستگیر شد [۳۲]. یادکرد این نکته خالی از لطف نیست که بنیاد آقاخان با دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در این زمینه همکاری دارد [۳۳] و حتی هوگت لابل که عضو هیئت‌مدیره مرکز جهانی کثرت‌گرایی متعلق به آقاخان و عضو هیئت‌مدیره موزه آقاخان هست، در هیئت‌مدیره Global Financial

Integrity عضویت دارد که از کارویژه‌های این مؤسسه، جریان‌های مالی غیرقانونی، فساد، تجارت غیرقانونی و پول‌شویی است [۳۴].

پول‌شویی و عدم شفافیت

دولت کانادا در سال ۱۹۹۵ یک میلیون دلار از دارایی آقاخان که به دست صدرالدین کبانی از کانادا به آمریکا منتقل می‌شد، به جرم پول‌شویی بین‌المللی ضبط کرد. هرچند ادعا می‌شود هدف آنها انتقال وجوه مذهبی اسماعیلیان بوده اما انتقال این وجوه به صورت مخفیانه (جاسازی شده در ماشین) انجام گرفته بود و آقاخان بدون ارائه هیچ دلیلی ادعای خود را پس گرفت [۳۵].

جین پیاکنتینی مور، رئیس امور امامت اسماعیلیه، هیئت‌مدیره بنیاد آقاخان و شریک تجاری شخصی آقاخان در سال ۲۰۰۷ بنا بر اسناد باهاما در یک پول‌شویی از طریق بانک تی.بی.اس لیودز و لاسالا دست داشته است [۳۶].

پول‌شویی، جعل سند و کلاهبرداری از جمله اتهام‌هایی است که به شعبه تراست دیاموند در اوگاندا متعلق به شبکه توسعه آقاخان زده می‌شود و این برای دومین بار است که چنین اتهامی بیان می‌شود و مدیرعامل این نهاد نسیم محمد دوجی در سال ۲۰۲۱ بازداشت شده است. این نقل و انتقال به مدت یک دهه بین بانک تراست دیاموند و یکی از شرکت‌های هلدینگ هام متعلق به هامیس کیگوندو، تاجر اوگاندایی، در جریان بوده است [۳۷].

گروه بانکی لیودز از سوی دولت انگلستان به دلیل تخلفات مالی به‌ویژه عدم شفافیت در سال ۲۰۲۲ بازخواست و جریمه شده است [۳۸]. آژانس خیریه کانادا، بنیاد آقاخان را دارای شفافیت مالی نمی‌داند و تأثیر خدمات آن را میانه ارزیابی می‌کند و امتیاز منفی B به این بنیاد داده است

رانت خواری و فرار مالیاتی

سارکوزی در سال ۲۰۱۲ آقاخان را از پرداخت مالیات معاف کرد. هرچند این اقدام او سبب ابهام و سوءظن شد اما چندان شگفت نیست، چراکه پیش‌تر سارکوزی متهم به دریافت کمک‌هایی مالی پیش از انتخابات در ازای اعطای امتیازهایی مانند معافیت مالیاتی بوده است. افزون بر این، آقاخان هیچ سابقه رسمی مالیاتی در فرانسه هم ندارد [۳۹].



آقاخان که با خانواده سلطنتی اسپانیا رابطه صمیمی دارد، در سال ۲۰۱۴ برای کریستینای بوربون یکی از اعضای این خانواده، یک منصب سفارشی ایجاد کرده بود. بوربون در سال متهم به پولشویی و فرار مالیاتی شده است [۴۰].

سفر ترودو و خانواده‌اش در سال ۲۰۱۷ به جزیره خصوصی آقاخان در باهاما بسیار جنجال برانگیز شد [۴۱]. اگر ترودو با آقاخان دوستی خانوادگی دارد پس علت این همه هیاهو چیست؟ آیا ترودو تنها سیاستمداری است که به این جزیره درآمده است؟ این کار خلاف قوانین اخلاقی فدرال و خلاف اصل تعارض منافع است.

با افشای اسناد پاناما فرار مالیاتی بسیاری از افراد ثروتمند و مقامات دولتی عیان گشت اما جنبه مهم‌تر آن است که بر پایه این اسناد، جزایری مانند باهاما مخفیگاه شبکه‌ای از شرکت‌های برون‌مرزی برای فرار مالیاتی شمرده می‌شود و آقاخان در برخی از آنها مسئولیت دارد؛ شرکت Lexthree Ltd که در باهاما ثبت شده است، سه مدیریت آن را بر عهده دارند: جیمز گالبریت، آلن آبلو و جین پیاکنتینی مور. آبلو و مور همچنین مدیران شرکت Marine Promotion Services S.A در لوکزامبورگ هستند و در سال ۲۰۱۱، نام آقاخان را هم به عنوان مدیر درج شد.

افزون بر این، بنیاد آقاخان به دلیل توان لابی با سازمان‌های دولتی به‌ویژه دفتر نخست وزیر همواره توانسته از کمک مالی دولت کانادا بهره‌مند شود [۴۲]، در حالی که آژانس خیریه کانادا، بنیاد آقاخان را دارای

شفافیت مالی نمی‌داند و تأثیر خدمات آن را میانه ارزیابی می‌کند و امتیاز منفی B به این بنیاد داده است.

دولت کانادا در ژوئن ۲۰۱۸، بنیاد آقاخان را باز در سیاههٔ نخبگان خیریهٔ خارجی قرار داد تا «هدایای سلطنتی از جانب اعلیحضرت» را دریافت کنند. هدایای سلطنتی، بسته‌های کمک مالی به خیریه‌هایی است که چندان شناخته شده نیستند و تاکنون سه خیریه توانسته‌اند از این هدایا بهره‌مند شود که یکی از آنها بنیاد آقاخان است. همواره بین دو شعبهٔ بنیاد آقاخان در سوئیس و کانادا نقل و انتقال مالی در جریان است؛ برای نمونه بنیاد آقاخان در سوئیس در سال ۲۰۱۷ به بنیاد آقاخان در کانادا ۲۵٫۳ میلیون دلار منتقل کرد و در مقابل، از بنیاد آقاخان در کانادا ۴۶٫۹ میلیون دلار دریافت کرده است. بنیاد آقاخان در کانادا ۸۰٫۸ میلیون دلار کمک مالی در سال ۲۰۲۱ دریافت کرد. بنیاد آقاخان کانادا نیز ۱۶٫۹ میلیون دلار از دولت و ۷٫۳ میلیون دلار از دیگر آژانس‌ها و بنیاد آقاخان دریافت کرد. بودجهٔ بنیاد آقاخان در سال ۲۰۲۱ ۱۲۳٫۱ میلیون دلار برآورد می‌شود. این بنیاد همچنین دارای ۲۵ ملک جهت اهداف بشردوستانه است که ارزش آنها ۳۳۴٫۶ میلیون دلار است.

این موضوع حتی برای رسانه‌های کانادایی نیز سؤال‌برانگیز بوده است که چرا باید به بنیادی که فاقد شفافیت و پاسخگویی است دولت‌های کانادا از دیرباز کمک کند؟ یا اینکه چرا که باید بنیاد آقاخان مشمول هدایای سلطنتی شود، درحالی‌که این هدایا متعلق به

خیریه‌های خارجی است و هرکانادایی می‌تواند به بنیاد آقاخان در کانادا کمک کند؟ [۴۳][۴۴].

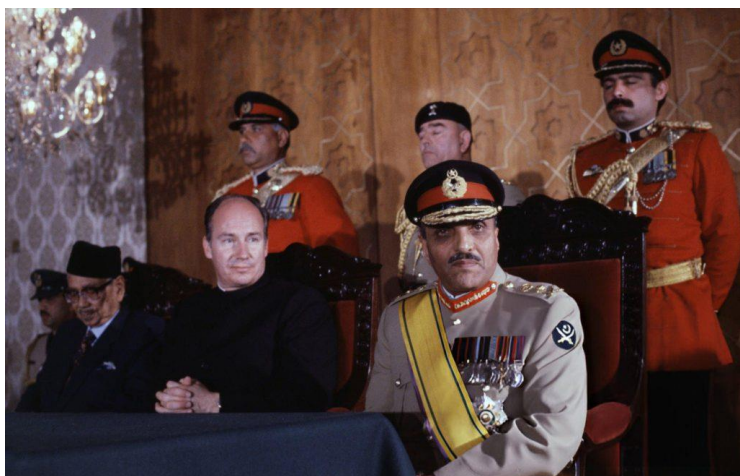
حبیب بانک از بزرگ‌ترین بانک‌های پاکستان است که صندوق توسعه اقتصادی آقاخان سهام کنترل (۵۱٪ سهام) آن را در دست دارد، در سال ۲۰۱۷ به پول‌شویی و تأمین مالی گروه‌های تروریستی در افغانستان در متهم و محکوم شد

پشتیبانی از تروریسم

حبیب بانک از بزرگ‌ترین بانک‌های پاکستان است که در ژوئن ۲۰۰۲ خصوصی شد و در آن زمان صندوق توسعه اقتصادی آقاخان سهام کنترل (۵۱٪ سهام) آن را به دست آورد. به گزارش رویترز، این بانک در سال ۲۰۱۷ به پول‌شویی و تأمین مالی گروه‌های تروریستی در افغانستان در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۰ متهم و به پرداخت جریمه به دادگاه نیویورک محکوم شد [۴۵][۴۶]. بانک مرکزی امارات متحده عربی (CBAUE) در سال ۲۰۲۰ اعلام کرد که به راستی‌آزمایی بی‌نظمی‌های گزارش شده شعبه حبیب بانک در امارات می‌پردازد [۴۷].

تقریباً ۱۷۶ میلیون دلار متعلق به شبکه توسعه آقاخان در بانک شعبه نیویورک بارکلیز به طور مرموزی در سال ۲۰۲۱ ناپدید شد. این بودجه که برای ساخت ۱۰۰۰ مدرسه برای ۴۵۰۰۰ دانش‌آموز فقیر در آفریقا در نظر گرفته شده بود، به حساب یک شهروند تانزانیایی، جان محمد

محمد علی رحمت الله، منتقل شد. این انتقال به مدت سه سال رخ داده و می تواند برای پول شویی و تروریسم به کار رفته باشد [۴۸].



روی هم رفته، بر پایه آثار پژوهشگران و شواهد بالا می توان چنین گفت که خانواده آقاخان پس از همکاری و اثبات وفاداری خود به خانواده سلطنتی اکنون به یکی از الیگارشی های بین المللی و همسو با اهداف استعماری تبدیل شده اند. شبکه توسعه آقاخان حاصل شکست نزاریه در تشکیل یک حکومت سیاسی است و از جهاتی با جنبش گولن، دؤبندیه و وهابیت قابل مقایسه است اما این سازمان بین المللی نه یک عامل مستقل، کارآفرین اجتماعی و صرفاً مروج ارزش های لیبرال بلکه اسب تروای استعمار انگلیس است که نقابی بشردوستانه و دینی بر چهره دارد.



منابع

۱. Surani, Iqbal. 'Satpanthī Khoja-s to Shī'a Imāmī Ismā'īlī Tarīqa The Construction of Religious Identity of the Khoja-s Imāmī Ismā'īlī of South'. *Studia Islamica*. July ۲۰۱۷: ۱-۲۸.
۲. Miraly, Mohammad N., "Faith and world contemporary Ismaili social and political thought". Diss. U. of McGill. ۲۰۱۲.
۳. الگار، حامد. *شورش آقاخان محلاتی و چند مقاله دیگر*. مترجم ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۰.
۴. cgie.org.ir/fa/article/۲۴۰۳۱۱
۵. Morris, H. S. "The Divine Kingship of the Aga Khan: A Study of Theocracy in East Africa". *Southwestern Journal of Anthropology*. Chicago: University of Chicago Press, ۱۹۵۸.
۶. الگار، حامد. *شورش آقاخان محلاتی و چند مقاله دیگر*. مترجم ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۰.
۷. cgie.org.ir/fa/article/۲۴۰۳۱۱
۸. الگار، حامد. *شورش آقاخان محلاتی و چند مقاله دیگر*. مترجم ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۰.
۹. دفتری، فرهاد. *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*. مترجم فریدون بدره‌ای. تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۸۶.
۱۰. cgie.org.ir/fa/article/۲۴۰۳۱۱
۱۱. Morris, H. S. "The Divine Kingship of the Aga Khan: A Study of Theocracy in East Africa". *Southwestern Journal of Anthropology*. Chicago: University of Chicago Press, ۱۹۵۸.

۱۲. Miraly, Mohammad N., "Faith and world contemporary Ismaili social and political thought". Diss. U. of McGill. ۲۰۱۲.
۱۳. دفتري، فرهاد. *تاريخ و عقايد اسماعيليه*. مترجم فريدون بدره‌اي. تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۸۶.
۱۴. Akhtar, Iqbal S. "Religious citizenship: the case of the globalised Khōjā". *Journal of the Indian Ocean Region*. July ۲۰۱۴: ۲۱۹-۲۳۶.
۱۵. cgie.org.ir/fa/article/۲۴۰۳۱۱
۱۶. همان
۱۷. Mohammad Poor, Daryoush. "Authority without Territory: The Aga Khan Development Network and the Ismaili Imamate". London: Palgrave Macmillan, ۲۰۱۴.
۱۸. Akhtar, Iqbal S. "Religious citizenship: the case of the globalised Khōjā". *Journal of the Indian Ocean Region*. July ۲۰۱۴: ۲۱۹-۲۳۶.
۱۹. Steinberg, Jonah. "Isma'ili Modern: Globalization and Identity in a Muslim Community". North Carolina: University of North Carolina Press, ۲۰۱۱.
۲۰. e-journal.ru/p_besop-st۸-۱۸.html
۲۱. centrasia.org/news.php?st=۱۶۸۶۳۰۲۴۶۰
۲۲. bbc.com/russian/international/۲۰۱۱/۱۰/۱۱۱۰۳۱_tajik_afghan_bridge
۲۳. [pamirdaily.com/полковник-мамадбокир-
мамадбокиров-о](http://pamirdaily.com/полковник-мамадбокир-мамадбокиров-о)
۲۴. m.facebook.com/groups/centralasiannews/permalink/۲۳۳۲۸۸۷۱۹۰۱۹۳۱۲۵/
۲۵. [tj.sputniknews.ru/۲۰۱۸/۱۰۲/glava-gorno-badakhshan-tajikistan-
۱۰۲۶۹۷۹۲۸۸.html](http://tj.sputniknews.ru/۲۰۱۸/۱۰۲/glava-gorno-badakhshan-tajikistan-۱۰۲۶۹۷۹۲۸۸.html)



۲۶. rferl.org/a/tajikistan-unconquerable-gorno-badakhshan-region/۲۹۵۳۴۰۵۷.html
۲۷. payom.net/ru/park-v-horoge-prinadlezhashhij-fondu-aga-hana-byl-konfiskovan-v-polzu-gosudarstva/
۲۸. pamirdaily.com/отель-serena-khorog-принадлежавшая-фонду-ага-х
۲۹. independentpersian.com/node/۱۹۰۰۵۶
۳۰. dzen.ru/a/ZE۶۰۲gHJgSzHYuRA
۳۱. Steinberg, Jonah. *“Isma’ili Modern: Globalization and Identity in a Muslim Community”*. North Carolina: University of North Carolina Press, ۲۰۱۱.
۳۲. voaportugues.com/a/empresário-e-antigo-vereador-detido-com-۱۸۰-quilos-de-efedrina-em-moçambique/۵۷۶۶۵۸۴.html
۳۳. unodc.org/unodc/en/money-laundering/advisory-services.html
۳۴. gfintegrity.org/about/leadership/board-of-directors/
۳۵. apnews.com/article/۳c۸۳۱f۷۰e۸۲f۴b۷۷bf۲۳۷۵۷۰۷b۶۶۰۰۰۵
۳۶. offshoreleaks.icij.org/nodes/۲۲۰۲۱۷۴۴
۳۷. venturesafrica.com/a-ugandan-criminal-court-summons-prince-shah-karim-al-husayni-to-answer-to-allegations-of-theft-and-fraud/
۳۸. gov.uk/government/publications/cma-takes-action-against-lloyds-banking-group-for-breaching-parts-۳-and-۸-of-the-retail-banking-order
۳۹. dailymail.co.uk/news/article-۲۲۲۳۰۸۴/Sarkozy-exonerated-billionaire-Aga-Khan-paying-tax-corruption-inquiry-hears.html

۴۰. welt.de/vermishtes/article۱۲۴۶۵۴۳۴۲/Die-spanische-Prinzessin-meidet-die-Schandgasse.html
۴۱. cbc.ca/news/politics/trudeau-aga-khan-helicopter-island-bahamas-similar-case-۱.۳۹۴۷۲۹۹
۴۲. cbc.ca/news/politics/bell-island-bahamas-ownership-aga-khan-۱.۴۱۱۵۵۳۱
۴۳. charityintelligence.ca/charity-details/۱-aga-khan-foundation-canada
۴۴. charityintelligence.ca/research-and-news/ci-views/۴۳-charity-news/۶۶۰-royal-gifts-indeed
۴۵. nation.com.pk/۲۸-Aug-۲۰۱۷/hbl-says-new-york-regulator-seeks-to-fine-it-up-to-۶۳۰m
۴۶. dawn.com/news/۱۷۱۲۵۶۵/hbl-faces-liability-in-terror-financing-case-in-us-bank-says-will-vigorously-contest-allegations
۴۷. middleeastmonitor.com/۲۰۲۰۰۲۱۹-uae-regulator-to-investigate-pakistan-bank-for-money-laundering/
۴۸. journalismfund.eu/supported-projects/syphoning-development-money
bbc.com/russian/international/۲۰۱۱/۱۰/۱۱۱۰۳۱_tajik_afghan_bridge^۱

۱ mersadcass.com/products/commentary/به-نیمگاهی-نیست-خلق-خدمت-به-جز-طریقت-به-طریقت

اسماعیلیه نزاری مناسک عبادی مسلمانان را تا چه اندازه و چگونه به جامی آورند؟



فرقه اسماعیلیه نزاری در انجام اعمال عبادی، رویکردی متفاوت و منحصر به فرد دارند. آن‌ها اصول اساسی اسلام را پذیرفته و عمل می‌کنند، اما تفسیرهای خاص و باطنی از این اعمال دارند.

نماز (دعا)

نزاریان به جای اقامه پنج نماز روزانه (نمازهای معمول در سنت‌های سنی و شیعه دوازده‌امامی)، سه بار در روز دعای خاصی به نام «دعای مقدس» می‌خوانند:

- صبح هنگام طلوع خورشید (فجر)

- هنگام غروب خورشید (مغرب)

- شب هنگام (عشاء)

هر دعای مقدس شامل شش بخش است (در مجموع ۱۸ بخش/رکعت در روز) که هر بخش شامل آیات قرآن، مناجات‌ها و ذکرهای ویژه‌ای است. دعا به زبان عربی و در حالت نشسته خوانده می‌شود و هر بخش با سجده به پایان می‌رسد.

ساختار شش بخش دعای مقدس از این قرار است:

بخش اول: قرائت سوره فاتحه و آیاتی درباره اطاعت از خدا، پیامبر و «اولی الامر».

بخش دوم: درخواست صلح و برکت از خداوند و ذکر صفات الهی.

بخش سوم: تأکید بر یگانگی خداوند و نقش پیامبر اسلام و امام علی.

بخش چهارم: اهمیت وفاداری به خدا و پیامبر و درخواست بخشش و هدایت.

بخش پنجم: هشدار درباره خیانت به خدا و پیامبر و درخواست کمک از امام حاضر.

بخش ششم: مناجات پایانی و دعا برای رحمت و موفقیت.

در پایان دعا، نمازگزاران به یکدیگر سلامی خاص به نام «Shah-jo Deedar» می‌دهند که به معنای «دیدار پروردگار بر تو مبارک باد» است. این حرکت نمادی از وحدت جامعه و آرزوی رشد معنوی است.^۱

روزه

روزه در میان نزاریان دارای دو بعد ظاهری و باطنی است. در کنار روزه ماه رمضان، که به معنای امساک از خوردن، نوشیدن و دیگر لذت‌های دنیوی است و آن را واجب نمی‌دانند، آن‌ها روزه باطنی نیز دارند. این نوع روزه شامل خویشتن‌داری از گفتن اسرار معنوی به افراد ناآماده و حفظ پاکی در اندیشه، گفتار و کردار است.

حج

نزاریان حج گزاردن را نیز واجب نمی‌دانند و تفسیری باطنی از آن ارائه می‌کنند. در این نگاه، حج باطنی به معنای نزدیکی معنوی به امام حاضر است که آن را نوعی از زیارت می‌دانند. این دیدگاه تأکید می‌کند که حضور در محضر امام زنده، ارزش معنوی بسیاری دارد.

زکات

با وجود تأکید اسماعیلیان نزاری بر تفسیر باطنی و فراتر رفتن از ظاهر بسیاری از عبادات، آن‌ها به‌طور ویژه‌ای بر اجرای ظاهری زکات تأکید

۱ برای آشنایی بیشتر با دعای مقدس، می‌توانید این ویدیوها را مشاهده کنید:

youtube.com/watch?v=oC1jhGdcyzM

youtube.com/watch?v=4Bv2j3BJs1k

دارند. در این راستا، پیروان نزاری معمولاً بین ۱۰٪ تا ۱۲/۵٪ از درآمد خالص خود را به عنوان زکات به امام تقدیم می‌کنند که نشان‌دهنده تعهد آن‌ها به این فریضه است.^۱

۱ برای آشنایی بیشتر با مناسک عبادی اسماعیلیه نزاری به لینک زیر رجوع کنید:
ask.ismailignosis.com/category/59-rituals

ملی‌گرایی مذهبی



ملی‌گرایی مذهبی در سراسر جهان



مرکز تحقیقات پیو (Pew Research Center)، در گزارشی جدید نقش دین در سیاست و ملی‌گرایی دینی در کشورهای مختلف جهان را بررسی کرد. این گزارش نشان می‌دهد که در کشورهای مسلمان و یهودی‌محور، اکثریت مردم معتقدند که دولت‌هایشان می‌توانند همزمان دموکراتیک و دینی باشند، در حالی که در کشورهای با درآمد بالا، نظرات متفاوتی در خصوص تأثیر دین بر قوانین و سیاست‌های کشور وجود دارد. تفاوت‌های چشمگیر در تمایلات مذهبی و ملی‌گرایی دینی در کشورهای

مختلف نشان‌دهنده اهمیت دین در هویت ملی و سیاست‌های جهانی است.

در کشورهای با اکثریت مسلمان، مانند بنگلادش، تونس و مالزی، اکثریت مردم معتقدند که کشورشان می‌تواند هم دموکراتیک و هم اسلامی باشد. در حالی که در کشورهای با درآمد بالا، مانند ایالات متحده، بیشتر مردم بر این باورند که دین نباید تأثیر زیادی بر قوانین کشور داشته باشد. در همین حال، در اسرائیل (فلسطین اشغالی) که خود را «یهودی و دموکراتیک» می‌داند، اکثریت مردم با این دیدگاه موافق هستند که کشورشان می‌تواند همزمان یهودی و دموکراتیک باشد.

ملی‌گرایان دینی معمولاً در کشورهای با درآمد پایین و میان‌درآمد بیشتر هستند. این افراد بر این باورند که دین باید نقش عمده‌ای در سیاست و قانون‌گذاری ایفا کند، در حالی که در کشورهای با درآمد بالا، میزان ملی‌گرایان دینی بسیار کمتر است.

متن کامل گزارش مرکز تحقیقات پیورا در زیر بخوانید:

بر اساس استانداردهای جهانی، ایالات متحده سطح نسبتاً پایینی از ملی‌گرایی دینی دارد، اما در مقایسه با دیگر کشورهای پردرآمد، متمایز است.

در بسیاری از کشورها، دین و سیاست عمیقاً به یکدیگر گره خورده‌اند. این باور که دین تاریخی و غالب یک کشور باید بخش مرکزی هویت ملی آن باشد و سیاست‌گذاری‌های آن را هدایت کند، گاهی با عنوان «ملی‌گرایی دینی» توصیف می‌شود.

طیف گسترده‌ای از جنبش‌ها تحت عنوان ملی‌گرایی دینی شناخته شده‌اند، از جمله در هند، جایی که نارندرا مودی، نخست‌وزیر این کشور، در مبارزات انتخاباتی و دوران حکمرانی خود بر این ایده تأکید کرده که ایمان و فرهنگ هندو باید سیاست‌های دولتی را شکل دهند؛ و در اسرائیل، جایی که بنیامین نتانیاهو از سوی ائتلافی حمایت می‌شود که شامل احزاب ملی‌گرا و فوق‌ارتدکس یهودی است.

با این حال، هیچ تعریف جهانی پذیرفته شده‌ای از ملی‌گرایی دینی وجود ندارد که باعث شده بحث‌های زیادی درباره اینکه چه کسی، برای مثال، یک ملی‌گرای مسیحی یا هندو محسوب می‌شود، شکل بگیرد. این امر، ارزیابی میزان شیوع چنین دیدگاه‌هایی را در سراسر جهان دشوار کرده است.

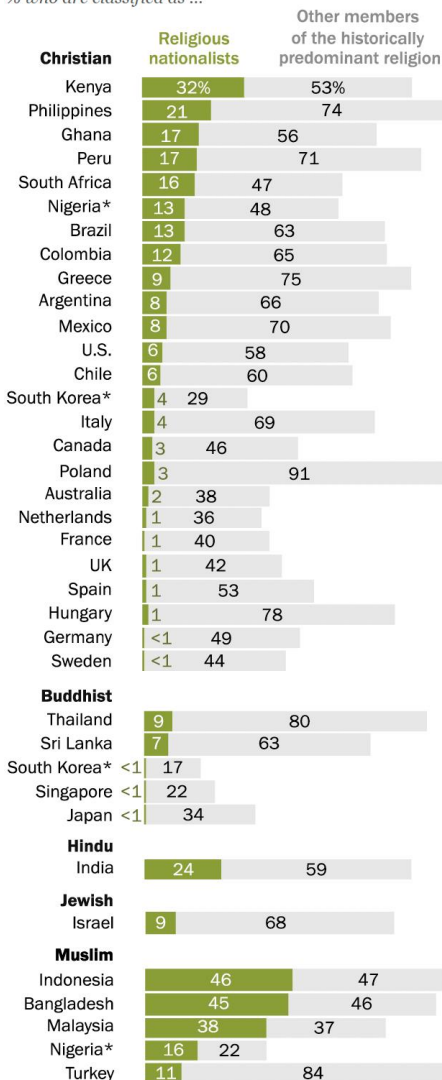
برای کمک به رفع این خلأ، مرکز تحقیقات پیو تلاش کرده است تا به شیوه‌ای بی‌طرفانه و سازگار، اندازه‌گیری کند که چه سهمی از مردم در کشورهای مختلف دین غالب کشورشان را بخش مرکزی هویت ملی خود می‌دانند، تمایل دارند رهبرانشان باورهای دینی مشابهی داشته باشند، و خواهان آن هستند که آموزه‌های دینی قوانین کشورشان را هدایت کنند.

ما در نظرسنجی‌های ملی که از نزدیک به ۵۵,۰۰۰ نفر در ۳۵ کشور بین ژانویه تا مه ۲۰۲۴ انجام شد، چهار پرسش کلیدی را مطرح کردیم:

تا چه حد عضویت در دین تاریخی و غالب کشور برای اینکه فردی واقعاً بخشی از هویت ملی باشد، مهم است؟

Share of religious nationalists varies widely across countries

% who are classified as ...



(برای مثال، چقدر مسلمان بودن برای اینکه کسی واقعاً اندونزیایی محسوب شود، مهم است؟ یا چقدر مسیحی بودن برای اینکه کسی واقعاً آمریکایی باشد، اهمیت دارد؟)

چقدر برای شما مهم است که رهبر ملی شما باورهای دینی مشابهی با شما داشته باشد؟

به نظر شما، متن مقدس دین غالب کشور تا چه حد باید بر قوانین کشور تأثیر بگذارد؟

(برای مثال، قرآن تا چه اندازه باید بر قوانین ترکیه تأثیر داشته باشد؟ یا انجیل چه مقدار باید بر قوانین ایتالیا اثر بگذارد؟)

در صورتی که متن مقدس با اراده مردم در تضاد باشد، کدام یک باید تأثیر بیشتری بر قوانین کشور داشته باشد؟

(این پرسش تکمیلی فقط از پاسخ‌دهندگانی پرسیده شد که در پرسش قبلی گفته بودند متن مقدس باید «تا حدی زیاد» یا «بسیار زیاد» بر قوانین کشور تأثیر داشته باشد.)

برای این گزارش، ما «ملی‌گرایان دینی» را به عنوان افرادی تعریف می‌کنیم که هم با دین تاریخی و غالب کشورشان (که معمولاً دین اکثریت است) هویتیابی می‌کنند و هم در هر چهار پرسش کلیدی موضعی کاملاً دینی دارند.

برای مثال، در ترکیه، یک ملی‌گرای دینی مسلمانی است که می‌گوید: مسلمان بودن برای اینکه کسی واقعاً ترک محسوب شود، بسیار مهم است؛

بسیار مهم است که رئیس‌جمهور ترکیه باورهای دینی مشابهی با او داشته باشد؛

قرآن باید حداقل تا حد قابل توجهی بر قوانین ترکیه تأثیر بگذارد؛ و اگر قرآن با اراده مردم در تضاد باشد، قرآن باید تأثیر بیشتری بر قوانین داشته باشد.

با استفاده از این تعریف، شیوع ملی‌گرایی دینی در ۳۵ کشوری که این چهار پرسش در آن‌ها مطرح شد، تفاوت زیادی دارد.

در آلمان و سوئد، کمتر از ۱٪ از بزرگسالان مورد بررسی معیارهای ملی‌گرایی دینی را دارند، در حالی که این میزان در اندونزی (۴۶٪) و بنگلادش (۴۵٪) به بیش از چهار نفر از هر ده نفر می‌رسد.

از این منظر جهانی، ایالات متحده در زمره کشورهای با سطح بسیار بالای ملی‌گرایی دینی قرار نمی‌گیرد.

تنها ۶٪ از بزرگسالان آمریکایی بر اساس این چهار معیار، ملی‌گرایی دینی محسوب می‌شوند که تقریباً مشابه چند کشور دیگر در قاره آمریکا است، مانند شیلی (۶٪)، مکزیک (۸٪) و آرژانتین (۸٪).

کانادا سهم نسبتاً پایینی از ملی‌گرایان دینی دارد (۳٪)، در حالی که این میزان در کلمبیا (۱۲٪)، برزیل (۱۳٪) و پرو (۱۷٪) کمی بالاتر است.

با این حال، ایالات متحده در مقایسه با سایر کشورهای پردرآمد متمایز است، به‌ویژه در پرسش‌های مربوط به متون دینی.

بزرگسالان آمریکایی بیشتر از مردم هر کشور پردرآمد دیگری در این نظرسنجی گفته‌اند که انجیل در حال حاضر «تا حد زیادی» یا «تا حدی» بر قوانین کشورشان تأثیر دارد (در کشورهای دیگر، پرسش مشابهی درباره متون مقدس آن کشورها مطرح شد).

همچنین، افکار عمومی در آمریکا بیش از سایر کشورهای پردرآمد تمایل دارد که انجیل چنین تأثیری بر قوانین داشته باشد (در مقایسه با متون مقدس مطرح‌شده در سایر کشورها).

علاوه بر این، آمریکایی‌ها در میان کشورهای پردرآمد، بیش از سایرین تمایل دارند که:

- هویت دینی (در اینجا، مسیحی بودن) را برای بخشی واقعی از هویت ملی (آمریکایی بودن) بسیار مهم بدانند.
- داشتن باورهای دینی قوی را برای رهبر سیاسی کشورشان بسیار مهم تلقی کنند.

نظرسنجی نشان می‌دهد که نگرش عمومی به دین در سراسر جهان عمدتاً مثبت است، اما این نگرش در کشورهای با درآمد متوسط بسیار قوی‌تر از کشورهای با درآمد بالا است.

به طور کلی، کشورهای با درآمد بالا از نظر نگرش عمومی به دین تفاوت‌های چشمگیری با کشورهای با درآمد متوسط دارند (طبق تعریف بانک جهانی).

مردم در کشورهای با درآمد متوسط نسبت به مردم در کشورهای ثروتمند بیشتر احتمال دارد که بگویند:

- دین بیشتر از آنکه ضرر داشته باشد، برای جامعه مفید است.
- دین به جای تشویق به تعصب، باعث تحمل و مدارا می‌شود.
- دین باعث تفکر خرافی نمی‌شود.

ارتباط این تفاوت‌ها با سطح دینداری جوامع

این تفاوت‌ها تا حد زیادی به سطح دینداری در جوامع مختلف مرتبط است. مردم در کشورهای با درآمد متوسط بیشتر از مردم در کشورهای با درآمد بالا احتمال دارد که:

- دارای هویت دینی باشند.

- به طور منظم دعا کنند.

- دین را بخش مهمی از زندگی خود بدانند.

هرچه میزان وابستگی دینی در یک کشور بیشتر باشد، احتمال بیشتری دارد که دین را تأثیری مثبت در جامعه ببینند. برای نمونه:

در بنگلادش، جایی که تقریباً ۹ نفر از هر ۱۰ بزرگسال مسلمان هستند، ۹۴٪ معتقدند که دین عمدتاً برای جامعه مفید است.

اما در سوئد، جایی که کمتر از نیمی از بزرگسالان (۴۷٪) دارای هویت دینی هستند، تنها ۴۲٪ دین را مفید می‌دانند.

کشورهای با درآمد متوسط و بالا همچنین در مورد نقشی که دین باید در زندگی عمومی داشته باشد، دیدگاه‌های متفاوتی دارند.

تفاوت دیدگاه‌ها درباره نقش دین در قوانین و هویت ملی در بسیاری از کشورهای با درآمد متوسط، اکثریت مردم معتقدند که متون دینی مانند انجیل یا قرآن باید تا حد زیادی یا تا حدی بر قوانین

کشورشان تأثیر بگذارد. اما در بیشتر کشورهای پردرآمد، تنها اقلیتی از بزرگسالان چنین نظری دارند.

اولویت اراده مردم در برابر متون دینی

در برخی کشورهای ثروتمند، مردم اراده عمومی را بر متون دینی ترجیح می‌دهند، زمانی که این دو با یکدیگر در تضاد باشند. اما در کشورهای با درآمد متوسط، معمولاً برعکس این موضوع صادق است.

دین و هویت ملی

دین نقش بیشتری در هویت ملی کشورهای با درآمد متوسط دارد. در حالی که در بیشتر کشورهای پردرآمد تنها اقلیتی از مردم بر این باورند که داشتن دین تاریخی کشورشان برای «واقعاً» عضویت از آن ملت بودن بسیار مهم است، در بیشتر کشورهای با درآمد متوسط، نیمی یا بیشتر از مردم، دین را بخش کلیدی هویت ملی می‌دانند.

ملی‌گرایی دینی در کشورهای با درآمد متوسط و بالا

افراد در کشورهای با درآمد متوسط بیشتر از کشورهای پردرآمد احتمال دارد که ملی‌گرای دینی باشند.

اگرچه ملی‌گرایان دینی در هیچ کشوری اکثریت جمعیت را تشکیل نمی‌دهند، اما در ۱۳ مورد از ۱۷ کشور با درآمد متوسط که در این نظرسنجی بررسی شدند (به جز تونس که در تحلیل ملی‌گرایی دینی لحاظ نشده است)، درصد دو رقی از جمعیت ملی‌گرای دینی محسوب می‌شوند.

در برخی کشورها، این میزان به حدود یک سوم یا بیشتر می‌رسد، از جمله:

- کنیا: ۳۲٪
- مالزی: ۳۸٪
- بنگلادش: ۴۵٪
- اندونزی: ۴۶٪

اما در اکثر کشورهای پردرآمد، ملی‌گرایان دینی بسیار کمتر هستند. در ۹ کشور از ۱۸ کشور پردرآمد که در این تحقیق بررسی شده‌اند، تنها ۱٪ یا کمتر از جمعیت معیارهای ملی‌گرایی دینی را دارند.

در برخی کشورهای پردرآمد، این میزان کمی بیشتر است، مانند یونان (۹٪) و اسرائیل (۹٪)، اما در هیچ کشور پردرآمدی، ملی‌گرایان دینی بیش از ۱۰٪ جمعیت را تشکیل نمی‌دهند.

نقش دعا در ملی‌گرایی دینی

در بسیاری از کشورها، افرادی که روزانه دعا می‌کنند، بیشتر از کسانی که کمتر دعا می‌کنند، گرایش به ملی‌گرایی دینی دارند (طبق تعریفی که در این گزارش استفاده شده است).

برای نمونه:

- در هند، ۲۷٪ از افرادی که حداقل یک بار در روز دعا می‌کنند، ملی‌گرای دینی هستند.

- در مقابل، فقط ۱۷٪ از کسانی که کمتر دعا می‌کنند، ملی‌گرای دینی محسوب می‌شوند.

سن و ملی‌گرایی دینی

افراد مسن‌تر در برخی کشورها بیشتر از جوانان گرایش به ملی‌گرایی دینی دارند.

به عنوان نمونه، در یونان:

- ۱۳٪ از افراد ۵۰ سال به بالا، ملی‌گرای دینی هستند.
- ۸٪ از افراد ۳۵ تا ۴۹ ساله چنین گرایشی دارند.
- اما در میان افراد زیر ۳۵ سال، فقط ۱٪ ملی‌گرای دینی محسوب می‌شوند.

تحصیلات و ملی‌گرایی دینی

در بسیاری از کشورها، افرادی که سطح تحصیلات پایین‌تری دارند، بیشتر از افراد تحصیل‌کرده گرایش به ملی‌گرایی دینی دارند.

برای مثال، در کنیا:

- ۳۸٪ از کسانی که تحصیلات دبیرستانی ندارند، ملی‌گرای دینی هستند.
- در حالی که فقط ۲۲٪ از افراد دارای تحصیلات دبیرستانی یا بالاتر، ملی‌گرای دینی محسوب می‌شوند.

درآمد و ملی‌گرایی دینی

در برخی کشورها، افراد با درآمد پایین بیشتر از افراد با درآمد بالا ملی‌گرای دینی هستند.

برای مثال، در برزیل:

- ۱۷٪ از کسانی که درآمدشان در سطح متوسط یا پایین‌تر است، ملی‌گرای دینی محسوب می‌شوند.
- اما در میان افراد با درآمد بالاتر، این میزان تنها ۹٪ است.

گرایش سیاسی راست و ملی‌گرایی دینی

در بسیاری از کشورها، افرادی که خود را در جناح راست ایدئولوژیک قرار می‌دهند، بیشتر از افراد میانه‌رو یا چپ‌گرا، ملی‌گرای دینی هستند. به عنوان مثال، در لهستان:

- ۸٪ از افرادی که خود را راست‌گرا می‌دانند، ملی‌گرای دینی هستند.
- اما در میان میانه‌روها و چپ‌گراها، این میزان ۱٪ یا کمتر است.
- در اروپا، افرادی که دیدگاه مثبتی به احزاب پوپولیست راست‌گرا دارند، بیشتر از مخالفان این احزاب گرایش به ملی‌گرایی دینی دارند. مثلاً در لهستان:
- ۱۰٪ از کسانی که از حزب «قانون و عدالت» (PiS) حمایت می‌کنند، ملی‌گرای دینی هستند.
- اما در میان مخالفان این حزب، تنها ۱٪ چنین گرایشی دارند.

البته، این رابطه ممکن است برعکس نیز باشد؛ یعنی کسانی که باورهای ملی‌گرایانه دینی دارند، بیشتر احتمال دارد که از احزاب راست‌گرای پوپولیست حمایت کنند یا خود را راست‌گرا بدانند.

در اسرائیل، یهودیان حریدی (Haredim) و داتی (Datiim) بیشترین گرایش را به ملی‌گرایی دینی دارند:

- ۳۳٪ از یهودیان حریدی و داتی، ملی‌گرای دینی محسوب می‌شوند.

- اما در میان یهودیان ماسورتی (۵٪) و یهودیان هیلونی (۱٪)، این میزان بسیار کمتر است.

(به دلیل اندازه نمونه، در این گزارش یهودیان حریدی و داتی در یک گروه ترکیب شده‌اند).

آیا دولت‌ها می‌توانند هم‌دینی و هم‌دموکراتیک باشند؟

در برخی از کشورهایی که دارای جمعیت مسلمان یا یهودی قابل‌توجهی هستند، این پرسش مطرح شد که آیا یک کشور می‌تواند هم‌دینی و هم‌دموکراتیک باشد؟

اکثریت مردم در بسیاری از این کشورها معتقدند که یک دولت می‌تواند هم‌دموکراتیک و هم‌اسلامی باشد.

- بنگلادش — ۸۶٪

- تونس — ۸۲٪

- مالزی — ۸۰٪

(اسلام، دین رسمی در بنگلادش و مالزی است و در تونس نیز تا سال ۲۰۲۲ دین رسمی بود.)

میزان موافقت در برخی کشورهای دیگر کمی کمتر است:

- اندونزی — ۷۰٪

- ترکیه — ۶۷٪

در نیجریه — که مسلمانان اکثریت قاطع را تشکیل نمی‌دهند — تنها ۴۰٪ معتقدند که نیجریه می‌تواند هم اسلامی و هم دموکراتیک باشد.

اسرائیل خود را «یهودی و دموکراتیک» تعریف می‌کند و ۷۳٪ از مردم اسرائیل معتقدند که کشورشان می‌تواند هم یهودی و هم دموکراتیک باشد.

اما حدود یک چهارم پاسخ‌دهندگان معتقدند که اسرائیل نمی‌تواند همزمان یهودی و دموکراتیک باشد. در این میان، تفاوت‌های چشمگیری میان ادیان و گروه‌های مذهبی مختلف یهودی مشاهده می‌شود.^۱

1 pewresearch.org/global/2025/01/28/comparing-levels-of-religious-nationalism-around-the-world

کمپین سیاسی اجتماعی ترامپ علیه تراجنسیتی‌ها و همجنس‌گرایان



یکی از مهم‌ترین پرونده‌هایی که انتظار می‌رود با ورود مجدد دونالد ترامپ به کاخ سفید بحران ساز شود، مسئله برخورد با همجنس‌گرایان و افراد تراجنسیتی است. به‌ویژه اینکه ترامپ هیچ‌گاه رویکردهای خود را در این زمینه پنهان نکرده و این موضوع باعث امیدواری گروه‌های مذهبی مسیحی درباره وضعیت اجتماعی و حفظ دوباره‌های ارزش‌های مسیحی در جامعه این کشور شده است.

در ابتدا می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا این سیاست‌ها جدید هستند یا ریشه آن به دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ باز می‌گردد؟

واقعیت این است که در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱، دولت ترامپ و معاون او، مایک پنس، یکی از بزرگ‌ترین اهرم‌های فشار به جامعه همجنس‌گرایان در تاریخ معاصر به‌شمار می‌رفتند. در طول این چهار سال، ترامپ تصمیمات متعددی اتخاذ کرد که برخی آن را عاملی در توجه عمومی به خطرات گسترش آماری همجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها در سرتاسر آمریکا می‌دانند، به گونه‌ای که تبلیغات آنان را برای گسترش تفکر انحرافیشان دشوارتر ساخت.

در این راستا، بسیاری از ناظران معتقدند که ترامپ در طول دوران ریاست‌جمهوری خود، انتصاب قضاتی را که رویکردی مخالف همجنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها داشتند، در اولویت کار خود قرار داد و حتی پس از ترک کاخ سفید، همچنان کابوسی برای این گروه‌ها در سراسر جهان محسوب می‌شد. بنابراین، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ترامپ حقوق همجنس‌گرایان را به‌عنوان یک ابزار سیاسی مورد استفاده قرار داده است؟ و آیا آمریکا در دوره جدید ریاست‌جمهوری او، قوانینی را تصویب خواهد کرد که به این گروه‌های همجنس‌گرا آسیب برساند؟

چشم‌انداز دوره دوم ریاست‌جمهوری

کسانی که کارزار انتخاباتی ترامپ را دنبال کرده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که او قصد دارد با تمام ابزارهای ممکن علیه تراجنسیتی‌ها و همجنس‌گرایان اقدام کند. این سیاست‌ها بر اساس اعتقادات سرسختانه او مبنی بر وجود تنها دو جنسیت در نوع بشر، یعنی مرد و

زن، بنا شده‌اند و هرگونه هویت دیگری را غیرقابل قبول و نامعتبر می‌داند؛ چه بسا که در آینده این موضع در قوانین آمریکا نیز منعکس شود. ترامپ بارها وعده داده که از روز نخست حضور خود در کاخ سفید، تلاش خواهد کرد آنچه که او «جنون تغییر جنسیت» می‌نامد، متوقف کند.

او اخیراً در یک گردهمایی که با حضور جوانان محافظه‌کار آمریکایی در شهر فینیکس، ایالت آریزونا، برگزار شد، تأکید کرد که به محض آغاز ریاست جمهوری‌اش، دستورات اجرایی برای «پایان دادن به تغییر جنسیت کودکان» و «حذف افراد تراجنسیتی از ارتش، مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان‌ها» صادر خواهد کرد.

علاوه بر این، ترامپ وعده داده است که «مردان را از رقابت در ورزش‌های زنان کنار خواهد گذاشت» و تصریح کرده است که «سیاست رسمی دولت آمریکا مبتنی بر این خواهد بود که تنها دو جنسیت، یعنی مرد و زن، وجود دارد.»

به نظر نمی‌رسد که اظهارات ترامپ صرفاً تلاش‌هایی برای ایجاد ترس و وحشت باشد، بلکه گام‌هایی عملی در این راستا نیز برداشته است. از جمله این اقدامات، اعطای چراغ سبز به جمهوری خواهان در مجلس سنا برای تصویب بودجه ۸۹۵ میلیارد دلاری وزارت دفاع در سال جاری است؛ بودجه‌ای که شامل بندهایی برای جلوگیری از تأمین هزینه‌های جراحی تغییر جنسیت برای فرزندان نظامیان آمریکایی است. این قانون

با اکثریت ۸۵ رأی موافق در برابر ۱۴ رأی مخالف و یک رأی ممتنع به تصویب رسید.

تأثیرات دوران نخست ریاست جمهوری ترامپ

ناظران در داخل آمریکا این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا دوره نخست ریاست ترامپ تأثیری ملموس بر زندگی این گروه‌های منحرف جنسی در ایالات متحده گذاشته است؟

به نظر می‌رسد که پاسخ مثبت است؛ چرا که از سال ۲۰۲۱، یعنی پس از خروج ترامپ از کاخ سفید، افزایش قابل توجهی در تعداد نهادهای قانون‌گذاری ایالتی دیده شده است که قوانینی را برای محدود کردن گسترش همجنس‌گرایان و به‌ویژه تراجنسیتی پیشنهاد داده یا تصویب کرده‌اند. از جمله موثرترین این قوانین، محروم کردن کودکان ترنس از دسترسی به ورزش، جلوگیری از استفاده آن‌ها از امکانات حمام مناسب و افشای هویت آن‌ها برای اعضای خانواده است.

همچنین بیش از نیمی از ایالت‌های آمریکا به کودکان ترنس اجازه نمی‌دهند که از خدمات پزشکی تأییدکننده جنس خود بهره‌مند شوند؛ خدماتی که در بسیاری از موارد می‌تواند بر حفظ این انحراف جنسی مؤثر باشد. آیا این به معنای پایان دوران «جنسیت سوم» در آمریکا است؟

پایان اندیشه «جنسیت سوم» در آمریکا

دولت نخست ترامپ سبب گردید که چندین ایالت آمریکا قوانینی را برای ممنوعیت بحث درباره گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی

در مدارس وضع کنند. در حال حاضر، هفت ایالت چنین ممنوعیتی را اعمال کرده‌اند، در حالی که چهار ایالت دیگر محدودیت‌هایی را در مورد نحوه بحث درباره انحراف همجنس‌گرایی در مدارس وضع کرده‌اند. این قوانین برای جلوگیری از آگاهی کودکان درباره تنوع گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی تصویب شده است.

در این زمینه، فعالان سیاسی این پرسش را مطرح می‌کنند که چنین اقداماتی چه پیامدهایی در عرصه ملی در دولت دوم ترامپ خواهد داشت؟ یکی از مثال‌های آشکار این سیاست‌ها وعده ترامپ برای ممنوعیت کامل ارائه مراقبت‌های پزشکی مرتبط با تغییر جنسیت برای افراد زیر سن قانونی در سراسر آمریکا است.

با توجه به مواضع رسمی و اعلام‌شده ترامپ، درخواست او از کنگره برای به رسمیت شناختن تنها دو جنسیت در سطح فدرال، موجب توقف افزایش تفکر انحرافی جنسیتی در سال‌های اخیر خواهد شد. این در حالی است که دولت فدرال و ایالت‌ها زیر نظر دموکرات‌ها در سال‌های اخیر تلاش‌هایی را برای به رسمیت شناختن این مفهوم در اسناد رسمی دولتی انجام داده‌اند.

آیا سیاست ترامپ برای ترانزجسیتی‌ها مشکل ساز خواهد شد؟

پاسخ بدون شک مثبت است، زیرا این روند راه را برای تصویب قوانین و سیاست‌هایی هموار می‌کند که ممکن است توسط کنگره اجرایی شود. برخی از جمهوری‌خواهان پیش از این قوانینی را پیشنهاد

داده‌اند که ارائه اقدامات پزشکی مرتبط با تغییر جنسیت را به جرم تبدیل می‌کند یا به صورت کلی تراجنسیتی را از شرکت در رقابت‌های ورزشی مربوط به دختران در سراسر کشور منع می‌کند تا آرامش روانی زنان و دختران آمریکایی برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی خدشه‌دار نشود. افزون بر این، بسیاری از تغییراتی که ترامپ و قانون‌گذاران جمهوری خواه پیشنهاد کرده‌اند، می‌تواند منجر به حذف بودجه عمومی اختصاص یافته به این گروه از دانش‌آموزان تراجنسیتی شود که تحت «ماده نهم» دریافت می‌کنند.

علاوه بر این، ترامپ در جریان کارزار انتخاباتی خود اعلام کرد که قصد دارد سیاست‌های فدرالی را که به حمایت از افراد بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی غیرطبیعی می‌پردازد، لغو کند. در دوران نخست ریاست جمهوری او، دولتش برخی از این حمایت‌ها را تضعیف کرد. اما آیا این سیاست‌ها حاصل سیاست فردی ترامپ است، یا اینکه یک روند گسترده‌تر در میان جمهوری خواهان است؟

تلاش جمهوری خواهان برای محدودسازی همجنس‌گرایی

مدیر سابق حزب جمهوری خواه در ایالت میشیگان، شاول آنویس، تأکید می‌کند که افراط‌گرایی لیبرال‌ها و دموکرات‌ها، به شدت به ضرر آن‌ها تمام شده است. رأی‌دهندگان آمریکایی احساس می‌کنند که چپ‌های تندرو بیش از حد خط‌های قرمز اجتماعی را برای کسب آرای اقلیت‌ها زیر پا گذاشته‌اند، و این موضوع باعث واکنش‌های متقابل از سوی مردم جمهوری خواه و مذهبی شده است.

پیروزی قاطع ترامپ در انتخابات اخیر، نشان دهنده آن است که رأی‌دهندگان از رویکرد حزب جمهوری خواه برای اعمال محدودیت‌های بیشتر علیه تراجنسیتی‌ها و همجنس‌گرایان حمایت می‌کنند. به عنوان نمونه، تصمیم مجلس نمایندگان برای منع اولین عضو تراجنسیتی کنگره از ورود به سرویس‌های بهداشتی زنان، نشان‌دهنده روندی ملی در جهت جلوگیری از گسترش انحراف به شکل رسمی است.

جمهوری خواهان، پیروزی ترامپ را به عنوان یک نشانه آشکار در خصوص خواسته جمهور این کشور می‌دانند که خواهان اعمال نظارت بیشتر بر تراجنسیتی‌ها و حذف امکانات اختصاص یافته به آنان هستند.

در مقابل، دموکرات‌ها پس از انتخابات دچار نوعی سردرگمی و درگیری داخلی شدند و از شدت تأثیر کارزار جمهوری خواهان علیه تراجنسیتی‌ها شگفت زده شدند. در این میان، تراجنسیتی‌ها به سختی در جستجوی حامیان سیاسی برای تفکرات انحرافی خود هستند.

در روز نخست از زمان ارائه پیش‌نویس‌های جلسات قانون‌گذاری، جمهوری خواهان ۳۲ طرح قانونی علیه تراجنسیتی‌ها ارائه دادند. علاوه بر این، مجلس قانون‌گذاری ایالت اوهایو، در نخستین روز پس از انتخابات، استفاده از سرویس‌های بهداشتی در دانشگاه‌های سراسر ایالت را بر اساس جنسیت طبیعی مجاز دانست و نه جنسیت انتخابی. حزب جمهوری خواه استدلال می‌کند که قوانین و سیاست‌هایی که بر اساس ایدئولوژی‌های جدید جنسیتی تدوین می‌شوند، نه تنها باعث

سردرگمی در جامعه می‌شوند، بلکه می‌تواند به آسیب‌های اجتماعی گسترده‌ای منجر شوند. در سال ۲۰۲۱، خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد که قانون‌گذاران ۲۰ ایالت که ممنوعیت حضور ورزشکاران ترنس در تیم‌های ورزشی دخترانه را پیشنهاد داده بودند تنها یک واکنش به یک مشکل در مسابقات ورزشی نبوده است، بلکه پاسخی به نگرانی‌های گسترده‌تر جامعه درباره تغییرات فرهنگی سریع و بدون بررسی کافی در زمان دموکرات‌ها است.

منتقدان دولت ترامپ ممکن است این رویکرد را به‌عنوان محدودکننده یا تبعیض‌آمیز تلقی کنند، اما واقعیت این است که بسیاری از والدین و شهروندان عادی احساس می‌کنند که صدای آن‌ها در این مباحث شنیده نمی‌شود. آیا نباید پرسید که چرا این مسائل به چنین سرعتی به اولویت سیاست‌گذاران دموکرات تبدیل شده‌اند، در حالی که مشکلات اقتصادی، آموزشی و امنیتی در اولویت‌های اصلی مردم آمریکا قرار دارند؟

دولت ترامپ و حزب جمهوری‌خواه بر این باورند که تمرکز بر ارزش‌های سنتی، حمایت از حقوق والدین در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و ورزشی، و جلوگیری از تغییرات ایدئولوژیک شتاب‌زده در جامعه، برای حفظ ثبات اجتماعی و فرهنگی کشور ضروری است.

پروژه ۲۰۲۵: بازگرداندن ارزش‌های آمریکایی و مقابله با افراط‌گرایی جنسیتی

در دنیای سیاست، گاهی کسانی که در پشت صحنه عمل می‌کنند، نقشی تعیین‌کننده‌تر از آن‌هایی دارند که در کانون توجه هستند. بر این اساس، این سؤال مطرح می‌شود: آیا نهادی خاص مسیر ترامپ را در اصلاح سیاست‌های اجتماعی حمایت می‌کند و آن را تقویت می‌کند؟

پاسخ این سؤال را می‌توان در «پروژه ۲۰۲۵» یافت؛ پیشنهادی که از سوی اندیشکده محافظه‌کار «هریتج» ارائه شده و هدف آن، بازگرداندن اصول بنیادین کشور به مسیر اصلی خود است. این پروژه به‌عنوان برنامه‌ای جامع برای دولت آینده ترامپ معرفی شده است و تلاش دارد سیاست‌های جنجالی و ایدئولوژیکی را که در سال‌های اخیر از سوی چپ لیبرال بر مردم آمریکا تحمیل شده‌اند، بازنگری کند.

منتقدان این پروژه ادعا می‌کنند که هدف آن محدود کردن حقوق برخی گروه‌ها است، اما واقعیت این است که پروژه ۲۰۲۵ تلاش دارد تا دولت فدرال را از سیاست‌های افراطی که به‌جای تمرکز بر منافع عمومی، درگیر مباحث اجتماعی بحث‌برانگیز شده‌اند، پاک‌سازی کند. این برنامه نه‌تنها بر افزایش اختیارات ریاست‌جمهوری و کاهش بروکراسی دست‌وپاگیر تأکید دارد، بلکه به دنبال حذف اصطلاحات و سیاست‌هایی است که در سال‌های اخیر به ابزار فشار ایدئولوژیک بدل شده‌اند.

چپ لیبرال این اصلاحات را به‌عنوان تهدیدی برای حقوق برخی گروه‌ها قلمداد می‌کند، اما واقعیت این است که پروژه ۲۰۲۵ قصد دارد

نهادهای دولتی را از نفوذ ایدئولوژی‌های انحرافی در امان نگه دارد و تمرکز را بر اولویت‌های واقعی مردم آمریکا، مانند اقتصاد، امنیت و آموزش، بازگرداند.

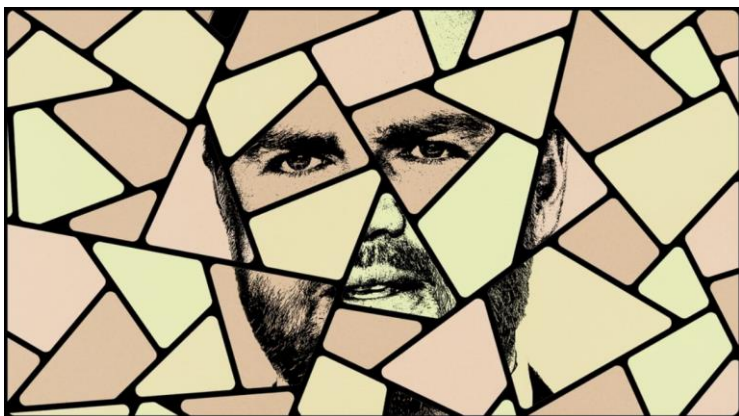
یکی دیگر از جنبه‌های مهم پروژه ۲۰۲۵، حذف امکانات اختصاص یافته برای افراد ترنس در زمینه‌های مختلف است. از جمله این اقدامات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ممنوعیت خدمت افراد ترنس در ارتش: این تصمیم براساس این باور است که اختلال هویت جنسیتی با الزامات خدمت نظامی سازگار نباشد.
- محدودیت در استفاده از نام ترجیحی در مدارس: طبق این پروژه، معلمان و کارکنان آموزشی باید تنها از نام‌هایی استفاده کنند که در گواهی تولد ثبت شده، مگر اینکه اجازه کتبی از والدین ارائه شود.
- لغو اصلاحات بایدن: این اصلاحات که حمایت‌های آموزشی برای افراد ترنس را گسترش می‌داد، به‌طور خاص در پروژه ۲۰۲۵ مورد بازنگری قرار گرفته و از کنگره خواسته می‌شود که جنسیت را تنها بر اساس جنس طبیعی هنگام تولد تعریف کند.

بر اساس ادعای محافظه‌کاران پروژه ۲۰۲۵ در تلاش است تا تعادل میان ارزش‌های سنتی و نیازهای اجتماعی مدرن را برقرار کند. این پروژه سعی دارد تا بر اساس اصول آمریکایی و نگرانی‌های شهروندان

محافظه‌کار، مرزهای سیاست‌های اجتماعی و حقوقی را بازتعریف کند تا از بی‌نظمی و نفوذ افراط‌گرایان در سیاست‌گذاری‌های فدرال جلوگیری شود.^۱

تنش میان دولت ترامپ و اسقف‌های کاتولیک؛ مهاجران در کانون اختلافات



در جریان کمپین انتخاباتی خود، دونالد ترامپ وعده داد که قدرت سیاسی را به مسیحیان آمریکا بازگرداند. او در فوریه ۲۰۲۴ به گروهی از رسانه‌های مذهبی گفت که در صورت پیروزی، قدرت آن‌ها به سطحی بی‌سابقه خواهد رسید و نوید «احیای آمریکای بزرگ» را داد. همچنین وعده کرد که رهبران مسیحی مستقیماً با دفتر ریاست‌جمهوری در ارتباط خواهند بود و یک کارگروه فدرال برای جلوگیری از «سوءاستفاده

1 independentarabia.com/node/615785

دولت از قدرت علیه مسیحیان» تشکیل خواهد داد. اما در کمتر از سه هفته پس از آغاز دوره جدید ریاست‌جمهوری، اقدامات او برخلاف این وعده‌ها پیش رفته است.

دولت ترامپ در اولین اقدامات خود، کمک‌های بشردوستانه خارجی را به حالت تعلیق درآورد، برنامه‌های اسکان پناهندگان را متوقف کرد، آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (USAID) را منحل نمود و تخصیص بودجه فدرال به سازمان‌های غیرانتفاعی، از جمله خیریه‌های کاتولیک را مسدود کرد. این سازمان‌ها که به افراد نیازمند کمک‌های غذایی، مسکن و خدمات پناهندگی ارائه می‌دهند، ناگهان از دسترسی به بودجه محروم شدند. کاخ سفید اعلام کرد که این اقدام بخشی از تلاش برای حذف آنچه «بیداری فرهنگی» خوانده می‌شود، بوده است. با اینکه این تعلیق دو روز بعد متوقف شد، بسیاری از سازمان‌ها همچنان قادر به دریافت بودجه نیستند.

در اواخر ماه ژانویه ۲۰۲۵، صدها رهبر خیریه‌های کاتولیک در واشنگتن گرد هم آمدند تا درباره این بحران بحث کنند. به گفته استیون شنک، رئیس کمیسیون آزادی مذهبی ایالات متحده، این نشست فضایی از وحشت و نگرانی ایجاد کرد، به طوری که برخی از حاضران اعلام کردند که حتی نمی‌توانند برای نوزادان تحت مراقبت خود پوشک تهیه کنند. این تعلیق ناگهانی و بدون اطلاع قبلی اجرا شد و برنامه‌های کمک‌رسانی خارج از کشور را نیز متوقف کرد.

علاوه بر این، ترامپ سیاست دوره بایدن را که مأموران مهاجرت و گمرک را از بازداشت افراد در مکان‌هایی مانند کلیساها و مدارس منع می‌کرد، لغو کرد. این اقدام باعث واکنش شدید کنفرانس اسقف‌های کاتولیک آمریکا شد که اعلام کرد چنین تغییراتی، «مکان‌های شفقت و آرامش را به کانونی برای ترس و ناامنی تبدیل می‌کند».

این موضع‌گیری اسقف‌ها، انتقاد معاون رئیس‌جمهور، جی. دی. ونس، را برانگیخت. او در برنامه‌ای تلویزیونی مدعی شد که این نهاد مذهبی بیش از آنکه نگران مسائل انسانی باشد، به منافع مالی خود فکر می‌کند، زیرا بیش از ۱۰۰ میلیون دلار برای اسکان مهاجران غیرقانونی دریافت کرده است. اسقف‌ها در پاسخ تأکید کردند که کلیسای کاتولیک از دیرباز به خدمت‌رسانی به پناهندگان پرداخته و هرچند کمک‌های دولتی را دریافت می‌کند، این حمایت‌ها هزینه‌های برنامه‌های بشردوستانه را به‌طور کامل پوشش نمی‌دهد.

ونس در گفت‌وگویی با فاکس نیوز از موضع دولت دفاع کرده و گفت که عشق و محبت در ابتدا باید شامل خانواده، سپس همسایگان، جامعه و هم‌وطنان باشد و تنها پس از آن باید به دیگر نقاط جهان توجه کرد. با اینکه اسقف‌ها به این گفته‌ها پاسخی ندادند، اما اگر چنین می‌کردند، احتمالاً به سخنان مسیح در موعظه بالای کوه اشاره می‌کردند که فرمود: «اگر فقط کسانی را دوست بدارید که شما را دوست دارند، چه پاداشی خواهید داشت؟ حتی باج‌گیران نیز چنین می‌کنند.»

این آموزه مسیحی، برخلاف روایت ونس، بسیار دشوارتر و گسترده‌تر است.

اختلاف میان سیاستمداران کاتولیک و رهبران مذهبی سابقه‌ای طولانی دارد، اما ادعاهای جدید درباره فساد مالی کلیسا نشانه‌ای از درگیری‌های جدی‌تر در آینده است. این امر شاید به تمایز بیشتر تعالیم کلیسا از تفسیرهای سیاسی‌شده کاتولیسیسم کمک کند. کلیسا قرار است در برابر تحولات سیاسی و فرهنگی مقاومت کند، نه اینکه خود را با آن‌ها تطبیق دهد. سیاستمداران همواره تحت تأثیر منافع سیاسی قرار دارند، اما میزان این تأثیر بر سیاستمداران کاتولیک، نشان‌دهنده میزان آسیب‌پذیری معنوی آن‌ها است.

در نهایت، یکی از جنبه‌های مهم مسیحیت، چالش برانگیز و غیرمنتظره بودن آموزه‌های آن است. دستور به محبت نسبت به غریبه‌ها و خدمت به نیازمندان، از اصول اساسی این ایمان است. بنابراین، هرگونه محدودیت بر کمک به پناهندگان و مهاجران، نه تنها اقدام علیه کار خیریه، بلکه تهدیدی برای خود عمل مسیحی است.^۱

1 theatlantic.com/ideas/archive/2025/02/catholic-charities-trump/681610/

جدال بر سر تبعیض علیه مسیحیان در آمریکا؛ سیاست یا واقعیت؟



در حالی که مسیحیت دین غالب در آمریکا است، اقدام ترامپ برای مقابله با تبعیض علیه مسیحیان باعث تعجب بسیاری شده است. مسیحیت بزرگ‌ترین دین در آمریکا محسوب می‌شود و محافظه‌کاران مسیحی نفوذ زیادی در حکومت دارند. همین نفوذ باعث شده است که بسیاری از مردم بپرسند چرا رئیس‌جمهور دونالد ترامپ یک کارگروه ویژه برای از بین بردن تبعیض علیه مسیحیان ایجاد کرده است.

منتقدان این کارگروه را غیرضروری می‌دانند و آن را اقدامی برای جلب حمایت طرفداران ترامپ قلمداد می‌کنند. اما برخی از حامیان مسیحی ترامپ بر این باورند که این اقدام دیر هنگام اما ضروری است و ادعا

می‌کنند که دولت بایدن با تصمیمات و سیاست‌هایش علیه آنها تبعیض قائل شده است.

این کارگروه که برای مدت دو سال فعالیت خواهد کرد، تحت ریاست دادستان کل پام باندی و با حضور نمایندگانی از کابینه و سایر بخش‌های دولتی تشکیل شده است. وظیفه این گروه بررسی و شناسایی هرگونه اقدام غیرقانونی ضد مسیحی در دوران بایدن، اصلاح سیاست‌های نادرست و ارائه پیشنهادهایی برای جبران اشتباهات گذشته است.

بحثی درباره قربانی‌نمایی

بروس لدویتز، استاد حقوق در دانشگاه دوکزن در پیتسبورگ، از طرز تفکر پشت این فرمان اجرایی انتقاد کرده و آن را نوعی تلاش یک گروه قدرتمند برای نشان دادن خود به عنوان قربانی دانسته است.

او توضیح می‌دهد که جنبش محافظه‌کاران مسیحی، که یکی از پایگاه‌های اصلی حزب جمهوری خواه است، اکنون نفوذ قابل توجهی در دیوان عالی، ایالت‌های مختلف، کنگره و حتی ریاست جمهوری دارد. با این وجود، این گروه همچنان ادعا می‌کند که «ما قربانی هستیم».

لدویتز که رابطه بین قانون اساسی و مذهب را مطالعه می‌کند، می‌گوید: «این یک نبرد بر سر روح آمریکا است. ما به آن جنگ فرهنگی می‌گوییم، اما این نبرد بسیار عمیق‌تر است.» به گفته او، این دیدگاه

محافظه‌کاران بر این باور است که «دموکرات‌ها مذهبی نیستند، اما ما هستیم».

ترامپ نیز دقیقاً همین نظر را در یک مراسم ملی نیایش در ۶ فوریه بیان کرد. او مدعی شد که مخالفانش «با مذهب و با خدا دشمنی دارند» و دولت قبلی را به «آزار و اذیت» متهم کرد. این در حالی است که به باور لدویتز، جو بایدن که یک کاتولیک پایبند به شرکت در مراسم عشای ربانی است، بارها از تأثیر ایمانش بر تصمیم‌گیری‌هایش سخن گفته و رابطه نزدیکی با پاپ فرانسیس داشته است.

اما رایان بانگرت، معاون ارشد سازمان محافظه‌کار حقوقی «اتحادیه دفاع از آزادی»، معتقد است که این کارگروه اقدامی دیر هنگام اما ضروری است. او ادعا می‌کند که دولت بایدن از طریق سیاست‌هایی در زمینه سقط جنین و مسائل جنسیتی، به‌طور عمدی باورهای مسیحیان را هدف گرفته است. به گفته او، این باورها نه تنها مختص مسیحیان نیست، بلکه بسیاری از گروه‌های مذهبی دیگر نیز آن را دارند.

برای مثال، ترامپ در مراسم نیایش از عفو گروهی از معترضان ضد سقط جنین سخن گفت. او پرونده زنی را که در ۷۵ سالگی به زندان محکوم شده بود، این‌گونه توصیف کرد که «او فقط به دلیل دعا کردن زندانی شده است». در واقع، این زن به همراه عده‌ای دیگر به دلیل مسدود کردن ورودی یک کلینیک سقط جنین و نقض قانون آزادی دسترسی به ورودی‌های کلینیک‌ها که در دهه ۱۹۹۰ پس از حملات

خشونت‌آمیز به ارائه‌دهندگان خدمات سقط جنین تصویب شد، مجرم شناخته شده بودند.

اما بانگرت معتقد است که دولت بایدن این قانون را به شدت علیه معترضان ضد سقط جنین به کار گرفته است، در حالی که همان قانون علیه کسانی که کلیساها یا مراکز مشاوره بارداری (که زنان را به عدم سقط جنین ترغیب می‌کنند) را تخریب کرده یا تهدید کرده‌اند، چندان سخت‌گیرانه اجرا نشده است. این مراکز پس از تصمیم دیوان عالی در سال ۲۰۲۲ برای لغو حکم «رو در برابر وید» (که سقط جنین را در سراسر کشور قانونی کرده بود) مورد حملات متعددی قرار گرفتند.

اسناد وزارت دادگستری در دوران بایدن تنها یک مورد محکومیت سه فعال حامی حقوق سقط جنین را نشان می‌دهد که به خرابکاری در مراکز مشاوره بارداری متهم شده بودند. در حالی که همان فهرست، ده‌ها مورد تعقیب قضایی علیه معترضان ضد سقط جنین را که مانع از فعالیت کلینیک‌ها شده، تهدید کرده یا خدمات آن‌ها را مختل کرده بودند، ثبت کرده است.

بانگرت می‌گوید که این قانون عملاً فقط برای تعقیب مدافعان حقوق جنین به کار گرفته شده است. «اگر این افراد به جای باورهای ضد سقط جنین، از هر عقیده دیگری دفاع می‌کردند، هرگز توسط دولت تحت تعقیب قرار نمی‌گرفتند.» او همچنین ادعا می‌کند که دولت بایدن از اجرای این قانون در مواردی که کلیساها یا مراکز مشاوره بارداری هدف قرار گرفته‌اند، خودداری کرده است.

استقبال کلیسای کاتولیک از این کارگروه

کنفرانس اسقف‌های کاتولیک آمریکا از تشکیل این کارگروه استقبال کرده است. چیکو نوگوچی، سخنگوی این کنفرانس، اظهار داشت: «ما از شنیدن این خبر که دولت قصد دارد به مسئله تبعیض علیه مسیحیان رسیدگی کند، خوشنود هستیم و آماده‌ایم که نظرات خود را برای تضمین آزادی کامل مذهبی برای همه ارائه دهیم.»

این کنفرانس فهرستی از موارد حمله و تخریب کلیساها را ثبت کرده است که از سال ۲۰۲۰ حداقل ۳۶۶ مورد آتش‌سوزی، تخریب مجسمه‌های مذهبی و سایر حملات را شامل می‌شود. کمیته آزادی مذهبی این کنفرانس در سال ۲۰۲۴ گزارشی منتشر کرد که در آن به نگرانی‌هایی از هر دو حزب درباره سیاست‌های دولت بایدن در زمینه جنسیت و سقط جنین اشاره شده است.

آیا این کارگروه مغایر قانون اساسی است؟

برخی کارشناسان معتقدند که این اقدام کاخ سفید، که بر یک دین خاص تمرکز دارد، بی‌سابقه نیست. به عنوان مثال، دولت بایدن برنامه‌هایی برای مقابله با یهودستیزی و اسلام‌هراسی اجرا کرده است. اما گروه سکولار «بنیاد آزادی از مذهب» در پلتفرم X نوشت: «وظیفه دولت محافظت از حقوق همه افراد است، نه ارائه امتیازات ویژه به یک دین خاص.»

لدویتز توضیح می‌دهد که این کارگروه در تئوری مغایر قانون اساسی نیست، اما اگر در عمل به تبلیغ مسیحیت از سوی دولت منجر شود، این اقدام خلاف اصل جدایی دین از دولت خواهد بود.

او همچنین می‌گوید که ادعای وجود آزار سیستماتیک علیه مسیحیان در آمریکا بی‌اساس است. با اینکه تعداد افراد بدون دین در حال افزایش است و به حدود ۳٪ از بزرگسالان آمریکایی رسیده، اما مسیحیان همچنان دوسوم جمعیت را تشکیل می‌دهند.

متیو تیلور، پژوهشگر پروتستان، معتقد است که این کارگروه می‌تواند به ضرر اقلیت‌های مذهبی تمام شود و بهانه‌ای برای حمله به آنها باشد.^۱

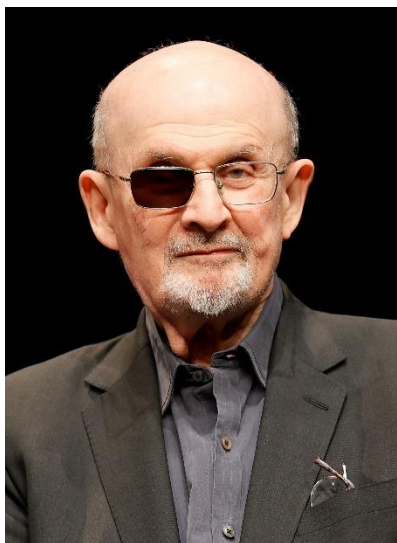
1 apnews.com/article/eradicating-anti-christian-bias-trump-religious-freedom-c4a01b2d75b471e7329f84a6e662c934



دادگاه امت



سالروز فتوای قتل سلمان رشدی



در سال ۱۹۸۸م/۱۳۶۷ش کتابی به نام «آیات شیطانی» منتشر شد که به اعتقاد اکثر مسلمانان، حاوی توهین‌هایی به اسلام و حضرت محمد(ص) بود. امام خمینی(ره)، مرجع تقلید و رهبر جمهوری اسلامی ایران، در ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ش، در فتوایی، سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی و ناشران مطلع از محتوای آن را به اعدام محکوم کرد.

متن فتوای او به این شرح بود:

بسمه تعالی

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام

بین‌المللی

شماره ۴۰۵

بهمن ۱۴۰۳

و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است،
 همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام
 می باشند. از مسلمانان غیور می خواهم تا در هر نقطه که
 آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرئت
 نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هرکس در این
 راه کشته شود، شهید است، ان شاء الله. ضمناً اگر کسی
 دسترسی به مؤلف کتاب دارد، ولی خود قدرت اعدام او را
 ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد.
 والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله موسوی خمینی

حکم امام خمینی به قتل سلمان رشدی را حکمی تاریخی و نشانگر
 قدرت و هوشمندی مرجعیت شیعه در برابر دسیسه های مخالفان
 اسلام و توان دفاع از مقدسات دانسته اند. این فتوا حمایت همه
 مذاهب اسلامی را در پی داشت. سید عبدالله بخاری، امام جماعت
 اهل سنت دهلی، آن را نشان دهنده آگاهی و نبوغ امام خمینی دانست.
 احمد کفتارو، مفتی اعظم وقت سوریه نیز در ۱۰ اسفند ۱۳۶۷ش فتوایی
 مبنی بر لزوم محاکمه و مجازات رشدی صادر کرد. به باور آیت الله
 خامنه ای، این حکم ضربه ای متقابل و قوی به استکبار و طرفداران غربی
 کتاب آیات شیطانی بود که آنان را به دفاع واداشت و روحیه شان را
 تضعیف کرد. سید محمد حسین فضل الله در لبنان هم این فتوا را ضربه
 بزرگی به جهان استکبار و غرب دانست.

به گفته سید هادی خسروشاهی، حکم اعدام سلمان رشدی حکم دشنام دهنده پیامبر(ص) و مرتد است که همه عالمان مذاهب اسلامی در خصوص آن اتفاق نظر دارند. موسوی اردبیلی نیز در تبیین این فتوا، سلمان رشدی را مرتد فطری دانست که از نظر اسلام، توبه اش پذیرفته نمی شود.

واکنش سلمان رشدی

بر اثر صدور این حکم، خشم جهان اسلام به اوج رسید و سلمان رشدی، در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۶۷ش، به علت ترس از آینده خود، در بیانیه ای از مسلمانان عذرخواهی کرد. او پس از صدور فتوا، از خانه خود در لندن فرار کرد و در طول پنج ماه، با مراقبت پلیس، ۵۷ بار محل زندگی اش را تغییر داد. وی در مصاحبه ای با روزنامه انگلیسی دیلی میل درباره اولین احساسش پس از شنیدن حکم اعدام خود گفت: «حس خوبی نبود. حس کردم که من یک مرد مُرده ام... . قدم زدن بدون یک محافظ شخصی، رفتن به خرید، دیدن خانواده، پرواز با هواپیما و تمام این ها در آن زمان برای من غیرممکن بود.»

بازتابها

پس از انتشار حکم قتل سلمان رشدی، دولت وقت ایران بنابر دستور امام خمینی، روز ۲۶ بهمن ۱۳۶۷ش را در ایران عزای عمومی اعلام کرد. مردم در نقاط مختلف با راهپیمایی و تجمع در مساجد و تکایا خشم

و نفرت خود از چاپ کتاب آیات شیطانی بر علیه اسلام و حمایت از حکم امام خمینی را ابراز کردند.

مجلس شورای اسلامی با قید دو فوریت، قطع کامل روابط با انگلستان را تصویب کرد و ۱۷۰ نماینده با امضای نامه‌ای، خواهان برخورد مناسب کنفرانس بین‌المجالس با انتشار کتاب آیات شیطانی شدند. در ۲۷ بهمن ۱۳۶۷ ش حسن صانعی، مسئول بنیاد ۱۵ خرداد، برای قاتل ایرانی سلمان رشدی، مبلغ ۲۰ میلیون تومان و برای قاتل خارجی وی، مبلغ یک میلیون دلار جایزه تعیین کرد. رقم این جایزه بارها افزایش یافت و در شهریور سال ۱۳۹۱ ش به سه و نیم میلیون دلار رسید.

حکم قتل سلمان رشدی از سوی امام خمینی بازتاب وسیعی در جهان داشت. پس از بازتاب گسترده این پیام در رسانه‌های جهان، سلمان رشدی و حامیان و ناشران کتابش در کشورهای مختلف مورد تهدید و حمله قرار گرفتند. مسلمانان کشورهای مختلف همچون انگلیس، مالزی، ایتالیا، فرانسه، گینه، ترکیه، آرژانتین، سودان، استرالیا، هنگ‌کنگ، دانمارک، کانادا، اسپانیا و فنلاند و اتحادیه مسلمانان آمریکا، هیئت علمای جبل‌عامل، کنگره مسلمانان سریلانکا، شورای اسلامی اوگاندا، شورای عالی امور اسلامی نیجریه با صدور بیانیه‌ها و برگزاری تجمع، حمایت خود از فتوای قتل رشدی را اعلام کردند. در الجزایر کتابی با عنوان «شیطان غرب» علیه آیات شیطانی منتشر شد. این کتاب با انعکاس حکم قتل سلمان رشدی به تمجید از امام خمینی پرداخت. فروش کتاب آیات شیطانی در هند، آفریقای جنوبی، تانزانیا، مالزی، مصر

و عربستان ممنوع شد. انتشارات پنگوئن که کتاب آیات شیطانی را در انگلیس نشر داده بود بر تدابیر امنیتی خود افزود. همچنین دفاتر برخی ناشران این کتاب در کشورهایمانند آمریکا و انگلیس مورد حمله قرار گرفت. چین نیز در ۲۸ مرداد ۱۳۶۸ش انتشار کتاب آیات شیطانی را ممنوع کرد.



تصویر راهپیمایی مسلمانان لبنان علیه سلمان رشدی، پس از فتوای امام خمینی

از سوی دیگر، جورج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سوم اسفند ۱۳۶۷ش با اعلام حمایت از سلمان رشدی، تهدید به مرگ وی از سوی ایران را تهدیدی علیه منافع آمریکا دانست. جفری هاو، وزیر خارجه وقت انگلستان، با انتشار و تاثیر حکم اعدام رشدی در تغییر موضعی از احترام دولت انگلستان به اسلام و جدایی آن از کتاب آیات شیطانی سخن گفت. دوازده کشور از کشورهای عضو بازار مشترک اروپا سفیران

یا رؤسای هیئت‌های دیپلماسی خود را از ایران فراخواندند و هرگونه تماس و مسافرت مقامات بلندمرتبه به ایران را لغو کردند. دولت آمریکا به‌طور رسمی خواستار محکوم کردن حکم امام خمینی از سوی شوروی شد؛ ولی شوارد ناتزِه، وزیر خارجه وقت شوروی، در واکنشی گفت غرب باید برای ارزش‌های ایران احترام قائل شود.



تصویر مصطفی مازح اولین، کسی که اقدام به اجرای حکم امام خمینی کرد

مصطفی مازح، جوان لبنانی و ابراهیم عطایی در سال ۱۳۶۸ش قصد کشتن سلمان رشدی را داشتند که توسط تیم حفاظتی او شهید شدند. سلمان رشدی در ۲۱ مرداد سال ۱۴۰۱ش در نیویورک در هنگام سخنرانی توسط یک جوان اهل نیوجرسی با چاقو مورد حمله قرار گرفت و از ناحیه

گردن زخمی شد. ضارب سلمان رشدی، هادی مَطر، جوانی ۲۴ ساله بود که با این حمله، موجب کور شدن چشم راست و از دست دادن حس انگشتان او شد.^۱

قرآن سوز مشهور کشته شد



سلوان مومیکا، مهاجر عراقی که با سوزاندن قرآن در استکهلم در سال ۲۰۲۳ باعث اعتراضاتی در سوئد و چندین کشور اسلامی شد، کشته شد. دادستانی سوئد صبح پنجشنبه ۳۰ ژانویه ۲۰۲۵ این خبر را تأیید کرد.

پلیس اعلام کرد که پنج نفر را دستگیر کرده و تحقیقات درباره این قتل آغاز شده است.

مومیکا قرار بود صبح پنجشنبه در دادگاه منطقه‌ای استکهلم حاضر شود و رأی دادگاه درباره اتهاماتی که به دلیل سوزاندن قرآن و اعتراضات بعدی علیه او مطرح شده بود، صادر شود.

حکم_قتل_سلمان_رشدی/fa.wikishia.net/view 1

این تیراندازی چهارشنبه شب در شهر سودرتلیه، نزدیک استکهلم، رخ داد.

مقامات هنوز تأیید نکرده‌اند که آیا این قتل با اقدام مومیکا در سوزاندن قرآن ارتباط داشته است یا نه، اما اولف کریسترسون، نخست‌وزیر سوئد، گفت که سازمان امنیت این کشور در حال بررسی این موضوع است.

کریسترسون به خبرنگاران گفت: «به وضوح این احتمال وجود دارد که ارتباطی با یک قدرت خارجی داشته باشد.»

آنا روت، وکیل مدافع مومیکا، اظهار داشت که او تهدید به مرگ شده بود.

او در مصاحبه‌ای تلفنی گفت: «او کاملاً متقاعد شده بود که دیر یا زود کشته خواهد شد.»

مومیکا در روز عید قربان قرآن را در مقابل یک مسجد در استکهلم به آتش کشید. او که در یک خانواده مسیحی متولد و بزرگ شده بود، بعدها اعلام کرد که بی‌دین است. به گفته وکیلش، او ادعا کرده بود که با این اقدام قصد دارد توجه‌ها را به آزار و قتل اقلیت‌های مسیحی توسط اسلام‌گرایان در برخی مناطق جهان اسلام جلب کند.

او در هنگام این اقدام از طریق بلندگو اعلام کرد: «من مردم سوئد را از خطرات این کتاب آگاه می‌کنم.»

واکنش جهان اسلام سریع و خشمگینانه بود و بسیاری دولت سوئد را به دلیل جلوگیری نکردن از این اقدام مورد انتقاد قرار دادند. در عراق، صدها نفر به سفارت سوئد در بغداد حمله کردند و بخشی از آن را به آتش کشیدند. دولت عراق سفیر سوئد را اخراج کرد و دستور بازگشت سفیر خود از استکهلم را صادر کرد. مصر این اقدام را «کاری ننگین» خواند و مراکش نیز سفیر خود را از سوئد فراخواند.

مقامات سوئد در آن زمان اقدام مومیکا را محکوم کردند، اما پلیس برای «تظاهرات» او مجوز صادر کرده بود، چرا که دادگاه سوئد ممنوعیت آن را ناقض آزادی بیان دانسته بود.

با این حال، این مجوز شامل اجازه سوزاندن اشیاء نمی‌شد، و مومیکا بعداً به اتهام تحریک علیه یک گروه قومی یا ملی در چهار مورد از لگدمال کردن، پاره کردن و سوزاندن قرآن تحت تعقیب قرار گرفت. او همچنین در سخنرانی‌هایش اظهارات تحقیرآمیزی علیه اسلام و مسلمانان مطرح کرده بود.

آنا هنگیو، دادستان سوئدی که این پرونده را مطرح کرده بود، گفت: «اینکه چنین اظهاراتی در یک میدان بزرگ عمومی بیان شده و منتشر شود، شرط لازم برای تحریک به نفرت نژادی است. این وظیفه دادگاه منطقه‌ای است که تعیین کند آیا سوزاندن قرآن نیز تحریک علیه یک گروه محسوب می‌شود یا نه.»

در تابستان همان سال، مومیکا بار دیگر قرآن را به آتش کشید.

سوزاندن قرآن و خشم جهانی ناشی از آن بحث‌هایی را در سوئد برانگیخت، کشوری که برای تصمیم‌گیری در مورد مجاز بودن چنین اعتراضاتی با چالش‌هایی روبه‌رو شده است.

پیش از اقدام مومیکا، مقامات سوئدی مجوز برخی تظاهرات ضد قرآنی را به دلیل نگرانی از ایجاد اخلال در نظم عمومی رد کرده بودند. اما پس از این رویداد، وزارت خارجه سوئد اقدام او را اسلام‌هراسانه خواند و مقام‌ها هشدار دادند که چنین اعتراضاتی می‌تواند بر سیاست امنیت ملی کشور تأثیر بگذارد. سازمان امنیت داخلی سوئد نیز برای مدتی سطح تهدید تروریستی را به بالاترین حد خود افزایش داد.

سلوان ناجم، که در برخی از قرآن‌سوزی‌ها همراه مومیکا بود، متهم دیگر این پرونده است.

روز پنجشنبه، ناجم با انتشار لینکی از خبر کشته شدن مومیکا در شبکه اجتماعی ایکس، نگرانی خود را ابراز کرد.

او نوشت: «نفر بعدی من هستم.»^۱

گفتنی است که تنها چند روز پس از کشته شدن سلوان مومیکا، راسموس پالودان، رئیس حزب راست افراطی Stram Kurs دانمارک برای چندمین بار در چند سال گذشته دست به قرآن‌سوزی زد.

پالودان در پیامی در حساب کاربری خود در رسانه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) از این اقدام در مقابل سفارت ترکیه در کپنهاگ خبر داد.

1 [nytimes.com/2025/01/30/world/europe/salwan-momika-quran-sweden-killed.html](https://www.nytimes.com/2025/01/30/world/europe/salwan-momika-quran-sweden-killed.html)

به نوشته روزنامه آفتونبلادت، این سیاستمدار دانمارکی در حالی بار دیگر به اهانت به قرآن کریم دست زد که پلیس دانمارک پیش‌تر و به دنبال قتل مومیکا در بیانیه‌ای انجام این عمل شنیع را ممنوع اعلام کرده بود.^۱

اولین امام جماعت «علنا» همجنسگرا کشته شد



پلیس آفریقای جنوبی اعلام کرد محسن هندریکس که به عنوان «اولین امام جماعت علنا همجنسگرا» در جهان شناخته می‌شد به ضرب گلوله کشته شد.

به گفته پلیس دو ضاری که چهره خود را پوشانده بودند به سوی خودروی محسن هندریکس در شهر «پورت الیزابت» تیراندازی کردند.

پلیس آفریقای جنوبی گفته که انگیزه این قتل مشخص نیست و تحقیق در این مورد در جریان است. محسن هندریکس که در چند گروه مدافع حقوق دگرباشان جنسی فعالیت می‌کرد در سال ۱۹۹۶ به طور علنی گرایش جنسی خود را فاش کرده بود.

او در سال ۱۹۹۸ اعلام کرد که گردهمایی‌هایی را با حضور مسلمانان همجنسگرا میزبانی می‌کند.

محسن هندریکس امامت نماز در مسجد الغریاء در نزدیکی کیپ‌تاون را برعهده داشت. او گفته بود که این مسجد محلی امن برای مسلمانان دگرباش جنسی و زنانی است که از سوی جامعه طرد شده‌اند. او همچنین بنیان‌گذار سازمان «The Inner Circle» بود که به بررسی چگونگی تطبیق هویت LGBTQ با آموزه‌های اسلامی می‌پردازد. هندریکس سعی می‌کرد برپایه نظریات روان‌شناسی جنسیت بین فقه اسلامی و همجنسگرایی آشتی دهد و کارگاه‌ها و سمینارهایی را درباره پذیرش همجنسگرایان در جوامع مسلمان برگزار می‌کرد.

یک فیلم مستند به نام «رادیکال» در مورد محسن هنریکس و زندگی او در سال ۲۰۲۲ ساخته شده بود. او پیش از این بارها هدف تهدیدهایی قرار گرفته بود.^۱

1 parsi.euronews.com/2025/02/16/worlds-first-openly-gay-muslim-imam-shot-and-killed-in-south-africa

ملاحظه: جز محسن هندریکس، دست کم چهار شخصیت دیگر نیز خود را به عنوان امامان جماعتی که به طور علنی از هویت همجنس‌گرایی خود دفاع کرده‌اند، شناخته می‌شوند:

لودویک-محمد زاهد: یک امام فرانسوی-الجزایری که نخستین «مسجد فراگیر» اروپا را تأسیس کرد که به طور ویژه به مسلمانان LGBTQ اختصاص دارد. او که خود را یک مسلمان همجنس‌گرا معرفی می‌کند، در زمینه پذیرش دگرباشان جنسی در اسلام فعالیت می‌کند و کتاب‌هایی در این زمینه منتشر کرده است. زاهد همچنین در کنفرانس‌های بین‌المللی درباره اسلام و حقوق LGBTQ سخنرانی کرده است.

داعی عبدالله: نخستین امام آشکارا همجنس‌گرای مسلمان در آمریکا که به حمایت از جوامع مسلمان به حاشیه رانده شده می‌پردازد. او پس از تحصیل در رشته حقوق اسلامی، به ارائه خدمات مذهبی به افرادی که به دلیل هویت جنسی خود از سوی دیگر جوامع اسلامی طرد شده‌اند، مشغول شد. عبدالله به‌ویژه در مراسم ازدواج اسلامی برای زوج‌های همجنس‌گرا و مشاوره به خانواده‌های مسلمان LGBTQ نقش فعالی دارد.

نور ورسامی: یک امام استرالیایی سومالی‌تبار که برای حقوق مسلمانان LGBTQ مبارزه می‌کند. او پیش از اعلام علنی هویت همجنس‌گرایی خود، به عنوان امام یک مسجد سنتی فعالیت داشت اما بعدها گرایش جنسی‌اش آشکار شد. ورسامی اکنون به

ارائه حمایت معنوی و روانی به مسلمانانی که میان هویت دینی و جنسی خود در تردید هستند، می‌پردازد و شبکه‌ای از پشتیبانی برای جوانان LGBTQ مسلمان ایجاد کرده است.

فاروق خاکی: یک وکیل، فعال حقوق بشر و امام آشکارا همجنس‌گرای کانادایی است. او به دلیل تلاش‌هایش در حمایت از حقوق افراد LGBTQ در جامعه مسلمانان و به طور کلی‌تر در جامعه، شناخته می‌شود. خاکی که در تورنتو مستقر است، یکی از بنیان‌گذاران «مسجد وحدت» در سال ۲۰۰۹، یک فضای جامع برای مسلمانان LGBTQ و افراد به حاشیه رانده شده، محسوب می‌شود. او در زمینه حقوق مهاجرت و پناهندگی فعال بوده و به‌ویژه از پناهجویان LGBTQ که از آزار و اذیت فرار می‌کنند، حمایت می‌کند.

کلیسا و اتهامات ناتمام جنسی



**رئیس موقت کلیسای انگلستان برای جلوگیری از آزارهای جنسی
وعده اصلاحات داد**



استفان کاترل اسقف اعظم کلیسای انگلیس با اذعان به آسیب‌های ناشی از کوتاهی‌های دوره قبلی ریاست بر کلیسای این کشور — توسط جاستین ولبی- وعده داد سازوکارهای مناسبی برای جلوگیری از تکرار آزارهای جنسی در دستگاه کلیسای کاتولیک انگلیس انجام شود.

«ولبی» در ماه نوامبر اعلام کرد به دلیل رسوایی‌های جنسی و شکست در رسیدگی و جلوگیری از آنها از ریاست کلیسای مادر ۸۵ میلیون آنگلیکن در بیش از ۱۶۵ کشور جهان کنار می‌رود.

کاترل به هیئت حاکمه کلیسا که برای اولین بار پس از استعفای ولبی در لندن گرد هم آمده بود، گفت: «من عمیقاً از شکست هایمان ناامید هستم.»

این اعتراف درحالی بیان شد که سه‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۳ رهبران کلیسای انگلیس درباره ایجاد یک سازوکار فنی و دائمی برای جلوگیری از کوتاهی در گزارش آزارهای جنسی به گفتگو نشستند.

کاترل گفت: می‌دانم که اعتماد شکسته شده و اعتماد آسیب دیده است و من بیشتر از این که بتوانم بگویم متأسفم می‌دانم اشتباهاتی رخ داده است. می‌دانم که اشتباه کرده‌ام.

جلسه اسقف‌های کلیسای انگلیس درحالی برگزار شد که تحقیقات و نظرسنجی‌ها حاکی از آن است که مردم بریتانیا دیگر مثل سابق مذهبی نیستند. این درحالی است که کلیسای کاتولیک در سرتاسر جهان با پرونده‌هایی گاه قدیمی از آزارهای جنسی کودکان و زنان توسط اعضای خود روبه‌رو است.^۱

اتهامات جنسی باعث استعفای یک اسقف دیگر در انگلیس شد



جان پرومبالات اسقف شهر لیورپول با این ادعا که به خاطر اتهامات دروغ توسط رسانه‌ها محاکمه شده، از سمت خود استعفا داد.

این استعفا بحران کلیسای انگلیس را عمیقتر می‌کند. چند ماه پیش بود که جاستین ولبی به عنوان اسقف اعظم کانتربری، رهبر واقعی ۸۵ میلیون مسیحیان انگلیکن در سراسر جهان به خاطر اتهامات مربوط به کم کاری در جلوگیری از آزارهای جنسی در کلیسایش استعفا داد.

در همین حال پرومبالات اتهامات مطرح شده در برنامه تلویزیونی خبری Channel ۴ را رد کرد. در این برنامه او متهم شده بود بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ به یک زن تجاوز کرده و یکی از اسقف‌هایش را مورد آزار جنسی قرار داده است.

پرومبالات، که اهل ایالت کرالای هند است، گفت که استعفای او پذیرش مسئولیت یا تقصیر نیست. وی افزود: «این عجله برای قضاوت و محاکمه من توسط رسانه‌ها (اعم از شبکه‌های اجتماعی یا تلویزیون‌ها) موقعیت من را به دلیل تأثیری که بر اسقف نشین لیورپول و کلیسا خواهد داشت غیرقابل دفاع کرده است.»

پرومبالات، ۵۸ ساله، در سال ۱۹۹۴ به کلیسای شمال هند منصوب شد و سپس به بریتانیا رفت تا در سال ۲۰۰۱ به اسقف روچستر در جنوب انگلیس بپیوندد. او از سال ۲۰۲۳ اسقف لیورپول بود.

گفتنی است کلیسای کاتولیک با پرونده‌های رسوایی جنسی که برخی از آنها بسیار قدیمی هستند مواجهه است. این پرونده‌ها در کشورهایی مثل آمریکا، فرانسه، شیلی، آفریقای جنوبی و آلمان ثبت شده‌اند.^۱

1 fa.shafaqna.com/?p=1975369

دردسر جدید برای نخست وزیر فرانسه؛ نادیده گرفتن گزارش آزارهای جنسی در یک مدرسه کاتولیک



بایرو، یک میانه رو که نه کار که در دسامبر توسط رئیس جمهور فرانسه، امانوئل ماکرون، برای پایان دادن به ماه‌ها بحران سیاسی به مقام نخست وزیری رسید، توسط قانونگذاران احضار شد تا مشخص شود آیا از گزارش‌های خشونت و تجاوز به عنف در «نوتردام دو بتارام» بین دهه ۱۹۷۰ و ۲۰۱۰، اطلاع داشته است یا خیر.

نخست وزیر که در دهه ۱۹۹۰ علاوه بر تصدی پست‌های محلی در «بیرن» وزیر آموزش و پرورش بود، به مجلس ملی گفت که «هیچ زمانی» به او در مورد حوادث ادعایی هشدار داده نشده بود. او در عوض آنچه را «جنگال‌های مصنوعی» توصیف کرد، محکوم کرد.

اما انبوهی از نشریات و وبسایت‌هایی تحقیقاتی در حال انتشار مدارکی هستند که نشان می‌دهد او نه تنها از این رسوایی‌ها اطلاع داشته بلکه در این باره به پارلمان دروغ هم گفته است. در همین حال دادستان‌های فرانسوی در حال بررسی بیش از صد شکایت در مورد خشونت، تجاوز جنسی و آزار جنسی هستند که در این مدرسه شبانه روزی در کوهپایه پیرنه رخ داده است. قدیمی‌ترین اتهامات مربوط به دهه ۱۹۵۰ است.^۱

1 fa.shafaqna.com/?p=1986319



دینا

«توافق دراملانریگ»؛ عادی سازی بارژیم درپوشش «صلح و آشتی»



سه شنبه ۱۱ فوریه ۲۰۲۵، برخی رهبران دینی مسلمان و یهودی انگلیس، توافقنامه‌ای را که برای آشتی مسلمانان و یهودیان امضا کرده بودند، به پادشاه انگلیس، چارلز سوم، در کاخ باکینگهام ارائه کردند. این توافق که برخی رسانه‌ها آن را یادآور «پیمان ابراهیم» دانستند، ماه گذشته در قلعه دراملانریگ به امضا رسید.

از امضاکنندگان یهودی می‌توان به خاخام‌ها سر افرایم میرویس، جاش لوی (یهودیت اصلاح‌گرا)، جاناتان ویتنبرگ (ماسورتی)، چارلی باگینسکی (لیبرال)، موشه روبین (یهودیت ارتدکس) و جوزف دوک (سفاردی) اشاره کرد.

از امضاکنندگان مسلمان نیز می‌توان سید علی عباس رضوی (شیعه)، امام قاری عاصم (سنی، بریلوی)، شیخ محمد اسماعیل (سنی، دیوبندی)، شیخ خلیفه عزت (سنی)، نوشاد جیوراج (اسماعیلی، نماینده شورای آقاخان) و کنانه جمال‌الدین بهائی صاحب (اسماعیلی، بهره) را نام برد.

این توافق که با حمایت نهادهای وابسته به ساختارهای قدرت در انگلستان شکل گرفته، در حالی ادعای صلح و همبستگی دارد که عملاً می‌تواند ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به اشغالگری و نادیده گرفتن حقوق ملت فلسطین باشد.^۱

جنجال‌ها بر سر اصلاحیه قانون «احوال شخصیه» در عراق

در ۲۱ ژانویه ۲۰۲۵ مجلس نمایندگان عراق ۳ لایحه را به صورت یک جا و هم‌زمان تصویب کرد؛ «اصلاح قانون احوال شخصیه (امور حسبی)» ارائه شده از سوی شیعیان، «اصلاح قانون عفو عمومی» ارائه شده توسط اهل سنت و «قانون بازگرداندن زمین‌ها» ارائه شده از سوی کردها. این امر جنجال‌های بسیاری را در فضای سیاسی عراق برانگیخت؛ هرچند این جنجال‌ها بیشتر در خصوص اصلاح قانون احوال شخصیه بود. در ادامه گزارشی تفصیلی از چندی چون این قانون و واکنش‌های نسبت به آن ارائه می‌شود.

¹ [thetimes.com/uk/religion/article/british-muslim-and-jewish-leaders-sign-reconciliation-accord-7nzn9kpw](https://www.thetimes.com/uk/religion/article/british-muslim-and-jewish-leaders-sign-reconciliation-accord-7nzn9kpw)



پیشینه تاریخی

پس از پایان جنگ کریمه در سال ۱۸۵۶ بین روسیه تزاری و امپراتوری عثمانی، دولت عثمانی از کلیسای ارتدکس در مسکو خواست تا قانونی شفاف درباره نحوه برخورد با اتباع مسلمان تدوین کند که پس از شکست عثمانی‌ها، تحت حاکمیت روسیه قرار گرفته بودند. این درخواست باعث شد روس‌ها نیز اقدامی مشابه انجام دهند.

سلطان عبدالمجید برای تدوین قوانین مرتبط، کمیته‌ای متشکل از فقهای حنفی از جمله شیخ علاءالدین عابدین، فرزند صاحب الحاشیه، تشکیل داد و نمایندگان از سه مکتب فقهی دیگر را نیز به عنوان ناظر به این کمیته افزود. نتیجه این تلاش‌ها، انتشار «مجله الاحکام العدلیه» در سال ۱۸۶۹ بود که مجموعه‌ای از قوانین مربوط به معاملات، دعاوی و امور قضایی را در بر می‌گرفت. نظارت بر انتشار این مجله بر عهده

کمیته‌ای علمی در دیوان دادگستری استانبول بود که ریاست آن را احمد جودت پاشا بر عهده داشت. منبع اصلی تدوین این قوانین، کتاب «الاشباه و النظائر» ابن نجیم حنفی بود.

در سال ۱۹۱۷، امپراتوری عثمانی تلاش کرد یک قانون احوال شخصیه واحد تدوین کند که به نام «قانون حقوق خانواده» شناخته شد. این قانون مبتنی بر فقه حنفی بود، اما با مشارکت سه مذهب دیگر نیز تکمیل شد. در سال ۱۹۲۵، به پیشنهاد مرجعیت نجف و مرحوم کاشف الغطاء، مذهب جعفری نیز به این قانون افزوده شد. وی کتاب «تحریر المجلة» را نگاشت و بر اساس این قانون، هر فرد طبق مذهب خود محاکمه می‌شد. شیخ محمدحسین کاشف الغطاء نیز در نقد ماده ۱۸۰ این قانون اظهار داشت که «قضاوت و حاکمیت در مذهب امامیه، منصبی الهی است و ارتباطی به سلطان ندارد».

در عراق، «مجلة الاحکام العدلیة» حتی پس از سقوط امپراتوری عثمانی و اشغال عراق توسط انگلیسی‌ها همچنان در امور مدنی اجرا می‌شد. با تأسیس حکومت ملی در سال ۱۹۲۱ نیز این روند ادامه یافت. سرانجام در سال ۱۹۴۵، کمیته‌ای به ریاست پروفیسور نوری القاضی و عضویت اساتیدی همچون پروفیسور منیر القاضی، پروفیسور منیر شمس، دکتر حسن سمیع التاتار، عبدالجبار التکرلی و محمد حسن کوبا تشکیل شد. این کمیته پس از چهار سال کار، پیش‌نویس قانون مدنی را در سال ۱۹۴۹ به دولت ارائه کرد و این قانون در سی‌ام شعبان ۱۳۷۰ هجری قمری به تصویب مجلس سنا و مجلس نمایندگان رسید و

در روزنامه رسمی «الوقایة» منتشر شد. این قانون شامل ۱۳۸۳ ماده بود و منابع آن عبارت بودند از: «مجلة الاحكام العدلية»، کتاب «مرشد الحیران الى احوال الانسان فی معاملات شرعی» بر اساس نظر ابوحنیفه، فقه اسلامی در مذاهب مختلف و قانون مدنی مصر.

در فاصله سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵، چهار کمیته برای تدوین قانون مدنی عراق تشکیل شد که شامل کمیته‌های ۱۹۳۳، ۱۹۳۵، ۱۹۴۳ و ۱۹۴۵ بودند. دکتر عبدالرازق السنهوری پاشا در دو کمیته ۱۹۳۵ و ۱۹۴۳ حضور داشت اما کار خود را تکمیل نکرد، زیرا عراق را ترک کرد. او تنها چند ماه در سال ۱۹۳۵ و کمتر از یک سال در ۱۹۴۴ در عراق اقامت داشت. بررسی قانون مدنی عراق نشان می‌دهد که بسیاری از مفاد «مجلة الاحكام العدلية» عثمانی همچنان در آن حفظ شده است، تحت تأثیر منیر القاضی، استاد برجسته حقوق در دانشکده حقوق عراق. در عین حال، برخی معتقدند که قانون مدنی عراق بیشتر تحت تأثیر قوانین مصر بوده است.

در نهایت، در ۱۹ دسامبر ۱۹۵۹، قانون احوال شخصیه شماره ۱۸۸ به تصویب رسید. این قانون، دادگاه‌های شریعت حنبلی سنی و جعفری شیعه را با یک نظام حقوقی یکپارچه جایگزین کرد. یکی از عوامل موثر در تدوین این قانون، نریه جودت دیلمی، از وزیران دولت عبدالکریم

قاسم با گرایش کمونیستی و از رهبران جنبش فمینیستی زنان عراق بود.^۱

تصویب این قانون یک پیروزی بزرگ برای کمونیست‌ها و در عین حال ضربه‌ای به مرجعیت دینی محسوب می‌شد. با این حال، این قانون به مرور زمان اصلاح شد و اولین تغییرات در سال ۱۹۶۳ انجام شد. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نیز اصلاحات بیشتری صورت گرفت که عمدتاً شامل افزایش حقوق زنان و کاهش محدودیت‌های طلاق بر اساس قوانین فرانسه و مصر بود.

واکنش علما و حوزه نجف به قانون ۱۸۸- سال ۱۹۵۹

این قانون ۹۴ ماده‌ای که مخالفت آشکاری با شریعت اسلامی داشت اعتراضات علما و حوزه نجف را به همراه داشت. در رأس ایشان، زعیم نجف آیت الله سید محسن حکیم بود که با ارسال نامه‌های مکرر به عبدالکریم قاسم، الغای قانون را مطالبه کرد و سید محمد بحر العلوم را مأمور کرد که ردیه‌ای بر قانون و موارد مخالف با اسلام را گردآوری کند که این مقاله تحت عنوان «أضواء علی قانون الاحوال الشخصية العراقی» در مجله هفتگی حوزه نجف در سال ۱۹۶۳ (ذی القعدة ۱۳۸۲) به چاپ رسید.

۱ زیهه دلیمی از طرف قاسم به عنوان نماینده انحصاری حزب کمونیست عراق در حکومت جمهوری، به سمت وزیر بلیات در کابینه ۱۹۵۹ رسید. او نخستین وزیر زن در تاریخ عراق مدرن و نیز نخستین زن در کابینه دولت‌های جهان عرب بود.

همچنین در زمان نخست‌وزیری حسن البکر هیئتی از علما را همراه با نامه‌ای از ارشادات به دیدار او فرستاد که مهم‌ترین موضوع مطروحه قانون احوال شخصیه بود.

پس از ایشان، دیگر علمای نجف از جمله شیخ مرتضی آل یاسین، شیخ حسین همدانی، شیخ حسین و شیخ مشکور و شیخ عباس رمیثی، شیخ خضر دجیلی، سید علی موسوی خلخالی، سید محمدتقی بحر العلوم و شیخ محمد طاهر آل شیخ راضی ضمن نامه‌ای دست‌جمعی اعتراض خود را اعلام کردند و خواستار لغو این قانون شدند. همچنین در نامه دیگر از سوی شیخ محمد جواد آل شیخ راضی، شیخ محمد ابراهیم کرباسی، سید محمد تقی آل بحر العلوم و شیخ محمد رضا مظفر اعتراض خود را اعلام کردند و خواستار لغو این قانون شدند.

با روی کار آمدن حزب بعث فقط ماده مربوط به ارث تعدیل شد، اما مطالبه علما با اصل قانون همچنان باقی بود.

چالش‌کنونی

یکی از موضوعاتی که در روزهای گذشته در عراق سروصدا به راه انداخته اصلاحاتی بر قانون احوال شخصیه است. این چهارمین بار است که این اصلاحات برای این قانون مطرح می‌شود و در سال‌های ۲۰۱۴، ۲۰۱۷ و ۲۰۲۱ هم تلاش‌هایی از سوی برخی از نمایندگان مجلس

صورت گرفته بود، اما با فشار و اعتراضات احزاب و فعالان حقوق زنان این تلاش با شکست مواجه شد.^۱

قانون احوال شخصیه ۱۹۵۹^۲، قانونی است که به طور یکسان و بدون توجه به وابستگی‌های دینی برای همه عراقی‌ها اجرا می‌شود. اما اصلاحات جدید در یکی از بندهای آن نشان می‌دهد که مردان و زنان عراقی می‌توانند حق انتخاب داشته باشند: آن‌ها می‌توانند قوانین شیعه یا سنی را که شامل تمامی مسائل احوال شخصیه است، انتخاب کنند یا به جای آن، قانون مدنی فعلی را برگزینند.

از زمان مطرح شدن بحث اصلاح قانون احوال شخصیه، چندین بار این موضوع به میان آمده اما هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده است. در ۲۴ جولای ۲۰۲۴، ائتلاف شیعی مجلس، اصلاحیه‌ای را برای تصویب در اولین جلسه مجلس ارائه کرد^۳ که با انتقادات شدید فعالان سیاسی و اعتراضات مردمی مواجه شد و در نتیجه، مجلس ناچار به تعویق این اصلاحات شد.^۴

هزاران فعال عراقی در قالب کمپین «ائتلاف ۱۸۸» علیه این اصلاحیه واکنش نشان دادند و از هشتگ «#لا_لتعديل_قانون_الأحوال_الشخصية» برای بیان خطرات این قانون استفاده کردند. در همین راستا، چارچوب هماهنگی بیانیه‌ای صادر کرد که در آن تأکید شد

1 rudaw.net/english/middleeast/iraq/040820243

2 refworld.org/legal/legislation/natlegbod/۱۹۵۹/en/۱۲۲۵۳۴

3 rudaw.net/english/middleeast/iraq/30072024

4 eremnews.com/news/arab-world/haq3s6z

پیش‌نویس قانون به مسائل مربوط به شرایط خاص هر فرقه یا مذهب پرداخته و قانون قابل اجرا را لغو نمی‌کند و این اصلاحات مطابق با قانون اساسی است که آزادی انتخاب عراقی‌ها را تضمین می‌کند، به شرطی که با اصول شریعت و دموکراسی سازگار باشد.^۱

به نظر می‌رسد بیشتر احزاب شیعی خواستار این اصلاحات هستند، زیرا معتقدند قانون فعلی برای اکثریت مذهبی عادلانه نیست. اما اغلب احزاب اهل تسنن و کردها موضع روشنی در این زمینه ندارند. مخالفان این طرح به از بین رفتن حقوق زنان در مسائل ازدواج و ارث اشاره می‌کنند و یکی از نگرانی‌های اصلی، احتمال ترویج کودک‌همسری است. با این حال، حامیان اصلاحات، از جمله سید رشید حسینی، تأکید می‌کنند که در متن اصلاحات به کودک‌همسری اشاره‌ای نشده و وقوع چنین چیزی در جامعه بسیار نادر است.

قانون فعلی سن ازدواج زیر ۱۸ سال یا زیر ۱۵ سال را بر اساس رأی قاضی ممنوع می‌کند و افرادی که زیر این سن ازدواج غیررسمی می‌کنند، از حقوق ازدواج خود محروم می‌شوند. اما در این اصلاحات، حقوق این دختران حفظ می‌شود.

حامیان معتقدند که این قانون به عراقی‌ها حق انتخاب می‌دهد تا امور احوال شخصیه خود را بر اساس قانون فعلی یا بر اساس فقه جعفری و حنفی تنظیم کنند و این امر نماد دموکراسی است و به تبعیض علیه افرادی که می‌خواهند دین را بر زندگی خود حاکم کنند، نمی‌انجامد.

اصلاحات فعلی بر اساس اصل ۲ و ۴۱ قانون اساسی صورت گرفته و از نظر حقوق مذهبی و دینی با قانون اساسی سازگار است و به همین دلیل، نه تنها مغایر با قوانین عراق نیست، بلکه از نظر قانونی ضروری نیز به نظر می‌رسد.



واکنش علما و حوزه علمیه نجف

در روزهای اخیر، اساتید و شخصیت‌های بزرگ حوزه نجف نیز در فضای حقیقی و مجازی موضع‌گیری کردند و خواستار اصلاح قانون احوال شخصیه شدند. از جمله این بزرگواران می‌توان به سید محمد جعفر حکیم، سید حمید غریفی، سید رشید حسینی، سید علا موسوی هندی و سید احمد اشکوری اشاره کرد.

مداخله‌جویی‌های خارجی

سفیر آمریکا در عراق، خانم رومانوسکی، در توییتری نوشت: «ما نگران اصلحیه‌های پیشنهادی در قانون احوال شخصیه عراق هستیم که حقوق زنان و کودکان را تضعیف می‌کند. از عراقی‌ها می‌خواهیم در گفت‌وگوهای مدنی شرکت کنند که به آزادی مذهب و حقوق زنان و کودکان احترام می‌گذارد.» این اظهارات با اعتراضات زیادی مواجه شد و برخی این دخالت را به عنوان نقض حاکمیت عراق محکوم کردند.^۱

اتحادیه اروپا نیز اعلام کرد که قوانین مدنی در عراق باید بر اساس قوانین بین‌الملل باشد و در صورت تصویب قانون احوال شخصیه، روابط دیپلماتیک خود را با عراق کاهش خواهند داد و تهدید به اعمال تحریم کردند.^۲

واکنش احزاب سیاسی

احزاب اهل سنت در برابر این قانون منفعل بودند، اما برخی رهبران دینی سنی، مانند عبدالستار عبدالجبار، خطیب مسجد ابوحنیفه النعمان، مخالفت خود را به صراحت بیان کردند.^۳ او به تصویب قانون عفو عمومی اشاره کرد که هدف آن آزادی افرادی بود که به اتهام همکاری با تروریست‌ها در زندان بودند، و برخی نمایندگان سنی نیز به نمایندگان

۱ من جمله بیانیه دکتر عبدالهادی حکیم

۲ عباس الجبوری _ عضو کمیسیون روبات خارجی مجلس

شیعی گفته بودند که اگر به قانون عفو عمومی رأی مثبت دهند، آنها نیز به اصلاحات احوال شخصیه رأی خواهند داد.

نچيروان بارزانی، نخست وزیر اقلیم کردستان عراق، با این اصلاحات مخالفت کرد و بر اهمیت احترام به حقوق کودکان و حق ادامه تحصیل آنها تأکید کرد.^۱

اما بیشتر احزاب شیعی، به ویژه حزب الدعوه به رهبری نوری مالکی، خواستار تصویب این قانون بودند. مالکی در بیانیه‌ای گفت که اصلاح قانون احوال شخصیه به معنای تثبیت آزادی فرد عراقی و حق انتخاب برای تنظیم وضعیت شخصی‌اش است.

رائد المالکی، نماینده حزب الدعوه و نویسنده پیشنهاد اصلاحیه، اعلام کرد که مفاد قانون شامل دو بخش خواهد بود: یکی برای فقه جعفری و دیگری برای فقه اهل سنت. او تصریح کرد که این قانون وحدت قوه قضائیه را حفظ می‌کند و محاکم موازی ایجاد نخواهد کرد.

در تاریخ ۲۱ ژانویه ۲۰۲۵، سه قانون عفو عمومی، اصلاح قانون احوال شخصیه و اعاده اراضی مصادره شده به صورت یکجا به تصویب پارلمان رسید. از آنجا که احزاب سنی خواستار عدم اجرای این قانون برای اهل سنت بودند، قانون احوال شخصیه تنها برای شیعیان تصویب شد.

روزهای سخت مفتی اعظم سابق سوریه



پس از آشکار شدن احمد بدرالدین حسون، مفتی اعظم سابق سوریه در مناظر عمومی برای اولین بار پس از چند ماه در شهر حلب، شماری از مدافعان جولانی مقابل منزل او تجمع کرده و خواستار دستگیری و محاکمه او شدند.

فعالان سوری حسون را به دست داشتن در کشتار مردم سوریه از طریق حمایت از رژیم بشار و صدور فتوای قتل متهم می‌کنند. وی که پس از مدت‌ها غیبت در شهر حلب در شمال این شهر ظاهر شد و با یکی از معترضان ظاهراً در خانه‌اش صحبت کرد و سپس یکی از افراد حاضر خطاب به احمد حسون گفت: «جناب مفتی بشکه‌های آتش‌زا».

او در پاسخ با ادعای اینکه نامش مفتی بشکه‌های آتش‌زا است، گفت: نام من دکتر احمد حسون است و در دوران حکومت اسد (۳ مرتبه) دستگیر شده است. سپس تعدادی از معترضان به خانه حسون

هجوم آورده و در خانه‌اش را شکستند و شروع به جستجوی خانه وی کردند.

این اتفاق همزمان با راه‌اندازی یک کمپین امنیتی توسط اداره کل امنیت سوریه برای تعقیب بقایای رژیم سابق که منجر به دستگیری دست‌اندرکاران اقدامات علیه غیرنظامیان در محله معروف التضامن در دمشق شد، صورت گرفت.

ملاحظه: احمد بدرالدین حسون در سال ۱۹۴۹ در حلب به دنیا آمد و از سال ۲۰۰۵ سمت مفتی اعظم سوریه را بر عهده داشت تا اینکه این سمت به در سال ۲۰۲۱ لغو شد. حسون که دارای مدرک لیسانس ادبیات عرب و دکترای فقه شافعی از دانشگاه الازهر است، قبلاً در سال ۲۰۰۲ به مفتی حلب منصوب شده بود و به دلیل حضور مکرر در کنار بشار اسد و دفاع از سیاست‌های وی، برخی مردم سوریه او را «مفتی بشکه‌های آتش‌زا» که بشار اسد مناطق مسکونی را با آنها بمباران می‌کرد، ملقب کردند.



غزه کولا؛ هر جرعه یک کنش مقاومت



«Gaza Cola»؛ این یک شوخی نیست، بلکه خبری مهم در تحولات سبک زندگی مقاومتی و کنشگری مسلمانان در اروپا است. در برابر سلطه جویی رژیم صهیونیستی و حمایت‌های دولت‌های مختلف از آن و همچنین نظم بازاری که همواره منافع خاصی را تأمین کرده است، کالاهای وابسته به صهیونیست‌ها و برندهای مطرح آن‌ها طی دو سال گذشته هدف تحریم مسلمانان ایتالیا و اروپا بوده‌اند. اما معرفی جایگزین واقعی و البته نمادین برای آن‌ها، خبری تازه است.

با نزدیک شدن به ماه رمضان، غزه کولا با پیامی روشن وارد ایتالیا می‌شود: «با اخلاق و پایدار بنوشید، از بازسازی غزه حمایت کنید و حمایت مالی از کسانی که از اشغال و آپارتاید حمایت می‌کنند را متوقف کنید.»

نماد مقاومت و همبستگی

غزه کولا فقط یک نوشیدنی گوارا نیست، بلکه نمادی واقعی از مقاومت و آزادی برای مردم فلسطین است. این ابتکار که در سال ۲۰۲۳ توسط اسامه قاشو، فعال فلسطینی، بنیان‌گذاری شد، با هدف ارتقای استقلال اقتصادی فلسطین و اختصاص سود آن به بازسازی بیمارستان الکرامه، که در اثر بمباران‌های اسرائیل در شمال نوار غزه ویران شده، شکل گرفت. قاشو در مصاحبه‌ای با رادیو پوپولار گفت: «غزه کولا می‌خواهد جایگزینی مشخص برای شرکت‌های چندملیتی باشد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از اشغالگری اسرائیل حمایت می‌کنند.» این ایده به سرعت گسترش یافت و از طریق شبکه‌ای از فعالان، مصرف‌کنندگان آگاه و حامیان آرمان فلسطین، حمایت بین‌المللی پیدا کرد.

یک موفقیت بین‌المللی، رمضانی همراه با همبستگی

به گزارش الجزیره، پس از راه‌اندازی در بریتانیا، جایی که توجه بسیاری از فعالان و طرفداران مصرف اخلاقی را به خود جلب کرد، غزه کولا اکنون آماده ورود به بازار ایتالیا است. این ابتکار همچنین مورد توجه گسترده رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفته و گاردین در گزارشی به مأموریت بشردوستانه و تأثیر اجتماعی آن پرداخته است. ورود غزه کولا به ایتالیا هم‌زمان با آغاز ماه رمضان خواهد بود، ماه روزه‌داری، تأمل و همبستگی. نوشیدن غزه کولا هنگام افطار نه تنها لذت‌بخش خواهد بود، بلکه به کنشی عملی در حمایت از مردم فلسطین تبدیل خواهد شد.

گاردین در گزارشی درباره این نوشیدنی جدید در اروپا می‌نویسد: «Gaza Cola» بر روی قوطی با خط عربی نوشته شده و طرحی از چفیه فلسطینی به عنوان نماد مقاومت روی آن نقش بسته است. نکته جالب این است که طراح و مبتکر این نوشابه، خود علاقه‌ای به نوشیدنی‌های گازدار ندارد. قاشو، غزه کولا را رسانه‌ای برای پیام مقاومت معرفی می‌کند و می‌گوید: «این بیانیه‌ای است علیه شرکت‌های خصوصی که در تجارت مسلحانه سرمایه‌گذاری می‌کنند. ما باید از آن‌ها کرامت و شرافت مطالبه کنیم. باید بدانیم که پولمان چه تأثیری دارد، چراکه طمع آن‌ها باعث نابودی خانه‌ها و محیط زیست ما شده و به نسل‌کشی ما انجامیده است.»

قاشو از مدافعان جنبش بایکوت، انقطاع و تحریم (BDS) است. او در سال ۲۰۰۱ جنبش همبستگی بین‌المللی (ISM) را تأسیس کرد و در سال ۲۰۱۰ در ناوگان آزادی غزه شرکت داشت. اصالتاً اهل نابلس در کرانه باختری است، اما بیش از ۱۸ سال پیش مجبور به ترک فلسطین شد، درحالی‌که تحت تعقیب نیروهای اشغالگر قرار داشت و بارها زندانی و شکنجه شد. او اکنون در بریتانیا زندگی می‌کند. سال گذشته، او «خانه فلسطین» را در مرکز لندن تأسیس کرد؛ مرکزی سیاسی و فرهنگی برای فلسطینیان و حامیان‌شان که بتوانند در آن «بدون شرمندگی فلسطینی باشند.»

با خرید هر قوطی، به بازسازی بیمارستان الکرآمه کمک کنید

بخشی از درآمد حاصل از فروش هر قوطی غزه کولا به بازسازی بیمارستان الکرآمه و سایر طرح‌های بشردوستانه در نوار غزه اختصاص خواهد یافت. رسانه‌های مرتبط با جوامع مسلمان گزارش داده‌اند که در عصری که مصرف‌کنندگان بیش از پیش به اخلاقیات محصولات اهمیت می‌دهند، غزه کولا گزینه‌ای آگاهانه برای کسانی است که می‌خواهند از تأمین مالی حامیان اشغال و آپارتاید خودداری کنند.

تبلیغ این نوشابه با یک شعار جذاب همراه شده است: «با غزه کولا، هر جرعه یک کنش مقاومت است. رمضان ۲۰۲۵ با عدالت، آزادی و امید همراه خواهد بود.»^۱

1 farhangemelal.icro.ir/news/23075

نگاه مرحوم نجم الدین اربکان به انقلاب اسلامی ایران؛ پنجره‌ای به سوی آرمان سعادت بشری

مرحوم پروفیسور نجم الدین اربکان به عنوان یکی از معماران تاریخی ترکیه نوین، انقلاب اسلامی را گامی بزرگ در مسیر رسیدن به آرمان سعادت بشری می‌دانست. او انقلاب اسلامی را اقدامی در راستای تحقق حق در مبارزه با طاغوت می‌دانست و همواره از دوستان و شاگردانش می‌خواست که بدون تأخیرپذیری از فرازونشیب‌های سیاسی روزمره، مسئله حقانیت انقلاب اسلامی را از یاد نبرند.



مرحوم پروفیسور نجم الدین اربکان (۱۹۲۶-۲۰۱۱)، سیاستمدار اهل ترکیه، نقش بسیار مهمی در تاریخ سیاسی معاصر این کشور ایفا کرد. او به عنوان رهبر جنبش اسلام‌گرایی در ترکیه شناخته می‌شود و تأثیر عمیقی بر تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور گذاشت. اربکان به

عنوان یکی از پیشگامان تأسیس احزاب اسلامی در ترکیه شناخته می‌شود. در سال ۱۹۷۰، حزب نظام ملی را تأسیس کرد که به دلیل فعالیت‌های اسلام‌گرایانه‌اش توسط دولت تعطیل شد. پس از آن، در سال ۱۹۷۲، حزب سلامت ملی را تأسیس کرد که آن نیز به همان سرنوشت دچار شد. این احزاب، هسته اولیه جنبش اسلام‌گرایی در ترکیه بودند و تأثیر زیادی بر رشد و توسعه این جنبش در دهه‌های بعد داشتند.

اربکان با تأسیس احزاب اسلامی و رهبری جنبش اسلام‌گرایی، توانست بخشی از جامعه ترکیه را که به دنبال ارزش‌های اسلامی بودند، به عرصه سیاست وارد کند. این امر باعث شد که احزاب سکولار سنتی در ترکیه مجبور به رقابت با احزاب اسلام‌گرا شوند و به تدریج از مواضع لائیک‌سیتی خود عقب‌نشینی کنند. اربکان در دوران نخست‌وزیری‌اش تلاش کرد تا روابط ترکیه با کشورهای اسلامی را گسترش دهد و از منتقدان سیاست‌های غرب‌گرایانه ترکیه بود. او خواستار تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور به سمت کشورهای اسلامی بود. در طول حیات سیاسی خود، اربکان بارها با کودتاهای نظامی مواجه شد. در سال ۱۹۹۷، ارتش ترکیه با انجام کودتایی به نام کودتای ۲۸ فوریه، دولت او را سرنگون کرد. با این حال، اربکان و هوادارانش به مبارزه خود ادامه دادند و توانستند در سال‌های بعد دوباره به عرصه سیاست بازگردند.

میراث سیاسی اربکان هنوز هم در ترکیه زنده است. حزب سعادت که توسط شاگردان او تأسیس شده، همچنان یکی از احزاب مهم اسلام‌گرای ترکیه است و بسیاری از سیاستمداران و رهبران فعلی ترکیه از پیروان او به شمار می‌آیند. در مجموع، نجم‌الدین اربکان یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ سیاسی معاصر ترکیه بود که نقش مهمی در شکل‌دهی به تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور ایفا کرد. نقش او به عنوان رهبر جنبش اسلام‌گرایی در ترکیه، باعث شد که بخشی از جامعه این کشور به عرصه سیاست وارد شود و تأثیر عمیقی بر سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه بگذارد. با توجه به اهمیت اربکان در تاریخ سیاسی ترکیه، نوع نگاه او به انقلاب اسلامی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

انقلاب اسلامی در ایران در شرایطی محقق شد که تقریباً هیچ کس در ترکیه احتمال وقوع این انقلاب را نمی‌داد. جریان اسلامی ترکیه توجه خود را به سمت جهان عرب جلب کرده و در تلاش برای استفاده از منابع فکری آن بود. همچنین، جریان اسلامی شبه‌قاره از دیگر منابع فکری آنان بود. در چنین شرایطی، در حالی که جناح اسلامی ترک از وجود مسلمانان و جریان اسلامی در ایران بی‌خبر بود، به یکباره تلویزیون‌های ترک و نشریات جهان، موضوع انقلاب اسلامی ایران را در صدر اخبار خود قرار دادند. اکنون جریان اسلامی ترک با ایرانی مواجه بود که متدینان و متشرعان در پی ایجاد یک نظام الهی مبتنی بر اسلام بودند، که این

مسئله آرمانی‌ترین حالت برای مسیرپیش روی جریان اسلامی به شمار می‌آمد.

رهبری انقلاب اسلامی در ایران به دست یک فقیه و با شعار اصلی و نمادین «الله اکبر» و «لا اله الا الله» بود و انسان‌هایی با ظواهر دینی، بدنه اصلی آن انقلاب به شمار می‌آمدند. این تحول، تحولی نبود که جریان اسلام‌گرای ترک بتواند از آن برکنار بماند، به ویژه در دوره‌ای که خود وارد سیر صعودی شده بود. در همان روزهای آغازین ظهور جدی نهضت اسلامی در ایران، جریان «آکینچی» به عنوان یکی از زیرشاخه‌های جوانان جریان اسلامی ملی گوروش، تحت رهبری مرحوم پروفیسور نجم‌الدین اربکان، به صورت خودجوش تبدیل به شاخه‌ای از نیروهای انقلاب اسلامی ایران در ترکیه شد. به طوری که همزمان با وقوع انقلاب اسلامی، جوانان این انجمن با اشغال کنسولگری ایران در استانبول آن را برای تحویل به دولت انقلاب اسلامی در تصرف خود گرفتند.

این انجمن با فعالیت‌های میدانی خود به تبلیغ انقلاب اسلامی در ترکیه پرداخت و اقداماتی چون راهپیمایی، دیوارنویسی و تکثیر پوستر و اطلاعیه از جمله کارهای معمول آن بود. در چنین شرایطی، «متین یوکسل» نخستین شهید انقلاب اسلامی در ترکیه، که دبیرکل انجمن آکینچی و از رهبران شاخه جوانان حزب سلامت ملی بود، پس از ادای نماز در مسجد فاتح، به دست جریان‌های لائیک ترور و شهید شد.

در همین دوره، روزنامه «ملی گازته»، ارگان جریان ملی گوروش و پرتیراژترین نشریه توده‌های متدین، به اصلی‌ترین سخنگوی جریان

انقلاب اسلامی در ترکیه تبدیل شد که دفاع از انقلاب اسلامی ایران در این نشریه پس از بیش از چهل سال همچنان تداوم دارد.

در همان هفته‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، ده‌ها تن از جوانان انقلابی جریان ملی گوروش برای حضور در سخنرانی‌های امام خمینی و مشاهده وضعیت میدانی به شهرهای مختلف ایران سفر کردند و حتی در برخی موارد، تورهایی برای زیارت امام خمینی در حسینه جماران در میان جوانان این جریان آغاز شد. پروفیسور نجم‌الدین اربکان نیز به عنوان رهبر جریان ملی گوروش از همان آغاز، حمایت خود را از انقلاب اسلامی ایران اعلام و آن را نه تنها در ترکیه، بلکه در ساختارهای اسلام‌گرای ترک‌های مقیم اروپا نیز اظهار کرد. او علاوه بر نقش عمده و حساسی که در جلوگیری از نفوذ جریان وهابیت در میان اهل سنت اروپا داشت، در شکل‌گیری تجمعات و راهپیمایی‌های انقلابی مانند روز قدس در اروپا نیز نقشی کلیدی ایفا کرد.

مهم‌ترین ویژگی نگاه اربکان به انقلاب اسلامی، نگاه تمدنی و تاریخی است. او که در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی به دفاع بنیادین از این انقلاب و نظام برآمده از آن پرداخته بود، از طرف جریان سنی‌گرای جامعه اسلامی متهم به همکاری با «روافض» و از سوی جریان ملی‌گرای لائیک به هم‌پیلگی با «عجم‌های دائم‌الفتنه» شد. او در همه این سال‌ها با مقاومت در برابر جریان‌های داخلی و خارجی که او را به حمایت نکردن از انقلاب اسلامی ایران تشویق می‌کردند، نشان داد که نگاه او به انقلاب اسلامی و ایران نگاهی صرفاً سیاسی نیست. او انقلاب

اسلامی را یکی از حوادثی می‌دانست که راه را برای نظم نوین جهانی مبتنی بر حق و حقانیت در برابر نظم مستقر مبتنی بر ظلم و استضعاف باز می‌کند.

با توجه به مسیر سیاسی اربکان و ماجراهای سیاسی داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی در ترکیه در دهه‌های هشتاد و نود میلادی، می‌توان با اطمینان ادعا کرد که اگر اربکان حاضر به عدول از مبانی خود و در نتیجه برگشتن از همراهی با انقلاب اسلامی و دفاع از آن می‌شد و به سمت یک مدل سنی‌گرا به جای اسلام‌گرا و همچنین یک فرد ناسیونالیست دیگرسنیز به جای امت‌گرا حرکت می‌کرد، می‌توانست یکی از دراز عمرترین حاکمیت‌ها را در تاریخ سیاسی ترکیه داشته باشد. اما او به قیمت حیات سیاسی خود، حاضر به عدول از حق و حقانیت نشد.

او در حالی نخستین سفر رسمی خود را به عنوان نخست‌وزیر ترکیه به ایران انجام داد که سفر به آمریکا یا اروپای غربی، سنت سفرهای اول نخست‌وزیران ترکیه بود. نکته جالب ماجرا این است که او آخرین سفر حیات خود را نیز به ایران انجام داد و در این سفر در پاسخ به پرسش یک خبرنگار که پرسید: «هدف شما از سفر به ایران با این وضعیت جسمی و خیم چیست؟» تأکید کرد که بایک چمدان دارو و دو پزشک همراه، عازم تهران است و اگر لازم باشد، سینه‌خیز خود را به ایران می‌رسانیم و نظراتمان را با آنان در میان می‌گذاریم. او بارها در میان شاگردان خود تأکید کرده بود که فارغ از مسائل سیاسی روزمره که در هر حاکمیتی

می‌تواند رخ دهد، جریان انقلاب اسلامی جریانی برحق است و باید چنین تصور کنید که ما خودمان در ایران در قدرت هستیم.

او حتی زمانی که از قدرت برکنار مانده بود، از دولت ترکیه می‌خواست تا در موارد مختلف و خصوصاً در مسائل تحریم‌ها و فشارها به ایران، در کنار ایران باشد. از نظر او، فشار به ایران و تلاش جریان صهیونیسم بین‌الملل برای زمین زدن ایران، نتیجه‌ای جز به کام فتنه‌کشاندن خود ترکیه نخواهد داشت و ترکیه حتی اگر تنها برای منافع مادی و سیاسی خود هم باشد، باید در برابر غرب و آمریکا از ایران دفاع کند.

پس از جنگ عراق، با بالا گرفتن احتمال حمله آمریکا به ایران، او درباره همراهی احتمالی ترکیه با آمریکا در فشار به ایران هشدار داد و عواقب آن را برای خود ترکیه بسیار خطرناک دانست. با تشدید بحران هسته‌ای و آغاز تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران، او در جایگاه یک رهبر سیاسی جناح مخالف، از دولت ترکیه خواست تا در برابر فشارهای آمریکا به ایران در موضوع هسته‌ای، مسئله سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل و خطرات آن را برای صلح در خاورمیانه مطرح کند. اربکان با آغاز مسئله بهار عربی و جنگ داخلی در سوریه، با هشدار درباره ورود دولت ترکیه به مسئله سوریه تأکید کرد که هدف اصلی از این جنگ ناامن کردن ترکیه و ایران و رودررو قرار دادن این دو دولت است تا به این ترتیب، با استفاده از فضای تروریستی موجود در سوریه، به سمت تجزیه این دو کشور و تقویت اسرائیل حرکت شود.

اربکان اساساً ایران را به دلیل استقلال رأیی که در نظام جهانی دارد و با توجه به پتانسیل‌های بالای این کشور، تنها کشوری می‌دانست که می‌توان بر روی برادری آن حساب کرد و تلاش داشت با همکاری ایران در مسیر هدف آرمانی امت اسلامی و اتحاد اسلامی گام بردارد. او در دیداری که با آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۵ داشت، تأکید کرد که «در این برهه حساس، جمهوری اسلامی ایران و ترکیه مسئولیت سنگینی را متوجه خود می‌دانند و ما مصمم هستیم که اثبات کنیم برادری اسلامی یک خیال واهی نیست و عامل بسیار مهمی در کلیه زمینه‌ها محسوب می‌شود. ایران و ترکیه با همکاری همه‌جانبه خود، الگویی از اتحاد و برادری اسلامی را به روشنی نشان خواهند داد. ما از پیشرفت‌های مهمی که در ایران به‌ویژه در زمینه صنایع دفاعی به دست آمده بسیار خوشحالیم و خرسندیم که مسئولان و مدیران این کشور اسلامی، ثروت و منابع عظیم آن را در راه منافع ملت خود به کار گرفته‌اند و گام‌های بلندی در راه پیشرفت خود برداشته‌اند.»

برای فهم نوع نگاه مرحوم اربکان به انقلاب اسلامی، توجه به یکی از خاطرات او که در آخرین سفر حیات خود به ایران بیان کرده است، جالب خواهد بود. این سفر از آن رو که در سال پایانی حیات او و البته آخرین سفر عمرش بود، اهمیت قابل توجهی دارد. او در این سفر تلاش کرد تا دیدگاه‌های مهم خود را در زمینه‌های راهبردی با مقامات و کارشناسان ایرانی در میان بگذارد. اربکان در این سفر ده روزه با حضور در تهران و قم با مقامات مختلف ایرانی دیدار کرد و ضمن روایت بخش‌های قابل

توجهی از تحرکات آمریکا برای برهم زدن روابط ترکیه و ایران، بر لزوم نگاه تمدنی به مسئله انقلاب اسلامی و تلاش برای پیشرفت آن و جلوگیری از انحراف و رفع کاستی‌های آن سخن گفت.

او در سخنرانی خود در مرکز پژوهش‌های استراتژیک وزارت خارجه، خاطره جالبی از نوع رویکرد آمریکا به مسئله روابط ایران و ترکیه ارائه می‌دهد: «روز ۲۸ ژوئن ۱۹۹۶ با کسب رأی اعتماد مجلس با عنوان نخست‌وزیر کارم را آغاز کردم و پس از نشستن بر صندلی نخست‌وزیری، نخستین کسی که درخواست ملاقات رسمی داد و به دیدارم آمد، سفیر آمریکا در آنکارا بود. او گفت: «ما می‌دانیم که آرمان شما اسلام است و اکنون هم نخست‌وزیر شده‌اید. ما از این حادثه ناراضی هستیم، ولی مجبوریم با شما کار کنیم. دلیل حضور من در اینجا این است که به شما بگویم ما می‌توانیم با شما همکاری داشته باشیم، ولی شش شرط داریم؛ ۱. روابط تجاری‌تان با ایران نباید از مرز پنجاه میلیون دلار بیشتر شود؛ ۲. نباید به ایران سفر کنید؛ ۳. نباید کاری با پایگاه‌های آمریکا در ترکیه داشته باشید؛ ۴. نباید در مسیر افزایش حجم تجاری با دیگر کشورهای مسلمان حرکت کنید؛ ۵. نباید نیروهای چکش ناتو (در عملیات خلیج فارس) را از کشور اخراج کنید؛ ۶. خط نفت عراق را باز نکنید. در تاریخ عثمانی صدراعظم مشهوری به نام علی پاشا وجود دارد که این جمله معروف از اوست: «من هر زمان که نیت یک کار مهم را داشته باشم، ابتدا با سفیر روسیه مشورت می‌کنم؛ او هر چه بگوید، من هم دقیقاً عکس آن را انجام می‌دهم.» من هم از همین منطق پیروی

کردم و در مسیر اقداماتی که ضد تمام موارد و شروط سفیر آمریکا بود، حرکت کردم؛ برای همین، نخستین سفر رسمی‌ام با سمت نخست‌وزیری به ایران بود. او گفته بود نباید حجم روابط تجاری‌تان با ایران بیشتر از پنجاه میلیون دلار باشد؛ ما هم یک قرارداد گازی بستیم که تنها ارزش همان یک قرارداد ۲٫۵ میلیارد دلار شد و اعلام کردم که حجم تجاری میان ترکیه و ایران نه ده یا بیست میلیارد، بلکه باید معادل حجم تجاری میان فرانسه و آلمان باشد و مراوده تجاری ما به همان میزان مراوده تجاری آن‌ها خواهد بود. «وارن کریستوفر» وزیر امور خارجه آمریکا، پانزده روز پس از این اقدامات در یک تلگرام محرمانه به «گروسمان»، سفیر آمریکا در آنکارا (که هر دو یهودی بودند) تأکید کرد که هر چه لازم است انجام دهید تا حزب رفاه در نتیجه یک کودتای نظامی از قدرت کنار گذاشته شود. این تلگرام محرمانه با استفاده از سیستم امنیتی‌ام در اختیار من قرار گرفت.»

مرحوم اربکان یک سال پس از این مقاومت در برابر خواسته‌های آمریکایی‌ها، با کودتای ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ از قدرت برکنار شده و محکوم به ممنوعیت فعالیت سیاسی شد.^۱

«زرتشت یک کرد بود!»: نوزرتشت‌گرایی در میان کردهای عراقی

نویسنده: ادیت سزانتو - دانشگاه آمریکایی عراق، سلیمانیه^۱



چکیده

برخی از کردها پس از سقوط موصل در سال ۲۰۱۴ و در واکنش به خشونت‌های داعش، از اسلام روی برگرداندند. بسیاری از آنها به بی‌دینی روی آوردند، در حالی که برخی دیگر به زرتشت‌گرایی پناه بردند. به گفته نوکیشان، زرتشت‌گرایی دین «اصیل» کردها پیش از گرویدن آنها به اسلام بود. در سال ۲۰۱۵، دو مرکز زرتشت‌گرایی در سلیمانیه افتتاح شد

1 Szeanto, E. (2018). "Zoroaster was a Kurd!": Neo-Zoroastrianism among the Iraqi Kurds. *Iran and the Caucasus*, 22(1), 96-110. doi.org/10.1163/1573384X-20180108

که هر دو توسط دولت منطقه‌ای کردستان در شمال عراق به رسمیت شناخته شده‌اند. قابل توجه است که هیچ یک از این مراکز سعی نکرده‌اند زرتشت‌گرایی را به شکلی که در حال حاضر و در طول تاریخ در ایران و جنوب آسیا اجرا می‌شود، بازسازی کنند. در عوض، آنها نسخه‌های خود از زرتشت‌گرایی را ایجاد کرده‌اند که ملی‌گرایانه، پست‌مدرن و لیبرال است. زرتشت‌گرایان کرد استدلال می‌کنند که دلیل «عقب‌ماندگی» کردها اسلام است. آنها سعی دارند با بازگشت به شکل «اصلی» و «معتبر» زرتشت‌گرایی کردی، وضعیت فعلی را اصلاح کنند. این مقاله با استفاده از کار میدانی قوم‌نگارانه در این دو مرکز، به بررسی این جنبش مذهبی جدید در سلیمانیه، شهری مهم در منطقه کردستان شمال عراق، می‌پردازد. این مقاله به تحلیل ظهور و تمایز زرتشت‌گرایی کردی می‌پردازد و نحوه بیان دیدگاه‌های زرتشت‌گرایان کرد در مورد اسلام، حقوق زنان، حقوق بشر و استقلال کردستان را بررسی می‌کند.

مقدمه

برخی از کردها پس از سقوط موصل در سال ۲۰۱۴ و در واکنش به خشونت‌های داعش، از اسلام روی برگرداندند. بسیاری از آنها به بی‌دینی روی آوردند، در حالی که برخی دیگر به زرتشت‌گرایی پناه بردند (فتاح ۲۰۱۵؛ لطیف ۲۰۱۵؛ خلیل ۲۰۱۶؛ سلوم ۲۰۱۶؛ نورینک ۲۰۱۷). به گفته نوکیشان، زرتشت‌گرایی دین «اصلی» کردها پیش از گرویدن آنها به اسلام بود. ادعای ریشه‌های زرتشت‌گرایی به موازات جنبش‌های ملی‌گرایانه کردی

مطرح شده است. ظهور نوزرتشت‌گرایی به ویژه در پرتو تحولات اخیر، از جمله افتتاح دو مرکز زرتشت‌گرایی در سلیمانیه در سال ۲۰۱۵ که هر دو توسط دولت منطقه‌ای کردستان در شمال عراق به رسمیت شناخته شده‌اند، قابل بررسی است. قابل توجه است که هیچ یک از این مراکز سعی نکرده‌اند زرتشت‌گرایی را به شکلی که در حال حاضر و در طول تاریخ در ایران و جنوب آسیا اجرا می‌شود، بازسازی کنند. در عوض، آنها نسخه‌های خود از زرتشت‌گرایی کردی را ایجاد کرده‌اند.

این زرتشت‌گرایی کردی ملی‌گرایانه، پست‌مدرن و لیبرال است. دیدگاه‌های نوکیشان به ویژه در مورد مسائل ملی‌گرایی کردی و حقوق زنان قوی و پرشور است. آنها استدلال می‌کنند که دلیل «عقب‌ماندگی» کردها اسلام است. آنها اسلام را به دلیل نگرش‌های فرهنگی نسبت به زنان و عدم استقلال مقصر می‌دانند. آنها سعی دارند با بازگشت به شکل «معتبر» و «اصیل» زرتشت‌گرایی کردی، این وضعیت را اصلاح کنند. این زرتشت‌گرایی به عنوان یک «سنت اختراع‌شده» خاص بر دو موضوع تأکید دارد: هویت قومی، که به گذشته‌ای تصور شده گره خورده است، و فمینیسم عام که در مقابل هنجارهای جنسیتی محافظه‌کارانه اسلامی قرار می‌گیرد. به این ترتیب، این سنت یک آرمان تصور شده است، ادعایی برای پیشرفت و لیبرالیسم ذاتی.

تاریخچه‌گرودن

در تمام نقاط جهان اسلام، گرویدن به زرتشت‌گرایی ممکن است به عنوان ارتداد تلقی شود. گرچه برخی از کردهای مسلمان متدین ممکن

است ظهور زرتشت‌گرایی را مشکل‌ساز بدانند، این جنبش به ویژه از سوی کردهای سکولار طبقه متوسط و بالا و کردهای بازگشته از اروپا حمایت شده است. دلیل تحمل عمومی نوکیشان این است که زرتشت‌گرایی به شدت با هویت ملی‌گرایانه کردی گره خورده است. زرتشت‌گرایی، و همچنین ایزدی‌گرایی، بخشی از تصورات اجتماعی معاصر کردها و گفتمان‌های ملی‌گرایانه است.

کردهای عراقی امروز ادعا می‌کنند که آنها از نسل مادها، یک قوم ایرانی باستان که از ۶۷۸ تا ۵۴۹ قبل از میلاد بر امپراتوری ماد حکومت می‌کردند، هستند. کریم سورنی، سیاستمدار کرد، ادعا می‌کند که زرتشت در ارومیه، شمال غربی ایران («کردستان شرقی») به گفته او) متولد شد و به زبان هورامی، یک «گویش کردی» صحبت می‌کرد. کتابچه‌ای که توسط «پسنا»، یکی از دو مرکز زرتشت‌گرایی در سلیمانیه توزیع شده، ادعا می‌کند که زرتشت‌گرایی «تاریخی حداقل از ۳۷۰۰ تا شاید بیش از ۸۵۰۰ سال دارد». ادعای اینکه زرتشت ممکن است در ۶۵۰۰ قبل از میلاد زندگی کرده باشد، به این معناست که او در دوران نوسنگی زندگی می‌کرد و بنابراین پیش از ظهور تمدن‌های شهری در هر جای دیگر بوده است. بر این اساس، این ادعا نشان می‌دهد که کردها پیش از هر گروه قومی دیگر در خاورمیانه وجود داشته‌اند.

در دوره مدرن، اولین ادعای اینکه کردها در اصل زرتشت‌گرا بودند، توسط برادران بدرخان در دهه ۱۹۳۰ مطرح شد. برادران بدرخان ادعا کردند که کردها در اصل پیرو ایزدی‌گرایی بودند، که آنها آن را به عنوان

نسخه کردی زرتشت‌گرایی می‌دانستند. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، این ایده که کردها زرتشت‌گرا بودند، به یک اصل مرکزی در جنبش ملی‌گرایانه کردها در ترکیه تبدیل شد و در کردستان عراق نیز شتاب گرفت.

اگرچه دو حزب اصلی کردستان عراق، حزب دموکرات کردستان (KDP) و اتحادیه میهنی کردستان (PUK)، اسلام را رد نکردند، اما عبدالله اوجالان، بنیان‌گذار حزب کارگران کردستان (PKK) در ترکیه، به طور علنی آموزش داد که زرتشت‌گرایی از نظر اخلاقی و فکری برتر از اسلام است. اوجالان زرتشت‌گرایی را به عنوان یک نیروی رهایی‌بخش معرفی کرد که می‌تواند کردها را از ظلم دشمنان اسلامی و فئودال، چه در داخل و چه در خارج، آزاد کند. برای اوجالان، زرتشت‌گرایی بخشی مهم از گذشته کردها است و برای بنیان‌گذاران دو مرکز زرتشت‌گرایی در سلیمانیه، این آینده‌ای روشن است.

در ابتدا، هواداران PKK در کردستان عراق بودند که با زرتشت‌گرایی همذات‌پنداری کردند و به آن گرویدند. پس از تابستان ۲۰۱۴، تنها هواداران PKK نبودند که به این دین باستانی پیوستند. با ناراحتی از خشونت‌های داعش، هزاران کرد از اسلام دل‌سرد شدند و به دنبال یافتن معنا و حمایت به آیین زرتشت روی آوردند. زرتشت‌گرایی از دهه ۱۹۹۰ در اروپا در میان دیاسپورای کردها گسترش یافته بود، و کردهای بازگشته از اروپا بودند که در سال ۲۰۱۵ شروع به ساخت نهادهای زرتشت‌گرایی در کردستان عراق کردند.

پیش از سال ۲۰۱۵، نوکیشان کرد به زرتشت‌گرایی عمدتاً در خلوت به انجام اعمال مذهبی خود می‌پرداختند. در سلیمانیه، گروهی از نوکیشان در پرتو تلاش‌های دو مرکز زرتشت‌گرایی که در سال ۲۰۱۵ تأسیس شدند، توانستند درباره هویت جدید خود آشکارا صحبت کنند. اولین مرکز، که در نزدیکی مقر حزب اتحادیه میهنی کردستان قرار دارد، در اول اوت ۲۰۱۵ افتتاح شد. دومین مرکز، که در یک منطقه مسکونی ثروتمند نزدیک بازار قرار دارد، چند ماه بعد افتتاح شد. دومین مرکز نتیجه انشعاب در صفوف مرکز اول بود. پیر شالیار لقمان فرهاد پهلوان، مرد کردی میانسال که پس از بیش از یک دهه زندگی در بریتانیا به عراق بازگشته بود، اولین مرکز را رهبری می‌کند. در پاییز ۲۰۱۵، پیر لقمان با یکی از همکاران زن خود، آوات حسام‌الدین، اختلاف پیدا کرد که او پس از آن مرکز خود را با نام «یسنّا» برای توسعه فلسفه زرتشت‌گرایی» تأسیس کرد. این دو بنیان‌گذار در جهت‌گیری خارجی و رهبری خود تفاوت دارند. آنچه هر دو در آن مشترک هستند، زرتشت‌گرایی بدون بار تاریخی، قوانین دست و پا گیر و متون مفصل است. آنها با هم همکاری می‌کنند تا بر قوانین تأثیر بگذارند و به اتهامات علیه خود پاسخ دهند.

شورش علیه اسلام عربی

برخی به زرتشت‌گرایی می‌گروند و برخی دیگر با درجات مختلفی از دینداری همچنان مسلمان باقی می‌مانند، با این حال از شرکت در رویدادها و بحث‌های مراکز زرتشتی در سلیمانیه لذت می‌برند. گروه دوم

قابل توجه است زیرا حضور آنها فرآیند نهادینه سازی را ممکن ساخت. ابتدا به این می پردازیم که چرا برخی از کردها به زرتشت گرایی می گروند، چگونه هویت و جهان بینی خود را بیان می کنند، و سپس به گروه دوم بازمی گردیم.



نفرت از اسلام و اعراب اساس روایتی است که نوکیشان هنگام پرسش درباره دلایل گرویدنشان به زرتشت گرایی بیان می کنند. آنها عموماً یک داستان ملی گرایانه ارائه می دهند. نوکیشان همیشه در اصل، حداقل به طور اسمی، مسلمان بودند. تاکنون، من نه دیده ام و نه شنیده ام که کاکه ای (همچنین به عنوان اهل حق یا یارسان شناخته می شود) کرد، یا ایزدی ها به زرتشت گرایی گرویده باشند. علاوه بر زرتشت گرایی، ملی گرایان کرد همچنین، حداقل در یک مورد، به عنوان یک حرکت نمادین به ایزدی گرایی گرویده اند، بدون توجه به این واقعیت که ایزدی ها نوکیش نمی پذیرند. با این حال، گروهی از نخبگان

و روشنفکران کرد به عنوان اعتراض در تابستان ۲۰۱۴ به ایزدی‌گرایی گرویدند، در اعتراض به ربوده شدن دختران ایزدی توسط داعش و تخریب سنجار، جایی که صدها هزار ایزدی زندگی می‌کردند.

نوکیشان کرد عموماً با این توضیح شروع می‌کنند که از سوی اعراب تحت ستم قرار گرفته‌اند، اسلام بر اجدادشان تحمیل شده است، و کردها به نام اسلام کشته شده و آزار دیده‌اند. در این زمینه، گرویدن به زرتشت‌گرایی یک عمل شورش علیه ستم به طور کلی، و همچنین علیه اسلام و اعراب به طور خاص است. با «بازپس‌گیری دین اجدادشان»، یعنی آیین زرتشت، آنها خود را از کردهایی که «در ذهن و روح برده اسلام هستند» متمایز می‌کنند.

نوکیشان کرد اسلام را ذاتاً خشونت‌آمیز و سرکوب‌گر زنان تعریف می‌کنند. آنها چند همسری و حجاب را محکوم می‌کنند. در یک پادکست، پیر لقمان گفت که اسلام مقصر سوء استفاده و برده‌داری از زنان ایزدی است که توسط داعش ربوده شدند تا به عنوان برده جنسی باشند. او ادعا می‌کند که زرتشت‌گرایی با برده‌داری مخالف است و به زنان احترام می‌گذارد. او اسلام را به دلیل معرفی قتل‌های ناموسی به جامعه کردی مقصر می‌داند و ادعا می‌کند که کردها «با خشونت میانه‌ای ندارند». استدلال پیر لقمان که پیامبر اسلام، محمد، عربستان را به همان شیوه‌ای فتح کرد که داعش بخش‌هایی از سوریه و عراق را فتح کرد، بازتابی از اسلام‌هراسی معاصر در اروپا و آمریکا است.

تصویر نوکیشان از اسلام تقریباً شرق‌شناسانه است. به گفته ادوارد سعید، شرق‌شناسی اسلام را به عنوان بخش ذاتی شرق تعریف می‌کند، که هیچ تاریخ، عصر طلایی و محتوای فکری ندارد. با رد اسلام، نوکیشان سعی دارند ثابت کنند که آنها بخشی از این «قسمت پست جهان» نیستند. آنها «مسلمانان خوب» نهایی هستند، آنها آنقدر خوب هستند که حتی مسلمان نیستند. پس از ۱۱ سپتامبر، رسانه‌های آمریکایی به «گفتگوی فرهنگی» پرداختند، که فرهنگ و تجربه مذهبی راسیاسی کرد. به طور خاص، همه مسلمانان وهابی محافظه‌کار را به عنوان مسلمانان بد معرفی کرد. در مورد کردها، این به جنگ بین کردها، «مسلمانان خوب»، و داعش، «مسلمانان بد» تبدیل شد. با رد اسلام و تبرئه فرهنگ کردی، نوکیشان کرد به زرتشت‌گرایی سعی دارند خود را با غرب همسو کنند و توضیح دهند که زرتشت‌گرایی و هویت کردی با ارزش‌های «روشن‌فکرانه» غربی، مانند صلح‌طلبی، برابری جنسیتی، دموکراسی و عقل‌گرایی همسو است.

برای نشان دادن خشونت و عقب‌ماندگی اسلام، برخی از نوکیشان نمونه‌های تاریخی اغراق‌آمیز را تکرار می‌کنند. برای مثال، پیر لقمان در یک مصاحبه آنلاین اظهار داشت: «در دوران صلاح‌الدین ایوبی، در هر روستای کردی یک خانواده عرب [مسلمان] زندگی می‌کردند که هر دختر ۱۲ ساله و بالغی را که می‌پسندیدند، با خود می‌بردند». این نگرش احساس قربانی بودن را منتقل می‌کند. همه کردها به عنوان قربانیان بی‌پناه به تصویر کشیده می‌شوند، که کشته و سرکوب شده‌اند. عاملان

همیشه اعراب مسلمان هستند. تأکید بر قربانی بودن، بنابراین، دلایل مشکلات را به بیرون فرافکنی می‌کند و اجازه نمی‌دهد نظریه‌های جایگزین، از جمله مقصر بودن کردها و نخبگان کردی، مطرح شود.

جهت‌گیری و طعم خاص جنبش‌های ملی‌گرایانه کردستان عراق به دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بازمی‌گردد. دهه ۱۹۸۰ نه تنها زمان جنگ ده ساله ایران و عراق بود، بلکه زمان «کمپین انفال» نیز بود. در طول جنگ، صدام حسین ایرانی‌ها را به عنوان مجوس لعن می‌کرد، که به معنای واقعی کلمه به معنای «مغ» است، اما همچنین یک اصطلاح تحقیرآمیز برای زرتشتیان ایرانی است، که به طور ضمنی خود و اعراب را تنها مسلمانان واقعی به تصویر می‌کشد. این حرکت با هدف بی‌اعتبار کردن آیت‌الله خمینی و جمهوری اسلامی بود، با این ادعا که در واقع ایرانی‌ها اصلاً مسلمان نبودند. علاوه بر این، با پیشرفت جنگ، رژیم بعث به طور فزاینده‌ای از نمادهای اسلامی استفاده کرد. کمپین انفال، که یک کمپین نسل‌کشی علیه کردها بود، به نام سوره انفال در قرآن، که به معنای «غنایم جنگ» است، نام‌گذاری شد. استفاده صدام از اسلام و انکار ضمنی این که دشمنانش نسبتی با اسلام دارند، باعث تقویت بیگانگی کردها از اسلام و شناسایی آنها با زرتشت‌گرایی شد.

بیگانگی از اسلام و سلطه عرب‌ها، همراه با پیوند زرتشت‌گرایی با تاریخ، فرهنگ، و به‌ویژه ملی‌گرایی کردی، منجر به همدلی نسبتاً گسترده یا حداقل تحمل زرتشت‌گرایی در میان کردها شده است. استفاده عمومی از نمادها و نام‌های زرتشت‌گرایی در جامعه کردی گواه این امر

است. حتی بسیاری از کردهایی که به طور کلی خود را مسلمان می‌دانند، به شدت به زرتشت‌گرایی به عنوان دین اجدادشان احترام می‌گذارند و با آن همدردی می‌کنند. به عبارت دیگر، حتی کردهای مسلمان روایت ملی‌گرایانه ریشه‌های زرتشت‌گرایی را پذیرفته‌اند.

ساخت زرتشت‌گرایی کردی

با وجود تأکید بر تداوم آیین‌های زرتشتی در زندگی معاصر کردها، نوکیشان کرد معمولاً علاقه‌ای به یادگیری متون زرتشتی یا پیروی از آیین‌های مستند به تاریخ زرتشتی، همان‌گونه که امروزه در ایران و هند اجرا می‌شوند، ندارند. آنها به طور کلی زرتشت‌گرایی را از جنبه‌های آیینی و قانونی آن جدا کرده و آن را به یک الزام اخلاقی تقلیل می‌دهند: «پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک». بسیاری از طرفداران هویت «زرتشتی» در واقع به دین بدبین هستند یا حتی با آن مخالف‌اند و یک اخلاق زرتشتی ساده‌شده را به عنوان جایگزینی بی‌خطر می‌بینند. به‌ویژه سازمان آوات از فلسفه زرتشتی حمایت می‌کند و به‌صراحت قوانین پاکی و آیین‌های دینی زرتشتی را به عنوان «خرافه» رد می‌کند. از نظر آوات حسام‌الدین، زرتشت‌گرایی کردی یک مفهوم فلسفی است و آیین‌ها و قوانین آن، به گفته او، اختراعات ایرانی هستند که برای کسانی که می‌خواهند به زرتشت‌گرایی «اصلی» کردی بازگردند، الزام‌آور نیستند.

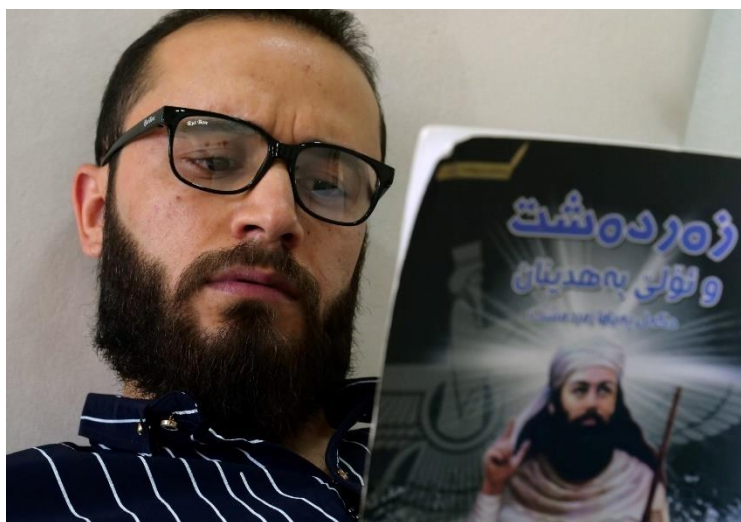
هم آوات حسام‌الدین و هم پیرلqمان سعی دارند یک زرتشت‌گرایی کردی را ایجاد کنند، که به گفته هر یک، شکل اصلی زرتشت‌گرایی است. در مورد آوات، به عنوان یک مفهوم فلسفی، به علم و خرد ارزش می‌دهد

و با اسلام، که به عنوان یک دین عقب مانده و غیرمنطقی توصیف می شود، در تضاد است. آوات بر «سه ستون زرتشت گرایی» یعنی «پندار نیک، گفتار نیک، و کردار نیک» تأکید می کند که به شکلی گسترده تعریف شده اند و بنابراین نه تنها امکان، بلکه ضرورت انجام قضاوت های اخلاقی مستقل را فراهم می کنند.

در مقابل آوات حسام الدین، پیر لقمان بر مناسک تأکید می کند و اصرار دارد که زرتشت گرایی کردی یک سنت اختراع شده نیست. بلکه، این سنت احیا شده اجدادشان است. سازمان پیر لقمان همچنین تأکید بیشتری بر نمادهای زرتشت گرایی نسبت به «یسنا» دارد. پیروان او همه سنجاقی یا گردنبندهای فروهر، نماد اهورامزدا، می پوشند. پیر لقمان و پیروان او فروهر را در خانه های خود، روی دیوار، روی جواهرات، لباس ها و روی مجسمه های کوچک تزئینی نمایش می دهند. بیشتر این موارد از ایران وارد شده اند.

برای PKK، زرتشت گرایی کردی به معنای احترام به زمین، طبیعت، حیوانات و برابری جنسیتی است. این ایده ها توسط کردها در سلیمانیه نیز پذیرفته شده اند. به عنوان مثال، آوات حسام الدین یک سگ را به فرزندی پذیرفت که در حیات سازمان او نگهداری می شود. با نوازش سگ در مقابل بازدیدکنندگان، او ثابت می کند که از ممنوعیت اسلامی سگ ها پیروی نمی کند و عشق زرتشت به سگ ها را تأیید می کند. آوات و پیر لقمان به علاقه زرتشت گرایی کردی به طبیعت و حیوانات ادای احترام می کنند، اما ایدئولوژی مارکسیستی PKK را نپذیرفته اند. در عوض،

آنها از دموکراسی و آزادی بیان، و به طور ضمنی سرمایه‌داری، حمایت می‌کنند و ادعا می‌کنند که زرتشت‌گرایی همیشه از این ایده‌ها حمایت کرده است. بدون توجه به اعتبار تاریخی ادعاهای آنها، استدلال آوات و پیرلتمان بیانگر تمایل به محلی‌سازی ارزش‌های اروپایی و ارتقای کردها به صحنه جهانی است. این موضوع به ویژه در مورد موضوع زنان مشهود است.



به گفته آوات، زنان کرد قبل از اسلام «آزاد» بودند. پیروان او ادعا می‌کنند که زنان زرتشتی می‌توانستند در مقابل مردان غریبه به کودکان خود شیر دهند بدون این که احساس شرم کنند. آوات توضیح داد که در طول زندگی زرتشت، زنان حق انتخاب همسر خود را داشتند و می‌توانستند طلاق را آغاز کنند. زرتشت خود اجازه داد که دخترش تا دو سال قبل از ازدواج با یک مرد هم‌خانه شود. از طریق این بیانیه، او قصد

داشت ثابت کند که زرتشت‌گرایان، و به تبع آن کردها، قائل به برابری جنسیتی بودند، اما پس از اسلام آوردن آن را از دست دادند. با رمانتیک‌سازی زندگی روستایی، او ادعا می‌کند که مردان و زنان در روستاها نسبتاً برابر هستند و این نشانه بقایای فرهنگی زرتشت‌گرایی است. نوستالژی رمانتیک او بازتابی از نوستالژی عبدالله اوجالان است که ادعا می‌کند زنان کرد از طریق کشاورزی درجه‌ای از خودمختاری را حفظ کردند. با این حال، این دیدگاه آرمانی از زنان مزرعه درست نیست. زنان مزرعه بر محصولات کار خود کنترل ندارند و به ندرت مالک مزارعی هستند که در آن کار می‌کنند.

این واقعیت که آوات حسام‌الدین و پیر لقمان هر دو بخشی از دیاسپورای کردی بودند، بسیار مهم است. سال‌هایی که در خارج از کشور گذراندند، به آن‌ها امکان داد تا هویتی ایدئال‌سازی‌شده از کردها را تصور و توسعه دهند، هویتی که از محدودیت‌های تعامل با همسایگان مسلمان و عرب آزاد بود. در عوض، زندگی در اروپا آن‌ها را وادار کرد تا هویتی را در مقابل «دیگران» اروپایی شکل دهند، کسانی که انتظار دارند خارجی‌ها در دسته‌بندی‌های مشخصی قرار گیرند. وقتی این کردهای اروپایی‌شده به وطن بازگشتند، تلاش کردند تا هویت تازه تعریف‌شده خود را نهادینه کنند. هم آوات حسام‌الدین و هم پیر لقمان به دنبال ایجاد نهادهایی بودند که اغلب به‌طور مثبت دیده می‌شوند و به‌عنوان ابزاری برای دسترسی به عدالت تلقی می‌شوند. این تمایل به نهادینه‌سازی، به‌عنوان ابزاری برای کسب حقوق مدنی و تأثیرگذاری بر

نهادهای دولتی، به ویژه آموزش عمومی، توضیح می‌دهد که چرا آوات، که در غیر این صورت زرتشت‌گرایی «دینی» را رد می‌کند، همچنان تلاش می‌کند تا دولت «یسن» را به عنوان یک نهاد و جامعه دینی معتبر به رسمیت بشناسد.

آنچه به آوات حسام‌الدین و پیر لقمان اجازه می‌دهد که حتی شروع به تلاش برای به رسمیت شناختن دولتی کنند، ماده ۵ قانون اساسی کردستان است که در سال ۲۰۱۵ توسط رئیس دولت منطقه‌ای کردستان، مسعود بارزانی، امضا شد و آزادی دین را تضمین می‌کند. این ماده به شهروندان حق انتخاب دین خود را می‌دهد، از جمله آزادی ترک اسلام.

جنگ‌های مذهبی در سلیمانیه

در تلاش برای به دست آوردن به رسمیت شناخته شدن دولتی و گسترش حوزه نفوذ خود، هم آوات حسام‌الدین و هم پیر لقمان با مخالفت مواجه شده‌اند. این امر با توجه به نگرش تا حدودی تهاجمی آنها نسبت به اسلام قابل انتظار است؛ آنها زرتشت‌گرایی را به عنوان «یک چراغ راهنما در خاورمیانه تاریک مسلمان» به تصویر می‌کشند، پیر لقمان و آوات هر دو تأکید می‌کنند که در مقابل اسلام، زرتشت‌گرایی آزادی مذهب، حقوق زنان را ترویج می‌کند و با برده‌داری و بی‌اخلاقی مخالف است.

در سال ۲۰۱۶، آوات حسام‌الدین، پیر لقمان و مراکز آنها انرژی خود را جمع کردند و توانستند دو تریلر برای یک مستند با عنوان «پس از ۱۴۳۷ سال» تولید و منتشر کنند. این فیلم بر اخلاق جنسی و برخی موضوعات دیگر تمرکز دارد. در بخشی از «پس از ۱۴۳۷ سال» در مورد «اخلاق زرتشت‌گرایان»، عبداللطیف، یک واعظ سلفی مشهور در سلیمانیه، زرتشت‌گرایان را متهم می‌کند که با مادران خود می‌خوانند تا گناهان خود را جبران کنند. این تهمت، همانطور که آوات به درستی در ویدیو اشاره می‌کند، یک کلیشه تحقیرآمیز رایج است که به اقلیت‌های مذهبی یا قومی در خاورمیانه نسبت داده می‌شود. سپس، عبداللطیف زرتشت‌گرایان را به زنا با محارم متهم می‌کند زیرا برخی از پادشاهان زرتشت‌گرای ایرانی با خواهران خود ازدواج کردند. راهنمای مذهبی آوات در سوئد، پیر انداز هاووزی، توضیح می‌دهد که این اتفاق گاهی در میان نخبگان رخ می‌داد. آنها شبیه به فرعون‌های مصر بودند که می‌خواستند ثروت خانواده را حفظ کنند. پیر لقمان فوراً به حالت تهاجمی واکنش نشان داد و ادعا کرد که مردم کرد هیچ‌گاه چنین کاری نکردند، زیرا به عنوان زرتشتیان، آنها از آن زمان می‌دانستند که این امر منجر به تولد کودکان ناقص‌الخلقه می‌شود.

در تریلر دوم «پس از ۱۴۳۷ سال»، کارگردان توضیح می‌دهد که داعش دلیل ترک اسلام توسط کردهای مسلمان است. از طریق چندین سخنران، به مخاطبان گفته می‌شود که پس از داعش، کردها نمی‌توانند به سادگی اسلام را «بپذیرند». در همین حال، تصاویری از داعش در

پس‌زمینه در حال پخش است که بینندگان را به‌طور عمیق منزجر می‌کند و باعث می‌شود آنها داعش را معادل اسلام و نفرت و زرتشت‌گرایی را معادل پیشرفت صلح‌آمیز و روشنفکرانه ببینند. نه تریلرها، نه بخش‌ها، و نه مصاحبه‌هایی که من انجام دادم، به‌طور مستقیم به مسئله اصلی اشاره نکردند: استقلال کردستان. تبدیل شدن به زرتشتی به معنای استقلال فرهنگی است، اما نه از نظر سیاسی، نظامی یا مالی. به‌جای پرداختن به موانع واقعی که کردها با آن مواجه‌اند، مانند فساد دولتی کردستان، تقسیمات حزبی و وابستگی اقتصادی به ایران و ترکیه، تنها بر «آزادسازی ذهن» تمرکز می‌کنند. بخشی از آزادسازی ذهن، آزاد کردن انتخاب‌های اخلاقی از قوانین و احکام دینی است که نیاز آنها به مقابله با اتهامات سوءرفتار جنسی را توضیح می‌دهد.

عبداللطیف، واعظ سلفی یادشده در سلیمانیه، با هشدار به ظهور زرتشت‌گرایی واکنش نشان داده است. او آنها را به زنا با محارم و بی‌اخلاقی متهم کرده است. در همین حال، عبداللطیف خود اخیراً در مرکز یک رسوایی مربوط به زنا قرار گرفت. یک نوار در بهار ۲۰۱۶ منتشر شد که یک گفتگوی نسبتاً صمیمی و عاشقانه بین عبداللطیف و یک دانشجوی زن متأهل را ضبط کرده بود. چند ماه بعد، او به عنوان سومین همسر او شد. برای اعضای نخبگان روشنفکر سکولار در سلیمانیه، مانند محقق مطالعات جنسیتی چومان هاردی، این حادثه نشانه ورشکستگی اخلاقی و ریاکاری سلفی‌گرایی است. با این حال،

احتمالاً پیروان او به سادگی به دلیل این که عبداللطیف چشم‌چرانی داشته است، از اسلام‌گرایی روی برنمی‌گردانند.

نتیجه‌گیری: سرخوردگی و خستگی

برای مدتی، به نظر می‌رسید که زرتشت‌گرایی در حال پیشرفت است، به‌ویژه پس از تصویب ماده ۵ در سال ۲۰۱۵. علاوه بر این، تراژدی داعش هنوز در ذهن مردم تازه بود. از آن زمان، این شور و هیجان فروکش کرد. مراکز زرتشتی بیشتر وقت‌ها بسته بوده‌اند. یک رسوایی مالی در سازمان پیر لقمان رخ داد. به‌طور کلی، ساکنان سلیمانیه از خستگی ناشی از همدردی با پناهندگان و آوارگان داخلی رنج می‌بردند. از سال ۲۰۱۷، رستوران‌ها دیگر در ماه رمضان بسته نمی‌شدند، هرچند که هنوز، پرده‌های سفید با سوراخ‌های بزرگ به‌طور نمادین درب رستوران‌ها را در زمان روز پوشش می‌داد. جالب اینجاست که حتی کردهای بازگشتی از اروپا دوباره عراق را ترک می‌کردند، بخشی به‌دلیل بحران اقتصادی که پس از ۲۰۱۴ به‌وجود آمد و بخشی به‌دلیل این که رویاهای استقلال کردستان پس از رد شدن همه‌پرسی استقلال کردستان در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ از سوی بغداد، ضربه‌ای جدی خورد. در حالی که نمادهای زرتشتی هنوز در بازار و فروشگاه‌ها قابل مشاهده هستند و رستوران‌ها همچنان به نام شخصیت‌های اساطیری زرتشتی نامگذاری می‌شوند، شور و اشتیاق همراه با امید به آینده‌ای روشن از بین رفته است. با این حال، در حالی که نوزرتشت‌گرایی کردی در سلیمانیه و سایر شهرهای کردستان عراق شکوفا شد، شکلی از خلاقیت فرهنگی را به‌وجود آورد که تلاش داشت مفاهیم دموکراسی و حقوق زنان اروپایی-آمریکایی را به‌عنوان ارزش‌های اصیل کردی ترویج دهد.